



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



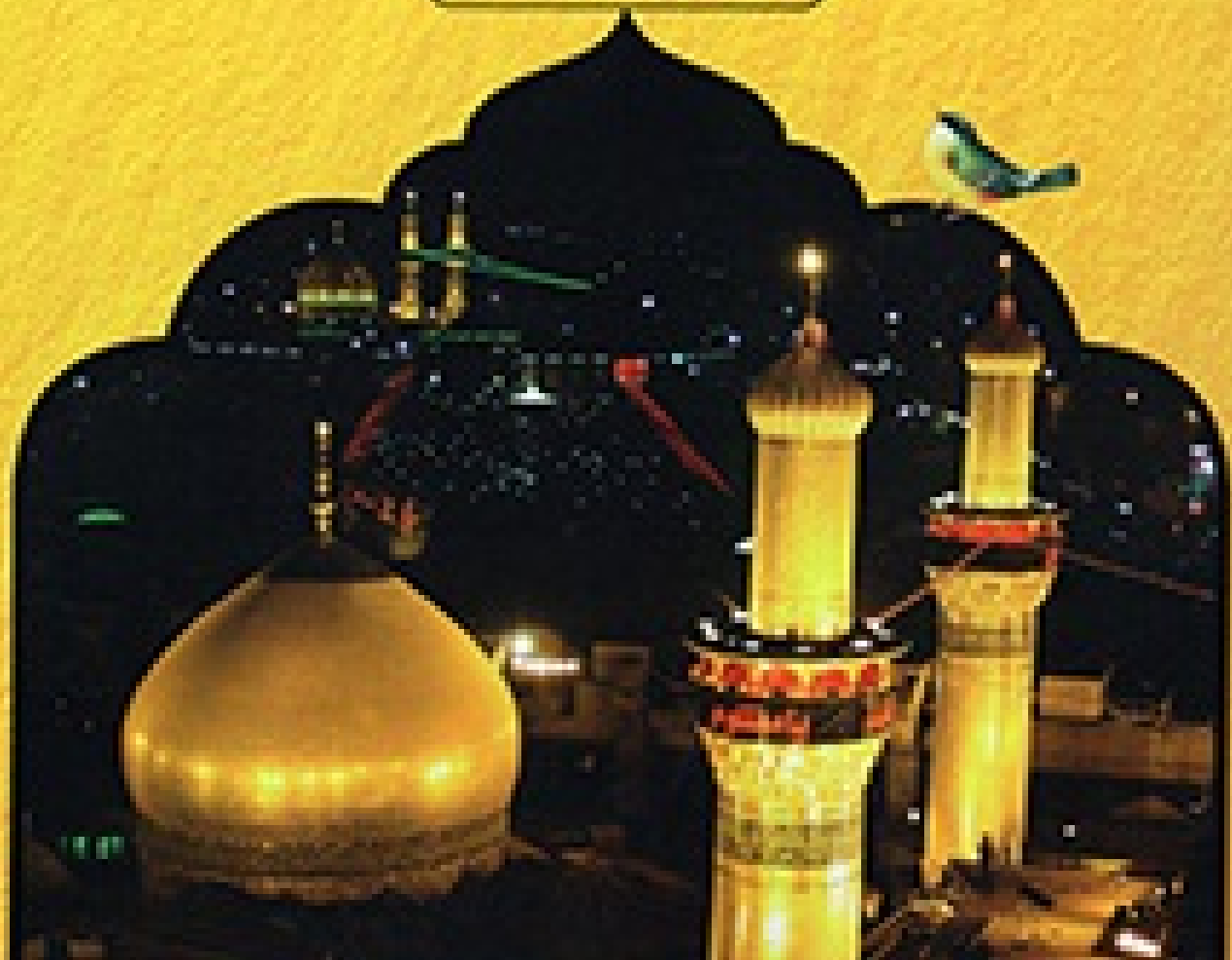
عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

تخلیله از زندگی

امام حسین

محمد رضا راجانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحليلي از زندگي امام حسين عليه السلام

نويسنده:

محمد رضا رجائي

ناشر چاپي:

آشيانه برتر

ناشر ديگيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۸	تحلیلی از زندگی امام حسین علیه السلام
۱۸	مشخصات کتاب
۱۸	اشاره
۲۱	فهرست مطالب
۳۲	پیش گفتار
۳۴	بخش اول: کودکی امام حسین علیه السلام
۳۴	اشاره
۳۵	ابتدای خلقت
۳۷	شناسنامه امام حسین علیه السلام
۳۸	روز، ماه و سال تولد امام حسین علیه السلام
۳۸	ولادت و مراسم نامگذاری امام حسین علیه السلام
۴۰	امام حسین علیه السلام از مادرش شیرنیاشامید
۴۱	دوران زندگی امام حسین علیه السلام
۴۲	دوران کودکی
۴۲	۱. محبوب پیامبر
۴۳	۲. عشق حسین علیه السلام در کانون دل پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
۴۳	الف) حسین از من است و من از حسینم
۴۴	ب) خداوندا! این کودک را دوست دارم تو نیز او را دوست بدار
۴۵	ج) چه کسی برای حسینم گریه می کند؟
۴۶	د) فرزند دلبنده من ، حسین فاطمه کشته می گردد؟
۴۷	۳. شاگرد پیامبر
۴۸	الف) نوبت را رعایت کنید!
۴۸	ب) رعایت ادب

۴۸	الگوی ادب (۱)
۴۸	الگوی ادب (۲)
۴۹	از زندگی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۵۰	الف) عبادت و بخشش
۵۴	ب) امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام خود را معرفی می کند.
۵۷	ج) علم فراوان
۵۷	ه) استدلال شیرین
۵۹	ی) حق طلبی
۶۰	بخش دوم: دوران جوانی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۶۰	اشاره
۶۱	صورت و سیما
۶۲	نسخه ای برای گناه کردن!
۶۳	مبارزه حسین بن علی عَلَیْهِ السَّلَام
۶۴	ازدواج امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۶۴	الف) ازدواج امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام با بانوی مجلله رباب
۶۵	ب) جریان ازدواج امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام با بانوی مجلله رباب
۶۷	شرایط دریافت کمک مالی
۶۸	امام حسین در حمایت از پدر خویش
۶۹	گریه پس از پیروزی
۷۰	مرد شامی و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۷۱	مبارزات حسین بن علی عَلَیْهِ السَّلَام در جبهه های نبرد با ناکثین وقاسطین
۷۲	سید الشهداء در مدت خلافت برادر
۷۴	بخش سوم: موانع قیام در عصر معاویه
۷۴	اشاره
۷۵	مبارزات آن حضرت با حکومت معاویه
۷۵	۱. انتقاد و افشاگری

۷۶	الف) افشاگری (۱)
۷۶	ب) افشاگری (۲)
۷۷	۲. سخنرانی کوبنده و افشاگرانه در کنگره عظیم حج
۷۸	احقاق حق
۸۰	بخش چهارم: علل و آثار قیام حسینی
۸۰	اشاره
۸۱	قیام حسینی
۸۱	الف) عوام و توده مردم
۸۲	ب) خواص
۸۲	ج) غضب خلافت
۸۳	علل قیام امام حسین علیه السلام
۸۳	الف) علل قیام طبق وصیت نامه آن حضرت
۸۳	ب) علل قیام از زبان خود امام
۸۳	۱- شرایط پیشوای مسلمانان
۸۴	۲- سکوت نابخشودنی
۸۴	۳- محو سنتها و رواج بدعتها
۸۵	۴- عمل نکردن به حق
۸۵	آثار قیام حسینی
۸۵	ویژگی ها و آثار قیام و نهضت حسینی
۸۵	اشاره
۸۶	۱. افشاگری
۸۶	۲. استقلال اندیشه در برابر دشمنان اسلام
۸۶	۳. گرایش شدید تر مردم به اهل بیت علیه السلام
۸۶	۴. ایجاد روحیه مقاومت و پایداری در برابر زمامداران ستمگر
۸۶	۵. حس روحیه شرمساری به علت عدم استعانت حق و عدم انجام
۸۷	۶. زنده شدن روحیه شهادت طلبی

۸۷	زنده شدن خصلتهای اخلاقی در بین مردم
۸۷	نجوا با عاشورا
۹۰	بخش پنجم: پیام های قیام حسینی
۹۰	اشاره
۹۲	کربلا تجلی گاه تلاوت قرآن امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۹۳	شب وداع
۹۳	آخرین آزمایش
۹۵	شب عاشورا
۹۵	روز عاشورا
۹۷	منظره ای از نمایشگاه حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۱۰۰	پیام آوران قیام کربلا
۱۰۱	بانوان عاشورا
۱۰۱	اشاره
۱۰۱	الف) مشارکت زنان در جهاد
۱۰۲	ب) آموزش صبر
۱۰۲	ج) پیام رسانی
۱۰۲	د) روحیه بخشی
۱۰۲	ر) پرستاری
۱۰۲	ز) مدیریت
۱۰۳	و) حفظ ارزشها
۱۰۳	ه) تغییر ماهیت اسارت
۱۰۳	ی) عمق بخشیدن به بعد عاطفی و تراژدیک کربلا
۱۰۳	پیامهای حرکت حسینی
۱۰۳	اشاره
۱۰۴	۱. اطاعت از امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۱۰۴	۲. حفظ ارزش های متعالی

۳. جبهه گیری در برابر اندیشه های منحرفانه - - - - - ۱۰۴
۴. اصلاح حکومت - - - - - ۱۰۴
۵. انجام مسئولیت - - - - - ۱۰۴
۶. تقوا پیشه کنید!! - - - - - ۱۰۵
۷. حق الناس را به صاحبش برگردانید - - - - - ۱۰۵
۸. برپای داشتن نماز - - - - - ۱۰۵
۹. تسلیم نشدن در برابر ظلم و ستم - - - - - ۱۰۵
۱۰. فقط بندگی خدا!!! - - - - - ۱۰۶
۱۱. استقامت و پایداری - - - - - ۱۰۶
۱۲. انجام امر به معروف و نهی از منکر - - - - - ۱۰۶
۱۳. شهادت طلبی، جوانمردی، شجاعت و دلاوری - - - - - ۱۰۶
۱۴. حفظ دین - - - - - ۱۰۶
۱۵. خودسازی و قطع وابستگی ها - - - - - ۱۰۷
۱۶. حاکم جامعه اسلامی باید عادل، شجاع و با تقوا باشد. - - - - - ۱۰۷
۱۷. عدم دنیا زدگی و دنیا گرایی - - - - - ۱۰۷
۱۸. زندگی حقیقی - - - - - ۱۰۸
۱۹. پاسداری از حرمت حرم - - - - - ۱۰۸
۲۰. رضا به رضای حق - - - - - ۱۰۸
۲۱. راز و نیاز با معبود - - - - - ۱۰۹
۲۲. هدایت خواهی - - - - - ۱۰۹
۲۳. در اندیشه نجات دشمن - - - - - ۱۱۰
- راهکارهای حضور در صحنه عاشورا - - - - - ۱۱۰
- اشاره - - - - - ۱۱۰
۱. حضور در عاشورا با دل و نیت - - - - - ۱۱۱
۲. آرزو (تمنای حضور) - - - - - ۱۱۱
۳. ثبت نام برای سربازی (رجعت) - - - - - ۱۱۱

۴. زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در روز عاشورا ۱۱۲
۵. سقاییت مردم در روز عاشورا ۱۱۲
۶. خواندن زیارت عاشورا در هر روز ۱۱۲
- تعلیمات اسلام در زنده نگه داشتن عاشورا ۱۱۳
- اشاره ۱۱۳
- الف) سلام بر حسین عَلَیْهِ السَّلَام و لعنت بر یزید ۱۱۳
- ب) کام نوزاد را با تربت امام حسین بردارید!! ۱۱۳
- ج) حنوط میت به تربت حسینی ۱۱۴
- د) قرار دادن تربت در کفن میت ۱۱۴
- و) درمان توسط تربت ۱۱۴
- ز) ذکر خدا با تسبیح تربت وسجده بر تربت حسین عَلَیْهِ السَّلَام به خدا ۱۱۴
- ه) زیارت قبر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام ۱۱۴
- ی) عزاداری ۱۱۵
- برخی از شعرهای حسینی ۱۱۵
- بخش ششم: ویژگی ها و فضائل ۱۱۷
- اشاره ۱۱۷
۱. امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام انسانی سراسر معنوی بوده است. ۱۱۸
۲. نماز و راز و نیاز ۱۱۹
- اشاره ۱۱۹
- الف) هزار رکعت نماز ۱۲۱
- ب) درس آموزنده نهضت سالار شهیدان ۱۲۱
- ج) دعا و راز و نیاز ۱۲۲
۳. شجاعت و شهامت ۱۲۳
- اشاره ۱۲۳
- شجاعت در برابر زورگو ۱۲۳
۴. غیرت ۱۲۳

- ۱۲۳ اشاره
- ۱۲۴ الف) هرگز دست ذلت به شما نخواهم داد. - - - - -
- ۱۲۴ ب) به حرم من تجاوز نکنید - - - - -
- ۱۲۴ ۵. جوانمردی - - - - -
- ۱۲۵ ۶. گذشت و عفو - - - - -
- ۱۲۵ اشاره
- ۱۲۵ الف) عفو و بخشش عصام بن مصطلق - - - - -
- ۱۲۷ ب) عفو و بخشش غلام - - - - -
- ۱۲۷ ۷. بخشش و سخاوت - - - - -
- ۱۲۷ اشاره
- ۱۲۷ الف) مردی از انصار و بخشش امام - - - - -
- ۱۲۸ ب) بخشش اموال - - - - -
- ۱۲۹ ج) پرداخت قرض دوستان - - - - -
- ۱۲۹ ۸. علم و دانش - - - - -
- ۱۲۹ اشاره
- ۱۲۹ الف) آگاهی امام حسین علیه السلام - - - - -
- ۱۳۰ ب) علم اهل بیت علیه السلام و کمک جبرئیل - - - - -
- ۱۳۰ ۹. تواضع و فروتنی - - - - -
- ۱۳۰ اشاره
- ۱۳۱ الف) مظهر تواضع (۱) - - - - -
- ۱۳۱ ب) مظهر فروتنی (۲) - - - - -
- ۱۳۲ ج) تواضع در همه ابعاد زندگی - - - - -
- ۱۳۳ ۱۰. سادگی و ساده زیستی - - - - -
- ۱۳۳ اشاره
- ۱۳۳ سادگی در ازدواج دختر - - - - -
- ۱۳۶ بخش هفتم: از زرفای کرامات حسینی علیه السلام - - - - -

- ۱۳۶ اشاره
- ۱۳۷ سخن گفتن سرمقدس
- ۱۴۱ مجازات اهانت کننده
- ۱۴۲ امام حسین علیه السلام در مسافرت
- ۱۴۳ مرده زنده کردن
- ۱۴۴ گل قبر امام حسین علیه السلام شفای هر دردی است!
- ۱۴۵ شفای هفت مریض در یک لحظه
- ۱۴۸ عطای حسینی
- ۱۴۹ شفای درد چشم آیت الله العظمی بروجردی به برکت عزاداران روز عاشورا
- ۱۵۰ بوی سیب سرخ
- ۱۵۰ جسد سالم و تازه ای در مقابل قبر مطهر امام حسین علیه السلام
- ۱۵۴ بخش هشتم: از ژرفای سخنان امام حسین علیه السلام
- ۱۵۴ اشاره
- ۱۵۵ دستم بر بی پناه
- ۱۵۶ علما و پیمان های خدا و پیامبر
- ۱۵۶ مسئولیت علما درباره محرومان و ستمدیدگان
- ۱۵۷ دوست تو کیست؟
- ۱۵۷ اصلاح گری در امت
- ۱۵۸ هرگز تن به ذلت نمیدهیم
- ۱۵۸ اگر دین ندارید ، آزاد مرد باشید
- ۱۵۹ آزمایش الهی
- ۱۵۹ به موقع سخن بگو
- ۱۶۰ پنج نعمت بزرگ!!
- ۱۶۰ بهترین پرستش
- ۱۶۱ نشانه نیکنامی
- ۱۶۱ کار خطا انجام نده !!

- دانشمندان، حکیمان و تنگدستان ۱۶۱
- اخلاق خوش ۱۶۲
- ازدواج در جوانی ۱۶۲
- غیبت ۱۶۲
- فرازی از دعای عرفه ۱۶۳
- بخش نهم: امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام از دیدگاه (دانشمندان شرق و غرب) ۱۶۴
- اشاره ۱۶۴
- امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام از دیدگاه علمای اهل سنت ۱۷۱
- دیدگاه اندیشمندان جهان درباره عاشورا ۱۷۴
- بخش دهم: چگونگی زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام ۱۷۶
- اشاره ۱۷۶
- معنای زیارت ۱۷۷
- تعریف زیارت ۱۷۷
- مفهوم زیارت ۱۷۸
- زیارت در مذهب ۱۷۸
- انواع زیارت ۱۷۹
- توصیف زیارت ۱۷۹
- چرا به زیارت می رویم ؟ (آثار دنیوی زیارت) ۱۸۱
- آثار اخروی زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام ۱۸۳
- ۱- ثواب و فضیلت قصد زیارت ۱۸۳
- ۲- ثواب فراوان و محو گناهان ۱۸۴
- ۳- زائر حسین در جوار پیامبر، علی و فاطمه عَلَیْهِم السَّلَام ۱۸۴
- ۴- زائران امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام پیش از سایر مردم وارد بهشت می شوند. ۱۸۴
- ۵- به دلیل فضیلت و ثواب فراوان، از شدت شوق می میرند. ۱۸۴
- ۶- نشانه گذاری سیمای زائر به نور عرش خدا توسط فرشتگان برای بازشناسی در قیامت. ۱۸۵
- ۷- نجات از وحشت و هراس روز قیامت. ۱۸۵

- ۸- فریاد رسی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ۱۸۶
- ۹- رسیدن به مقام صدیقین. ۱۸۶
- ۱۰- نزول رحمت و تحت حمایت خدا قرار گرفتن. ۱۸۶
- ۱۱- مورد اکرام الهی قرار گرفتن. ۱۸۶
- ۱۲- برابر با زیارت خدا در عرش. ۱۸۶
- ۱۳- حل مشکلات و رفع اندوهها ۱۸۶
- ۱۴- شفای امراض و بیماریها و بخشش گناهان ۱۸۶
- ۱۵- طولانی شدن عمر ۱۸۶
- ۱۶- ازدیاد رزق ۱۸۶
- ۱۷- مصافحه با روح ملکوتی ۲۴۰۰۰ پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ۱۸۶
- ۱۸- همجواری با رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ در بهشت ۱۸۶
- ۱۹- رضایت الهی و ایمنی از ترس و وحشت قیامت ۱۸۶
- ۲۰- سیراب شدن از حوض کوثر به دست حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام ۱۸۶
۱. درجه زائرین ۱۸۷
- ۲، شرایط زیارت ۱۸۷
۳. زمان زیارت ۱۸۷
۴. رعایت آداب ۱۸۷
- التفات به زوار حسینی ۱۸۸
- بخش یازدهم: شناخت عزاداری امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام ۱۸۹
- اشاره ۱۸۹
- تعریف عزاداری ۱۹۰
- هدف از عزاداری ۱۹۰
- عزاداری برای اسلام همانند شهادت است ۱۹۱
- آثار دنیوی عزاداری ۱۹۲
- اشاره ۱۹۲
۱. پلی از کشش قلب و عاطفه ۱۹۳

۲. تأثیر مستقیم و سازنده ۱۹۳
۳. الگوپذیری از پیشوا در جبهه حق ۱۹۳
۴. عبرت گرفتن از دشمنان امام عَلَیْهِ السَّلَام ۱۹۴
۵. حماسی ترین قیام ها در تمام ابعادش ۱۹۴
- آثار و فواید اخروی گریه و عزاداری بر حسین عَلَیْهِ السَّلَام ۱۹۵
۱. تاسی به پیامبرین صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ۱۹۵
۲. تاسی به انبیاء و ملائکه ۱۹۵
۳. موجب تسلی حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَام ۱۹۶
۴. موجب ادخال سرور در قلب پیامبر و ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَام ۱۹۶
۵. یاری سیدالشهداء عَلَیْهِ السَّلَام ۱۹۶
۶. اداء اجر رسالت ۱۹۶
۷. عمل به پیمان الهی ۱۹۶
۸. کفاره عقوق والدین ۱۹۷
۹. عمل به خواسته امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام ۱۹۷
۱۰. دارا بودن فضیلت هر گریه ۱۹۸
- انواع و مراحل اشک و آه در عزای اهل بیت و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام ۱۹۸
- اشاره ۱۹۸
۱. اندوه قلبی و نفس کشیدن همراه با سوز در غم اهل بیت و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام ۱۹۸
۲. احساس درد و الم شدید قلبی ۱۹۸
۳. تباکی یا گریه شکلی ۱۹۸
۴. حلقه زدن اشک در چشم ۱۹۹
۵. ریزش یک قطره اشک از چشم (بکاء) ۱۹۹
۶. بارش اشک و جریان آن بر چهره و محاسن (بکاء) ۱۹۹
۷. گریه صدادار ۱۹۹
۸. گریه بی اشک ۲۰۰
۹. گریستن تا حدی که چشمها زخم شود ۲۰۰

۱۰. گریه خون ۲۰۰
- فلسفه سیاه پوشی در ایام عزاداری ۲۰۰
- سیاه پوشی در میان اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام ۲۰۳
- پیشینه عزاداری (سابقه عزاداری) ۲۰۳
- اشاره ۲۰۳
۱. عزاداری بنی هاشم در ماتم سیدالشهداء عَلَیْهِ السَّلَام ۲۰۳
۲. عزاداری امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَام ۲۰۴
۳. عزاداری امام محمد باقر عَلَیْهِ السَّلَام ۲۰۴
۴. عزاداری امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام ۲۰۴
۵. عزاداری امام موسی کاظم عَلَیْهِ السَّلَام ۲۰۵
۶. عزاداری امام رضا عَلَیْهِ السَّلَام ۲۰۵
۷. عزاداری امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف ۲۰۵
- اشاره ۲۰۵
- باطن گریه ۲۰۶
- ۰۸ گریه ناشی از ارتباط و علاقه ۲۰۷
- ۰۹ گریه ناشی از عقیده ۲۰۷
۱۰. گریه ناشی از کمال خواهی ۲۰۷
۱۱. گریه بر مظلوم ۲۰۷
- بخش دوازدهم: امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در ادب فارسی ۲۰۹
- اشاره ۲۰۹
- گرنکته دان عشقی بشنوتو این حکایت ۲۱۱
- کاروان کربلا ۲۱۳
- با تو هستم جان خواهر، همسفر ۲۱۶
- رباعیات ۲۲۰
- بخش سیزدهم: مقایسه کعبه و کربلا (تشابه ها) ۲۲۱
- اشاره ۲۲۱

۱. مکه خانه خدا و کربلا نور خدا ۲۲۲
۲. کعبه در روی زمین جهت عبادت اولین خانه است و نور امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام هم اولین نور است. ۲۲۳
۳. کعبه اشرف مواضع است از جهت شأن و شرف و همینطور سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَام اشرف مردم است. ۲۲۳
۴. مکه ام القری و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام ابوالاثمه النجباء هستند. ۲۲۳
۵. وجه تشابه مکه معظمه و کربلا در گریه کردن مکه یا کعبه را بکه گویند. ۲۲۴
۶. کعبه مأمَن مردم و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام مأمَن مردم ۲۲۴
۷. کعبه سید بیوت و امام حسین سید جوانان اهل بهشت هستند. ۲۲۴
۹. انفاق در مکه و یا زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام ۲۲۵
۱۰. کعبه و سیدالشهداء برای جهانیان هدایت هستند. ۲۲۵
۱۱. بنای کعبه از ابراهیم خلیل است؛ اما خون و گوشت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام از محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ حَبِیبِ اله است. ۲۲۵
۱۲. کعبه قبله رسول خدا و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام میوه دل و ریحانه پیامبر ۲۲۶
۱۳. طواف کعبه رکنی از ارکان اسلام است و زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام رکنی از ارکان ایمان است. ۲۲۶
۱۴. همه دلها مشتاق کعبه اند و حسین و مغناطیس قلوب شیعیان است. ۲۲۶
۱۵. جایز است که مسافر در مسجد الحرام نماز را تمام بخواند و این کم در حایر حسین عَلَیْهِ السَّلَام نیز جاری است. ۲۲۶
۱۶. حجرالاسود زینت مکه است و حسین علیه السلام زینت بهشت است، بلکه زینت عرش است ۲۲۶
۱۷. به خانه مکه از طوفان خسارتی وارد نشد و حائر حسینی نیز از جریان آب و طوفان سالم ماند. ۲۲۷
۱۸. در اطراف کعبه چند مقام معظم محترم است، مانند منی، مشعر، عرفات، صفا، مروه. ۲۲۷
- بخش چهاردهم: معماها و سؤال و جواب ها ۲۲۹
- اشاره ۲۲۹
- پرسش ها و معماها ۲۳۰
- جوابها ۲۳۵
- منابع ۲۴۳
- کتاب هایی از همین نویسنده که تاکنون به چاپ و منتشر شده اند ۲۴۸
- کتاب هایی از همین نویسنده که به زودی چاپ و منتشر می شوند ۲۴۸
- درباره مرکز ۲۴۹

سرشناسه: رجائی، محمدرضا، 1341 -

عنوان و نام پدیدآور: تحلیلی از زندگی امام حسین علیه السلام [کتاب] / مولف محمدرضا رجایی.

مشخصات نشر: اصفهان: آشیانه برتر، 1395.

مشخصات ظاهری: 224 ص.؛ 14/5 × 21/5 س م.

شابک: 0-83-7138-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، 4 - 61ق.

موضوع: Hosayn ibn 'Ali, Imam III, 625-680

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، 4 - 61ق -- فضایل

موضوع: Hosayn ibn Ali, Imam III, 625 - 680 -- Virtues

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، 4 - 61ق -- کرامت ها

موضوع: Hosayn ibn Ali, Imam III, 625 - 680 -- Karamat

موضوع: عاشورا

موضوع: Tenth of Muharram

رده بندی کنگره: BP41/4/33ت 3 1395

رده بندی دیویی: 297/953

شماره کتابشناسی ملی: 4242754

ص: 1

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

تحليلی از زندگی امام حسين عليه السلام

نویسنده: محمدرضا رجائی

ص: 3

فهرست مطالب

۱۵..... پیش گفتار

بخش اول: کودکی امام حسین علیه السلام

۱۸..... ابتدای خلقت

۲۰..... شناسنامه امام حسین علیه السلام

۲۱..... روز، ماه و سال تولد امام حسین علیه السلام

۲۱..... ولادت و مراسم نامگذاری امام حسین علیه السلام

۲۳..... امام حسین علیه السلام از مادرش شیر نیشامید!!

۲۴..... دوران زندگی امام حسین علیه السلام

۲۵..... دوران کودکی

۲۵..... ۱. محبوب پیامبر

۲۶..... ۲. عشق حسین علیه السلام در کانون دل پیغمبر صلی الله علیه و آله

۳۰..... ۳. شاگرد پیامبر

۳۲..... ۴. ابعاد دیگری از کودکی امام حسین

بخش دوم: دوران جوانی

۴۴..... صورت و سیما

۴۵..... نسخه‌ای برای گناه کردن!

۴۶..... مبارزه حسین بن علی علیه السلام

۴۷..... ازدواج امام حسین علیه السلام

۴۷..... الف) ازدواج امام حسین علیه السلام با شهربانو

۴۸..... ب) جریان ازدواج امام حسین علیه السلام با بانوی مجلله رباب

۵۰..... شرایط دریافت کمک مالی

۵۱..... امام حسین در حمایت از پدر خویش

۵۲..... گریه پس از پیروزی



مرد شامی و امام حسین علیه السلام ۵۳

مبارزات حسین بن علی علیه السلام در جبهه‌های نبرد با ناکتین و قاسطین ۵۴

سید الشهداء در مدت خلافت برادر ۵۵

بخش سوم: موانع قیام در عصر معاویه

مبارزات آن حضرت با حکومت معاویه ۵۸

۱. انتقاد و افشاگری ۵۸

الف) افشاگری (۱) ۵۹

ب) افشاگری (۲) ۵۹

۲. سخنرانی کوبنده و افشاگرانه در کنگره عظیم حج ۶۰

احقاق حق ۶۱

بخش چهارم: علل و آثار قیام حسینی

قیام حسینی ۶۴

الف) عوام و توده مردم ۶۴

ب) خواص ۶۵

ج) غضب خلافت ۶۵

علل قیام امام حسین علیه السلام ۶۶

الف) علل قیام طبق وصیت نامه آن حضرت ۶۶

ب) علل قیام از زبان خود امام ۶۶

۱- شرایط پیشوای مسلمانان ۶۶

۲- سکوت نابخشودنی ۶۷

۳- محو سنت‌ها و رواج بدعت‌ها ۶۷

۴- عمل نکردن به حق ۶۸

آثار قیام حسینی ۶۸

ویژگی‌ها و آثار قیام و نهضت حسینی ۶۸

۱. افشاگری ۶۹



۲. استقلال اندیشه در برابر دشمنان اسلام ۶۹
۳. گرایش شدیدتر مردم به اهل بیت علیهم السلام ۶۹
۴. ایجاد روحیه مقاومت و پایداری در برابر زمامداران ستمگر ۶۹
۵. حس روحیه شرمساری به علت عدم استعانت حق و عدم انجام وظیفه .. ۶۹
۶. زنده شدن روحیه شهادت طلبی ۷۰
۷. زنده شدن خصلت‌های اخلاقی در بین مردم ۷۰
- نجوا با عاشورا ۷۰

بخش پنجم: پیام‌های قیام حسینی

- کربلا تجلی گاه تلاوت قرآن امام حسین علیه السلام ۷۵
- شب وداع ۷۶
- آخرین آزمایش ۷۶
- شب عاشورا ۷۸
- روز عاشورا ۷۸
- منظره‌ای از نمایشگاه حسین علیه السلام ۸۰
- پیام آوران قیام کربلا ۸۲
- بانوان عاشورا ۸۳
- الف) مشارکت زنان در جهاد ۸۳
- ب) آموزش صبر ۸۴
- ج) پیام رسانی ۸۴
- د) روحیه بخشی ۸۴
- ر) پرستاری ۸۴
- ز) مدیریت ۸۴
- و) حفظ ارزشها ۸۵
- هـ) تغییر ماهیت اسارت ۸۵
- ی) عمق بخشیدن به بعد عاطفی و تراژدیک کربلا ۸۵



- پیام‌های حرکت حسینی..... ۸۵
۱. اطاعت از امام حسین علیه السلام..... ۸۶
 ۲. حفظ ارزش‌های متعالی..... ۸۶
 ۳. جبهه گیری در برابر اندیشه‌های منحرفانه..... ۸۶
 ۴. اصلاح حکومت..... ۸۶
 ۵. انجام مسئولیت..... ۸۶
 ۶. تقوا پیشه کنید!!..... ۸۷
 ۷. حق الناس را به صاحبش برگردانید..... ۸۷
 ۸. برپای داشتن نماز..... ۸۷
 ۹. تسلیم نشدن در برابر ظلم و ستم..... ۸۷
 ۱۰. فقط بندگی خدا!!..... ۸۸
 ۱۱. استقامت و پایداری..... ۸۸
 ۱۲. انجام امر به معروف و نهی از منکر..... ۸۸
 ۱۳. شهادت طلبی، جوانمردی، شجاعت و دلاوری..... ۸۸
 ۱۴. حفظ دین..... ۸۸
 ۱۵. خودسازی و قطع وابستگی‌ها..... ۸۹
 ۱۶. حاکم جامعه اسلامی باید عادل، شجاع و باتقوا باشد..... ۸۹
 ۱۷. عدم دنیا زدگی و دنیا گرایی..... ۸۹
 ۱۸. زندگی حقیقی..... ۹۰
 ۱۹. پاسداری از حرمت حرم..... ۹۰
 ۲۰. رضا به رضای حق..... ۹۰
 ۲۱. راز و نیاز با معبود..... ۹۱
 ۲۲. هدایت خواهی..... ۹۱
 ۲۳. در اندیشه نجات دشمن..... ۹۲
 - راهکارهای حضور در صحنه عاشورا..... ۹۲



۱. حضور در عاشورا با دل و نیت ۹۳
۲. آرزو (تمنای حضور) ۹۳
۳. ثبت نام برای سربازی (رجعت) ۹۳
۴. زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا ۹۴
۵. سقایت مردم در روز عاشورا ۹۴
۶. خواندن زیارت عاشورا در هر روز ۹۴
- تعلیمات اسلام در زنده نگه داشتن عاشورا ۹۵
- الف) سلام بر حسین علیه السلام و لعنت بر یزید ۹۵
- ب) کام نوزاد را با تربت امام حسین بردارید!! ۹۵
- ج) حنوط میت به تربت حسینی ۹۶
- د) قرار دادن تربت در کفن میت ۹۶
- و) درمان توسط تربت ۹۶
- ز) ذکر خدا با تسبیح تربت و سجده بر تربت حسین علیه السلام به خدا ۹۶
- هـ) زیارت قبر امام حسین علیه السلام ۹۶
- ی) عزاداری ۹۷
- برخی از شعارهای حسینی ۹۷

بخش ششم: ویژگی‌ها و فضائل

۱. امام حسین علیه السلام انسانی سراسر معنوی بوده است. ۱۰۰
۲. نماز و راز و نیاز ۱۰۱
- الف) هزار رکعت نماز ۱۰۲
- ب) درس آموزنده نهضت سالار شهیدان ۱۰۲
- ج) دعا و راز و نیاز ۱۰۳
۳. شجاعت و شهامت ۱۰۴
- شجاعت در برابر زورگو ۱۰۴
۴. غیرت ۱۰۴



- الف) هرگز دست ذلت به شما نخواهم داد..... ۱۰۵
- ب) به حرم من تجاوز نکنید..... ۱۰۵
۵. جوانمردی..... ۱۰۵
۶. گذشت و عفو..... ۱۰۶
- الف) عفو و بخشش عصام بن مصطلق..... ۱۰۶
- ب) عفو و بخشش غلام..... ۱۰۸
۷. بخشش و سخاوت..... ۱۰۸
- الف) مردی از انصار و بخشش امام..... ۱۰۸
- ب) بخشش اموال..... ۱۰۹
- ج) پرداخت قرض دوستان..... ۱۱۰
۸. علم و دانش..... ۱۱۰
- الف) آگاهی امام حسین علیه السلام..... ۱۱۰
- ب) علم اهل بیت علیهم السلام و کمک جبرئیل..... ۱۱۱
۹. تواضع و فروتنی..... ۱۱۱
- الف) مظهر تواضع (۱)..... ۱۱۲
- ب) مظهر فروتنی (۲)..... ۱۱۲
- ج) تواضع در همه ابعاد زندگی..... ۱۱۳
۱۰. سادگی و ساده زیستی..... ۱۱۴
- سادگی در ازدواج دختر..... ۱۱۴
- بخش هفتم: از زرفای کرامات حسینی علیه السلام
- ۱۱۸..... سخن گفتن سر مقدس.....
- ۱۲۲..... مجازات اهانت کننده.....
- ۱۲۳..... امام حسین علیه السلام در مسافرت.....
- ۱۲۴..... مرده زنده کردن.....
- ۱۲۵..... گل قبر امام حسین علیه السلام شفای هر دردی است!!.....



۱۲۶..... شفای هفت مریض در یک لحظه

۱۲۹..... عطای حسینی

۱۳۰..... شفای درد چشم آیت اله العظمی بروجرودی به برکت عزاداران روز عاشورا

۱۳۱..... بوی سیب سرخ

۱۳۱..... جسد سالم و تازه‌ای در مقابل قبر مطهر امام حسین علیه السلام

بخش هشتم: از ژرفای سخنان امام حسین علیه السلام

۱۳۶..... ستم بر بی پناه

۱۳۷..... علما و پیمان‌های خدا و پیامبر

۱۳۷..... مسئولیت علما درباره محرومان و ستمدیدگان

۱۳۸..... دوست تو کیست؟

۱۳۸..... اصلاح گری در امت

۱۳۹..... هرگز تن به ذلت نمی‌دهم

۱۳۹..... فلسفه قیام امام حسین علیه السلام

۱۳۹..... اگر دین ندارید، آزاد مرد باشید

۱۴۰..... آزمایش الهی

۱۴۰..... به موقع سخن بگو

۱۴۱..... پنج نعمت بزرگ؟!

۱۴۱..... بهترین پرستش

۱۴۲..... نشانه نیکنامی

۱۴۲..... کار خطا انجام نده!!

۱۴۲..... دانشمندان، حکیمان و تنگدستان

۱۴۳..... اخلاق خوش

۱۴۳..... ازدواج در جوانی

۱۴۳..... غیبت

۱۴۴..... فرازی از دعای عرفه



بخش نهم: امام حسین علیه السلام از دیدگاه

- ۱۴۵..... دانشمندان شرق و غرب
- ۱۵۲..... امام حسین علیه السلام از دیدگاه علمای اهل سنت
- ۱۵۵..... دیدگاه اندیشمندان جهان درباره عاشورا

بخش دهم: چگونگی زیارت امام علیه السلام

- ۱۵۸..... معنای زیارت
- ۱۵۸..... تعریف زیارت
- ۱۵۹..... مفهوم زیارت
- ۱۵۹..... زیارت در دین مقدس اسلام
- ۱۵۹..... زیارت در مذهب
- ۱۶۰..... انواع زیارت
- ۱۶۰..... توصیف زیارت
- ۱۶۱..... چرا به زیارت می‌رویم؟! (آثار دنیوی زیارت)
- ۱۶۳..... آثار اخروی زیارت امام حسین علیه السلام
- ۱۶۷..... ۱. درجه زائرین
- ۱۶۷..... ۲. شرایط زیارت
- ۱۶۷..... ۳. زمان زیارت
- ۱۶۷..... ۴. رعایت آداب
- ۱۶۸..... التفات به زوار حسینی

بخش یازدهم: شناخت عزاداری امام حسین علیه السلام

- ۱۷۰..... تعریف عزاداری
- ۱۷۰..... هدف از عزاداری
- ۱۷۱..... عزاداری برای اسلام همانند شهادت است
- ۱۷۲..... آثار دنیوی عزاداری
- ۱۷۳..... ۱. پلی از کشش قلب و عاطفه



۲. تاثیر مستقیم و سازنده ۱۷۳
۳. الگوپذیری از پیشوا در جبهه حق ۱۷۳
۴. عبرت گرفتن از دشمنان امام علیه السلام ۱۷۴
۵. حماسی ترین قیامها در تمام ابعادش ۱۷۴
- آثار و فواید اخروی گریه و عزاداری بر حسین علیه السلام ۱۷۵
۱. تاسی به پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۷۵
۲. تاسی به انبیاء و ملائکه ۱۷۵
۳. موجب تسلی حضرت زهرا علیها السلام ۱۷۶
۴. موجب ادخال سرور در قلب پیامبر و ائمه علیهم السلام ۱۷۶
۵. یاری سیدالشهداء علیه السلام ۱۷۶
۶. اداء اجر رسالت ۱۷۶
۷. عمل به پیمان الهی ۱۷۶
۸. کفاره عقوق والدین ۱۷۷
۹. عمل به خواسته امام حسین علیه السلام ۱۷۷
۱۰. دارا بودن فضیلت هر گریه ۱۷۸
- انواع و مراحل اشک و آه در عزای اهلیت و امام حسین علیه السلام ۱۷۸
۱. اندوه قلبی و نفس کشیدن همراه با سوز... ۱۷۸
۲. احساس درد و الم شدید قلبی ۱۷۸
۳. تباکی یا گریه شکلی ۱۷۸
۴. حلقه زدن اشک در چشم ۱۷۹
۵. ریزش یک قطره اشک از چشم (بکاء) ۱۷۹
۶. بارش اشک و جریان آن بر چهره و محاسن (بکاء) ۱۷۹
۷. گریه صدادار ۱۷۹
۸. گریه بی اشک ۱۸۰
۹. گریستن تا حدی که چشمها زخم شود ۱۸۰



۱۰. گریه خون ۱۸۰
- فلسفه سیاه پوشی در ایام عزاداری ۱۸۰
- سیاه پوشی در میان اهل بیت علیهم السلام ۱۸۳
- پیشینه عزاداری (سابقه عزاداری) ۱۸۳
۱. عزاداری بنی هاشم در ماتم سیدالشهداء ۱۸۳
۲. عزاداری امام سجاد علیه السلام ۱۸۴
۳. عزاداری امام محمد باقر علیه السلام ۱۸۴
۴. عزاداری امام صادق علیه السلام ۱۸۴
۵. عزاداری امام موسی کاظم علیه السلام ۱۸۵
۶. عزاداری امام رضا علیه السلام ۱۸۵
۷. عزاداری امام زمان (عج) ۱۸۵
- باطن گریه ۱۸۶
۸. گریه ناشی از ارتباط و علاقه ۱۸۷
۹. گریه ناشی از عقیده ۱۸۷
۱۰. گریه ناشی از کمال خواهی ۱۸۷
۱۱. گریه بر مظلوم ۱۸۷

بخش دوازدهم: امام حسین علیه السلام در ادب فارسی

- گر نکته دان عشقی بشنو تو این حکایت ۱۹۱
- کاروان کربلا ۱۹۲
- با تو هستم جان خواهر، همسفر ۱۹۴
- رباعیات ۱۹۶

بخش سیزدهم: مقایسه کعبه و کربلا

- (تشابه‌ها) ۱۹۷
۱. مکه خانه خدا و کربلا نور خدا ۱۹۸
۲. کعبه در روی زمین جهت عبادت اولین خانه است و ۱۹۹



۳. کعبه اشرف مواضع است از جهت شأن و شرف و ۱۹۹.....
۴. مکه ام القرى و امام حسين عليه السلام ابوالايمه النجباء هستند. ۱۹۹.....
۵. وجه تشابه مکه معظمه و کربلا در گریه کردن مکه ۲۰۰.....
۶. کعبه مأمّن مردم و امام حسين عليه السلام مأمّن مردم ۲۰۰.....
۷. کعبه سيد بيوت و امام حسين سيد جوانان اهل بهشت هستند. ۲۰۰.....
۸. نگاه کردن به کعبه باعث مغفرت گناهان است، ۲۰۰.....
۹. انفاق در مکه و يا زيارت امام حسين عليه السلام ۲۰۱.....
۱۰. کعبه و سيدالشهداء برای جهانيان هدايت هستند. ۲۰۱.....
۱۱. بنای کعبه از ابراهيم خليل است؛ ۲۰۱.....
۱۲. کعبه قبله رسول خدا و امام حسين عليه السلام میوه دل و ريحانه پيامبر ۲۰۲.....
۱۳. طواف کعبه رکنی از ارکان اسلام است ۲۰۲.....
۱۴. همه دلها مشتاق کعبه اند و حسين عليه السلام مغناطيس قلوب شيعيان است. ۲۰۲.....
۱۵. جايز است که مسافر در مسجد الحرام نماز را تمام بخواند ۲۰۲.....
۱۶. حجرالاسود زينت مکه است و حسين عليه السلام زينت بهشت است، ۲۰۲.....
۱۷. به خانه مکه از طوفان خسارتی وارد نشد ۲۰۳.....
۱۸. در اطراف کعبه چند مقام معظم محترم است، ۲۰۳.....

بخش چهاردهم: معماها

- (سوال و جوابها) ۲۰۵.....
- منابع ۲۱۹.....



امام حسین ابر مرد تاریخ مظهر شهادت که الگوی فضیلت‌های انسانی و مکارم اخلاقی است با قیام خونین خویش در تاریخ بشریت درس بزرگی به یادگار گذاشته است. او به انسانها آموخت که زیر بار ستم نرود و با این عمل پسندیده خویش زندگی را بر مردگی ترجیح دهند. همیشه به شدن خویش ادامه داده و از درجا زدن پرهیزند. آزادی و عدالت را بر ظلم ترجیح دهند و نه تنها به یاری ظالمان نشتابند بلکه در برابر تعدی سکوت نیز نمایند. چندی بود که تصمیم داشتم کتابی درباره «امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام، آثار و پیام‌های - نهضت آن حضرت» بنویسم، تا اینکه آقای امیر حسین رجائی فرزند دل‌بندم توصیه‌ای در این زمینه به من نمودند و اینجانب نیز تصمیم آن را گرفتم و به آن جامه عمل پوشانیدم.

این کتاب مشتمل بر چهارده بخش است:

بخش اول: تولد و کودکی،

بخش دوم: جوانی،

بخش سوم: موانع قیام در عصر معاویه و مبارزات امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام با معاویه،

بخش چهارم: علل و آثار قیام حسینی،

بخش پنجم: پیامهای قیام کربلا،

بخش ششم: صفات و مکارم اخلاقی آن حضرت،

بخش هفتم: معجزات و کرامات سیدالشهداء،

بخش هشتم: در ژرفای سخنان امام عَلَیْهِ السَّلَام،

بخش نهم: امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام از دیدگاه اندیشمندان شرق و غرب،

بخش دهم: مدیریت زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام،

بخش یازدهم: عزاداری سیدالشهداء و درس‌های آن،

بخش دوازدهم: امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در ادب فارسی،

بخش سیزدهم: وجه تشابه های مکه مکرمه و کربلا و

بخش چهاردهم: معماهای زندگی آن حضرت را بیان کرده ایم.

امیدوارم شما مخاطب گرامی با مطالعه و عمل به آن در زمره سربازان

مجازی حضرت قرار گیرید.

محمد رضا رجائی

1395-5-30

ص: 16

بخش اول: کودکی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام

اشاره

ص: 17

ابتدا به آفرینش نور حضرت از قول معصوم پرداخته و چگونگی خلقت آل عبا را بیان نموده و سپس به شرح ولادت و کودکی حضرت می پردازیم.

در روایات از قول معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام بیان شده است که نور پاک محمد و آل او چند هزار سال قبل از خلقت آدم صافی پدید آمده است.

ابتدای خلقت

سلمان فارسی از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را نقل می کند که فرمود:

ای سلمان خداوند مرا از نور خویش بیافرید و فرمان داد، و من پذیرای فرمان او شدم، و از نور من علی را خلق کرد، و فرمان داد، پس فرمانبردار خداوند متعال شده و از نور من و علی فاطمه عَلَيْهِمَا السَّلَام را خلق کرد و مقال داد، و او امتثال نمود، پس از من و علی و فاطمه، حسن و حسین عَلَيْهِمُ السَّلَام را خلق نمود و فرمان داد و ایشان سر به فرمان او نهادند، آنگاه ما را به پنج نام از اسماء حسناى خویش نامور ساخت، پس خداوند محمود است و من محمد و او (خداوند) علی است و این علی عَلَيْهِ السَّلَام است، و اوست خالق و فاطر و فرزند من فاطمه و احسان خاص خداست و فرزند فاطمه حسین، و خداوند محسن است و برادر حسین، حسن، و از نور حسین نه تن از ائمه هدی را بیافرید پیشی از آن که خداوند آسمان را بنیان نهد، و زمین را بگستراند، و آب و هوا را پدید آورد، و ملکی یا بشری را کسوت وجود بخشد، ما معمور

ص: 18

علم خداوند بودیم و خدای را تسبیح و تهلیل همی گفتیم و گوش مطیع داشتیم (1) در کنز الفوائد از ابن مسعود روایت شده است که:
رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود:

خداوند آفرید مرا، علی را، حسن را و حسین را از نور قدسی خود، و چون خواست آفرینش را پدید آورد، شکافت نور مرا و از نور من، آسمان و زمین را آفرید، و شکافت نور علی را و عرش و کرسی را آفرید، پس سوگند به خدا که علی بزرگتر از عرش و کرسی است، و شکافت نور حسن را و حور العین و ملائکه را آفرید، پس سوگند به خدای که حسن بزرگتر از ملائکه و حور العین است، و شکافت نور حسین را و آفرید لوح و قلم را، پس سوگند به خدای که حسین بزرگتر از لوح و قلم است. (2)

در کتاب منهج التحقيق، ابی جعفر عَلِيهِ السَّلَام از قول رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نقل می کند:

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود:

خداوند چهارده نور از نور عظمت خود بیافرید، چهارده هزار سال قبل از آن که آدم را بیافریند و این جمله ما باشند.

گفتند: ای فرزند رسول خدا نام ایشان چیست؟

فرمود: محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، علی، فاطمه، حسن و حسین عَلَيْهِمُ السَّلَام و نه تن فرزندان حسین عَلَيْهِ السَّلَام و نهم ایشان قائم عَجَلَّ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ ایشان است، آنگاه یکی یکی نامهای ایشان را برشمرد، پس فرمود: سوگند به خدای، مائیم اوصیا و خلفای بعد از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

1- سپهر، میرزا محمد تقی، ناسخ التواریخ، نشر: کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول، ص 3 و 4

2- همان منبع، ص 5.

تصوير

□

ص: 20

روز، ماه و سال تولد امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام

بنابر قول مشهور:

ولادت امام عَلَیْهِ السَّلَام سوم شعبان در مدینه بوده است، و شیخ طوسی (ره) روایت کرده است که:

توقیع شریف به سوی قاسم بن علاء همدانی وکیل امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَام بیرون آمد که:

مولای ما حضرت حسین عَلَیْهِ السَّلَام در روز پنجشنبه سوم ماه شعبان متولد شده است، پس آن روز را روزه دار (1) و

سیدبن طاوس و شیخ ابن نما و شیخ مفید در ارشاد نیز ولادت آن حضرت را در پنجم شعبان ذکر فرمود

از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام روایت شده است که فرموده اند:

مابین حسن و حسین عَلَیْهِ السَّلَام طهری فاصله شده و مابین میلاد آن دو بزرگوار شش ماه و ده روز واقع شده است (2) و در مورد روز

ولادت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام اختلاف است (3)، اما بنابر قول مشهور، سوم شعبان، سال چهارم هجری در مدینه بوده است.

ولادت و مراسم نامگذاری امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام

اسماء می گوید:

یک سال از تولد حسن عَلَیْهِ السَّلَام گذشته بود، که حسین عَلَیْهِ السَّلَام به دنیا آمد. در این هنگام پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ فرمود:

اسماء فرزندم را بیاور!

ص: 21

1- (قمی) عباس، منتهی الامال، ج 1، نشر: هجرت، چاپ نهم، ص 522.

2- (قمی) عباس، منتهی الامال، ج 1، نشر: هجرت، چاپ نهم، ص 522.

3- (قمی) عباس، منتهی الامال، ج 1، نشر: هجرت، چاپ نهم، ص 522. ر.ک < محدث قمی، عباس، منتهی الامال، ج 1.

من حسین را در حالی که به پارچه ای سفید پیچیده بودم به رسول خدا تقدیم نمودم. حضرت به گوش راست حسین اذان و به گوش چپش اقامه گفت.

آنگاه حسین را در کنار خود نشانند و گریان شد. من گفتم: پدر و مادرم به فدایت! چرا گریان شدی؟

فرمود:

برای این فرزندم گریستم گفتم: این نوزاد تازه به دنیا آمده. فرمود:

او را گروهی ستمگر خواهند کشت، خداوند شفاعت مرا نصیب آنان نکند.

سپس فرمود: ای اسماء! این مطلب را به فاطمه مگو! زیرا فاطمه تازه این کودک را به دنیا آورده است و سپس به امیرالمومنین فرمود: نام این کودک را چه نهاده اید؟

عرض کرد: ای رسول خدا! من در نامگذاری او بر تو پیشی نخواهم گرفت.

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: من هم در نامگذاری او از پروردگرم سبقت نخواهم گرفت. جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد! خداوند سلام می رساند و می فرماید:

چون علی برای تو مانند هارون است برای حضرت موسی، بنابراین پسر خود را هم نام پسر هارون کن.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نام پسر هارون چه بود؟

ص: 22

جبرئیل: شبیر پیامبر صلی الله علیه و آله: زبان من عربی است جبرئیل: نام او را حسین بگذار! بدین جهت پیامبر گرامی نام آن حضرت را حسین گذاشت.

روز هفتم ولادت حسین که فرا رسید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دو قوچ ابلق (سیاه و سفید) عقیقه (قربانی) کرد. یک ران گوسفند را با یک دینار اشرفی به قابله داد. و سر آن بزرگوار را تراشید، آنگاه به وزن موی سرش نقره صدقه داد سپس سر حضرت را با حلق خوشبو نمود.

(1)

امام حسین علیه السلام از مادرش شیر نیاشامید

ابن شهر آشوب روایت کرده که هنگام ولادت امام حسین علیه السلام فاطمه علیها السلام مریض شد و شیر در پستان مبارکش خشک گردید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله مرضعی طلب کرد، یافت نشد، پس خود آن حضرت به حجره فاطمه علیها السلام تشریف آوردند و انگشت ابهام خویش را در دهان حسین علیه السلام می گذاشت و او می مکید. بعضی گفته اند که زبان مبارک را در دهان حسین علیه السلام می گذاشت و او را زقه میداد چنانکه مرغ جوجه خود را زقه میدهد تا چهل شبانه روز رزق حسین علیه السلام را حق تعالی از زبان پیغمبر صلی الله علیه و آله گردانیده بود، پس گوشت حسین علیه السلام از گوشت پیغمبر صلی الله علیه و آله روئید و به این مضمون روایت بسیار است.

و در علل الشرایع روایت شده که حال امام حسین علیه السلام در شیر خوردن بدین منوال بود تا آنکه گوشت او از گوشت پیغمبر صلی الله علیه و آله روئید و از فاطمه علیها السلام و از زنی دیگر شیر نیاشامید.

ص: 23

1-1 مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 43، ص 239. 2. مجلسی، محمد باقر، احسن القصص، ج 5، مترجم: محمود ناصری، نشر: دار الهدی، چاپ دوم، ص 8381

و شیخ کلینی در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که حسین علیه السلام از فاطمه علیها السلام و از زنی دیگر شیر نیاشامید. او را به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می بردند، حضرت انگشت ابهام مبارک را در دهان او می گذاشت و او میمکید و این مکیدن او را دو سه روز کافی بود. پس گوشت و خون حسین علیه السلام از گوشت و خون حضرت رسول صلی الله علیه و آله پیدا شد. (1)

دوران زندگی امام حسین علیه السلام

در یک نگاه کلی، می توان مراحل زندگی آن حضرت را به چند دوره تقسیم کرد:

1- از سال چهارم تا دهم هجرت، به مدت شش سال و چند ماه که همراه با حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام بود.

2- از سال دهم تا سال چهارم هجرت، به مدت 30 سال همراه با حیات علی علیه السلام بود.

3- از سال چهارم تا پنجاهم هجرت، به مدت 10 سال که همراه با امام حسن و امامت امام حسن علیه السلام بود.

4- از سال پنجاهم تا شصتم هجرت، به مدت 10 سال که دوران امامت آن حضرت و همراه با خلافت معاویه بود.

5- از سال شصتم تا شصت و یکم هجرت، به مدت کمتر از یکسال امامت آن حضرت، که همراه با خلافت یزید بن معاویه بود. (2)

ص: 24

1- . منتهی الامال، ج 1، ص 525

2- جمعی از نویسندگان، ره توشه عتبات عالیات، نشر: مشعر، چاپ اول، ص 200

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در دوران کودکی از سرچشمه وحی سیراب شده و نزد جد خویش پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ هَمَّجِنِينَ پدر خود علی مرتضی عَلَیْهِ السَّلَام و مادرش دخت نبی اکرم فاطمه زهرا تربیت میشد.

این سه معلم بزرگوار همه فضایل و کمالات معنوی را فرا راه او قرار داده اند. اکنون به تعدادی از ویژگی های دوران کودکی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام اشاره می کنیم

1. محبوب پیامبر

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در دوران کودکی محبوب پیامبر اسلام بوده است و حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ هَمَّجِنِينَ بارها و بارها به نوه گرامی خویش عشق ورزیده است.

از امام باقر عَلَیْهِ السَّلَام نقل است که فرمود:

حسین عَلَیْهِ السَّلَام دیر به سخن آمد تا آنجا که بیم آن می رفت، زبان باز نکند و به گنگی، گرفتار باشد. روزی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ هَمَّجِنِينَ در حالی که حسین را بر شانه خویش نهاده بود، برای نماز، از خانه بیرون آمد.

مردم نیز پشت سر ایشان به صف نماز ایستادند. رسول خدا، حسین عَلَیْهِ السَّلَام را در سمت راست خویش به پا داشت و نماز، آغاز کرد.

در این حال، حسین عَلَیْهِ السَّلَام نیز تکبیر گفت و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ هَمَّجِنِينَ را شنید دوباره تکبیر را تکرار کرد و حسین عَلَیْهِ السَّلَام نیز، باز تکبیر گفت و این کار تکرار شد تا این که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ هَمَّجِنِينَ هفت بار تکبیر گفت و حسین عَلَیْهِ السَّلَام نیز هر بار تکبیر را تکرار کرد و از این جا بود که تکبیرهای هفتگانه در اول نماز رسم و سنت رایج شد

شیخ صدوق این روایت را افزون بر امام باقر عَلَیْهِ السَّلَام از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام (نیز نقل کرده است که متن آن با آن چه که نقل شد، اندکی تفاوت دارد. (1)

سلمان فارسی می گوید:

دیدم که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَسِينِ عَلَیْهِ السَّلَام را بر زانوی خویش نهاده او را می بوسید و می فرمود: تو بزرگوار و پسر بزرگوار و پدر بزرگوارانی، تو امام و پسر امام و پدر امامان هستی، تو حجت خدا و پسر حجت خدا و پدر حجت های خدایی که نه نفرند و خاتم ایشان، قائم ایشان می باشد. (2)

انس بن مالک می گوید:

وقتی از پیامبر پرسیدند: کدامیک از اهل بیت خود را بیشتر دوست میداری؟ فرمود: حسن و حسین را. بارها رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَسْنِ وَحَسِينِ عَلَیْهِمَا السَّلَام را به سینه می فشرد و آنان را می بوسید. (3)

نبی مکرم اسلام در زمان حیات پر برکت خویش آن حضرت را در تمامی زمان ها و مکان مورد نوازش و محبت شدید قرار میداد؛ و برای موقعیت و مکان خاصی نبود. او در هر شرایطی از او دفاع جانانه نموده؛ و حسین را از خویش و خویش را از حسین دانسته است زیرا میدانست روزی او با خون خود و یاران باوفا و اهل بیت خویش درخت اسلام را آبیاری نموده و دین اسلام بواسطه آن امام همام و اهل بیتش نیز بر هر چیزی علو و برتری خواهد داشت.

2. عشق حسین عَلَیْهِ السَّلَام در کانون دل پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

الف) حسین از من است و من از حسینم

یعلی پسر مره می گوید:

ص: 26

1- امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام و عاشورا از زبان معصومان عَلَیْهِم السَّلَام، ص 47 و 48

2- دشتی، محمد، فرهنگ جامع سخنان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام، ص 31.

3- ره توشه عتبات عالیات، ص 202

روزی پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به مهمانی دعوت شده بود، می رفتند، ناگاه با حسین رو به رو شدند که با کودکان در کوچه بازی می کرد.

حسین عَلَيْهِ السَّلَام با دیدن پیغمبر و به سوی آن حضرت رفت. رسول گرامی دستهای خود را گشود (بغل باز کرد تا او را به آغوش بگیرد).

اما کودک جست و خیز می کرد، این طرف آن طرف میدوید، پیامبر میخندید و او را می خندانید تا این که حسین علیه السلام را به بغل گرفت.

آنگاه یکی از دستهایش را زیر چانه و دست دیگرش را پشت گردن او گذارد و لب هایش را بر لبهای حسین گذاشت، بوسید. و فرمود:

حسین از من است و من از حسینم، خدایا! دوست بدار آن کسی را که حسین را دوست بدارد و حسین یکی از فرزندان فرزند (نوه) من است. (1)

(ب) خداوندا! این کودک را دوست دارم تو نیز او را دوست بدار

مسعودی می نویسد: امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام مدت هفت سال با رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بود و در این مدت، آن حضرت خود متصدی غذا دادن، علم و ادب آموختن به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام بود. شدت علاقه پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به حسین عَلَيْهِ السَّلَام به قدری بود که کوچکترین ناراحتی او را نمی توانست تحمل کند. روزی پیامبر از در خانه فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام می گذشت، صدای گریه حسین را شنید، وارد خانه شد و به دخترش فرمود: مگر نمی دانی که گریه حسین در من چقدر موثر است آن گاه طفل را بوسید و گفت:

خداوندا! من این کودک را دوست دارم تو نیز او را دوست بدار. (2)

ص: 27

1- بحار الانوار، ج 43، ص 271، داستان های بحار الانوار، ج 3، ص 76

2- 2. فصول المهمه، ابن صباغ مالکی، ص 177. 3. کوشا، محمد علی، سیره و سخن پیشوایان، نشر: پارسایان، چاپ اول، صص 141 و 142.

او بواسطه علمی که خداوند بزرگ به او عنایت فرموده بود میدانست که در سال شصت و یکم هجرت این قیام واقع خواهد شد. بنابراین بارها این موضوع را پیشگویی نموده بود.

ج) چه کسی برای حسینم گریه می کند؟

هنگامی که پیامبر صَدَّ لِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ شَهَادَتِ حُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ و سایر مصیبت های او را به دختر خود، خبر داد؛ فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامِ سخت گریه نمود و عرض کرد:

- پدر جان! این گفتار چه زمانی رخ می دهد؟ رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فرمود: - زمانی که من، تو و علی در دنیا نباشیم. آن گاه گریه فاطمه شدیدتر شد. عرض کرد:

- چه کسی برای حسینم گریه می کند، و به عزاداری او قیام می نماید؟

پیامبر فرمود:

- فاطمه! زنان امتم بر زنان اهل بیتم و مردان بر مردان گریه می کنند و در هر سال، عزاداری او را تجدید می کنند. روز قیامت که فرا رسد، تو برای زنان شفاعت می کنی و من برای مردان، و هر که بر گرفتاری حسین گریه کند، دست او را می گیرم و داخل بهشت می کنم. فاطمه جان! تمام دیده ها روز قیامت گریان است، مگر چشمی که بر مصیبت حسین گریه کند!

- آن چشم برای رسیدن به نعمت های بهشت خندان است. (1)

ص: 28

آری!! او می دانست روزی فرزند دلبندهش به همراهی اهل بیت و یاران باوفایش مظلومانه برای یاری و نصرت دین خدا شربت شهادت را خواهند نوشید.

(د) فرزند دلبنده من ، حسین فاطمه کشته می گردد؟

راوی می گوید که چون دو سال از عمر شریف آن حضرت می گذشت، برای رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ سفری پیش آمد؛ پس در پاره ای از راه که میرفت ایستاد و گفت: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و چشمان آن جناب اشک آلود گردید و گریه نمود.

سبب گریه را از آن حضرت سؤال نمودند.

فرمودند: «هذا جبرئیل» اینک جبرئیل است که مرا خبر می دهد از زمینی که کنار فرات واقع است و آن را «کربلا» می گویند که بر روی آن زمین فرزند دلبنده من، حسین فاطمه کشته می گردد!

عرض نمودند: یا رسول الله! کشنده آن جناب کیست؟

فرمود: کشنده او مردیست که نام نحس او «یزید» است - خدا او را لعنت کند - و گویا که من اکنون قتلگاه و محل قبر او را به چشم خود نظر می نمایم.

چون رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ از آن سفر به مدینه مراجعت فرمود، مهموم و مغموم بود؛ پس بر منبر بالا رفت و خطبه انشاء فرمود و مردم را موعظه نمود در حالی که حسن و حسین عَلَيْهِ السَّلَام در خدمت آن بزرگوار در پیش روی آن حضرت بودند و چون از ادای خطبه فارغ گردید، دست راست خود را بر حسن عَلَيْهِ السَّلَام و دست چپ خود را بر سر حسین عَلَيْهِ السَّلَام نهاد و سر مبارک را به سوی آسمان بلند نمود و گفت:

خداوندا! به درستی که محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بنده تو و نبی تو است و این دو فرزند از اطائب عترت و بهترین ذریه من و بنیان من اند. و ایشان را در

میان امت خود می گذارم که جانشین من اند و اینک جبرئیل خبر داد مرا که این فرزند من کشته خواهد شد و مخدول خواهد بود؛ خداوند کشته شدن را بر او مبارک گردان و او را از جمله سادات شهداء بگردان و مبارک مکن در حق قاتل و خوار کننده او.

راوی گفت: پس مردم و اهل مسجد صداها به گریه و افغان بلند نمودند، آن حضرت فرمود که شما الان بر حال او گریه می کنید و حال آنکه او را یاری نخواهید کرد. (1)

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام تربیت شده پیامبر گرامی اسلام بود. او طی سال های کودکی تمامی کمالات و فضیلتها والایی را که نبی مکرم اسلام فرا راه او قرار داده بود به خوبی به کار می بست و او مظهر و اسوه مکارم و فضیلت انسانی و اخلاقی بود.

3. شاگرد پیامبر

از امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام پرسیدند: از رسول خدا چه شنیدی؟ فرمود:

شنیدم که می فرمود:

خدا کارهای مهم و بزرگ را دوست می دارد و کارهای پست و حقیر را نمی پسندد... او قُلُّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و نیز نمازهای پنجگانه را به من آموخت و شنیدم که می فرمود: هر که خدا را اطاعت کند، خداوند او را بالا می برد و هر که نیت خود را برای خدا خالص کند خداوند او را نیکو بیاراید. و هر که به آن چه نزد خداست اطمینان کند، خداوند او را بی نیاز سازد و هر که بر خداوند بزرگی کند، خداوند او را خوار نماید. (2)

چند نمونه دیگر از فضائل و کمالات معنوی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام، که در کودکی نزد معلم والای خویش آموخته است، را می خوانیم:

ص: 30

1- سید ابن طاوس، لهوف، مترجم: محمد طاهر دزفولی، نشر مومنین، ص 41-43.

2- فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص 31، ره توشه عتبات و عالیات، ص 202

الف) نوبت را رعایت کنید!

روز پیامبر صَ لَمَى اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ در حال استراحت بود، فرزندشان امام حسن عَلَیْهِ السَّلَام آب خواست، حضرت نیز قدری شیر دوشید و کاسه شیر را به دست وی داد، در این حال، حسین عَلَیْهِ السَّلَام از جای خود بلند شد تا شیر را بگیرد، اما رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ شیر را به حسن عَلَیْهِ السَّلَام داد.

حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام که این منظره را تماشا می کرد عرض کرد:

- یا رسول الله! گویا حسن را بیشتر دوست داری؟

- پاسخ دادند: چنین نیست، علت دفاع من از حسن عَلَیْهِ السَّلَام، حق تقدم اوست، زیرا زودتر آب خواسته بود. باید نوبت را مراعات نمود. (1)

ب) رعایت ادب

امام حسین علی در کودکی الگوی تربیت بوده اند، و در همه زمینه ها و ابعاد زندگی بسیار محترمانه و مودبانه برخورد می نموده اند، با هم دو نمونه از آن را می خوانیم:

الگوی ادب (1)

از علی عَلَیْهِ السَّلَام روایت شده است که فرمود:

حسن عَلَیْهِ السَّلَام در زمان رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ مرا «ابا الحسین» صدا می کرد و حسین عَلَیْهِ السَّلَام مرا «ابا الحسن» می خواند و هر دو رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ را پدر صدا می کردند، چون رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ از دنیا رحلت فرمود، آنان مرا پدر خواندند. (2)

الگوی ادب (2)

روزی امام حسن و امام حسین عَلَیْهِمَا السَّلَام از محلی می گذشتند پیرمردی را دیدند که مشغول وضو است. ولی به طور صحیح وضو نمی گیرد و آداب و شرایط آن

ص: 31

1- بحار الانوار، ج 43، ص 283، داستان های بحار الانوار، ج 1، ص 19.

2- فرهنگ جامع سخنان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام، ص 61 برگرفته از ره توشه عتبات عالیات، ص 202

را بجا نمی آورد. چون آموختن آدم جاهل واجب است از این رو تصمیم گرفتند به طور غیر مستقیم با کمال ادب، وضو گرفتن را به او بیاموزند.

نخست با یکدیگر به بحث و گفتگو پرداختند طوری که پیر مرد سخنانشان را بشنود.

یکی گفت: وضوی تو صحیح نیست وضوی من درست است. دیگری گفت: نه، وضوی تو درست نیست وضوی من صحیح است. سپس نزد پیر مرد آمدند و گفتند:

ما در حضور شما وضو می گیریم نگاه کن! و ببین! کدام یک از ما خوب وضو می گیریم و درباره ما داور باش!

هر دو وضوی درست و کاملی جلوی چشم پیر مرد گرفتند. آنگاه از پیر مرد پرسیدند:

وضوی کدام یک از ما صحیح تر و بهتر است؟ پیر مرد متوجه شد که وضوی صحیح چگونه و منظور اصلی آن دو کودک آموختن به او است. با کمال فروتنی اظهار داشت:

عزیزان! وضوی هر دوی شما خوب و صحیح است من پیر مرد نادان هنور درست وضو گرفتن را نمی دانم و شما بخاطر محبت و دل سوزی که بر امت جدتان دارید، مرا آگاه ساختید و وضوی درست و صحیح را به من آموختید، سپاسگزارم. (1)

از زندگی امام حسین علیه السلام

4. ابعاد دیگری از کودکی امام حسین

آن بزرگواران از همان کودکی در ابعاد گوناگون مظهر و اسوه بوده اند، و

نمود و اصل زندگی را به همگان فرا داده اند با هم می خوانیم:

ص: 32

امام جعفر صادق عَلِيهِ السَّلَام در شأن نزول آیه «یوفون بالنذر»⁽¹⁾ به روایت از پدرش، امام محمد باقر عَلِيهِ السَّلَام فرمود: حسن و حسین که در آن زمان کودکان کوچکی بودند، بیمار شدند، پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ به همراه دو مرد، به عیادتشان آمد.

یکی از آن دو به علی عَلِيهِ السَّلَام گفت: یا اباالحسن! ای کاش برای پسرانت نذری می کردی تا خدا شفایشان می داد.

علی عَلِيهِ السَّلَام گفت: برای سپاس از خداوند متعال، سه روز، روزه می گیرم. فاطمه نیز چنین گفت و کودکان نیز گفتند: ما نیز سه روز، روزه می گیریم، کنیزشان فضه نیز همان را گفت.

خدا به آن دو لباس عافیت پوشانید و آنان در حالی که غذایی نداشتند، روزه گرفتند.

علی عَلِيهِ السَّلَام پیش همسایه خود، شمعون یهودی که پشم ریزی می کرد، رفت و به وی گفت: می خواهی پشم گوسفندی را که برای رسیدن آماده است، به دختر محمد بدهی تا آن را در ازای سه پیمانه جو برسید؟ گفت: آری و داد.

علی عَلِيهِ السَّلَام پشم و جورا پیش فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام آورد و ماجرا را به او گفت، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام نیز پذیرفت و شروع کرد به رسیدن.

پس از آن که یک سوم پشم را رسید، یک پیمانه از جورا برداشت، آرد کرد و خمیر ساخت و از آن پنج قرص نان به تعداد خانواده پخت موقع مغرب، علی عَلِيهِ السَّلَام پس از آن که نماز را با پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ خواند به خانه آمد.

سفره گسترده شد و هر پنج تن به گرد آن نشستند.

علی عَلِيهِ السَّلَام تا نخستین لقمه را گرفت، مسکینی بر در خانه ایستاد و گفت:

ای خانواده محمد! درود بر شما! من در مانده ای از درماندگان مسلمانم، مرا از آن چه می خورید اطعام کنید، خدا شما را از سفره های بهشتی اطعام کند.

علی عَلِيهِ السَّلَام لقمه را از دست نهاد و روبه فاطمه کرد و گفت:

فاطمه! ای دارای مجد و یقین، ای دختر برترین مردم! آیا این بی نوا و درمانده را نمی بینی که بر در خانه می نالد؟ او به خدا روی آورده و می نالد، و از درد و گرسنگی خود، به ما شکوه می کند. هر کس در گرو کاری است که می کند و هر که کار نیک کند بهره مند گردد. جایگاه چنین کسی در بهشت جاودان و سرسبز خواهد بود که خدا آن را بر بخیل حرام کرده است. انسان بخیل در روز رستاخیز، اندوهناک خواهد ماند و آتش دوزخ وی را به کام خود خواهد کشید که شراب آن، آب جوشان و چرکاب خواهد بود.

فاطمه عَلِيهَا السَّلَام نیز در پاسخ گفت:

پسر عمو! دستورت را شنیدم و از جان پذیرفتم که من خسیس و کنس نیستم. من شاهد خردورزی و خبرگی را از کودکی چشیده ام و امید آن دارم، که با سیر ساختن گرسنه ای، به گروه نیکان پیوندم و با شفاعت آنان به بهشت روم.

و سپس آنچه را که در سفره بود برداشت و به مسکین داد. آنها، آن شب را گرسنه سحر کردند و صبح، روزه گرفتند در حالی که جز آب خالص و نچشیده بودند.

روز بعد، فاطمه عَلِيهَا السَّلَام یک سوم دیگر از پشم را رسید و سپس یک

پیمانه از جو را آرد کرد و خمیر ساخت و از آن به تعداد خانواده، پنج قرص نان پخت. عَلِيهَا السَّلَام پس از آن که نماز مغرب را با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خواند، به خانه برگشت.

سفره گسترده شد و همه آن پنج تن به گرد آن جمع شدند. عَلِيهَا السَّلَام تاخواست اولین لقمه را بردارد، یتیمی بر در خانه ایستاد و گفت:

درود بر شما ای خانواده محمد! من یتیمی مسلمان هستم، از آن چه می خورید مرا نیز بخورانید، خدا شما را از سفره های بهشتی بخوراند!

عَلِيهَا السَّلَام لقمه ای را که در دست داشت به سفره نهاد و چنین گفت:

فاطمه! ای دختر مردی بزرگ و کریم! ای دخت پیامبری که فرو مایه نیست. خدا، این تیم را بر در ما فرستاده است و هر که امروز مهربانی کند، در روز رستاخیز مورد رحمت قرار خواهد گرفت. و جایگاهش فردا در بهشت مملو از نعمت، خواهد بود که خدا آن را بر فرومایگان حرام کرده است. و هر که بخل ورزد باشد، نکوهیده ماند و آتش دوزخ، وی را به کام خویش کشد، دوزخی که شرایش از آب جوشان و چرکاب تن دوزخیان خواهد بود.

فاطمه عَلِيهَ السَّلَام نیز در پاسخ چنین گفت:

آن افطاری شب را به یتیم می دهم و خدا را بر اهل و عیالم مقدم می دارم. بگذار کودکانم شب را گرسنه به سر کنند که پسر کوچکم در جنگ، کشته خواهد شد. او را در کربلا، ناجوانمردانه خواهند کشت، وای بر قاتلان او با آن جرم سنگینشان! آتش دوزخ، قاتل او را به درک اسفل خواهد کشید و زنجیرهای آویخته بر او، بیش از زنجیرهای همه دوزخیان خواهد بود.

سپس هر چه را که در سفره بود، به یتیم داد و آن شب را نیز در حالی

که جز آب نخورده بودند، سحر کردند و روز را با روزه آغاز کردند.

فاطمه عَلِيهَا السَّلَام ثلث آخر پشم را نیز رسید و باقی مانده جو را آرد ساخت و خمیر کرد و از آن به تعداد خانواده، پنج قرص نان پخت. علی عَلِيهَ السَّلَام روز سوم نیز، پس از آن که نماز مغرب را با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خواند به خانه اش آمد، سفره را پیش وی گسترده و هر پنج تن به گرد آن نشستند.

اما تا علی عَلِيهَ السَّلَام خواست اولین لقمه را بردارد اسیری از مشرکان، بر در خانه آمد و گفت: درود بر شما ای خانواده محمد! ما را اسیر می کنید، به بند می کشید و غذایی به ما نمی دهید! علی عَلِيهَ السَّلَام لقمه ای را که در دستش بود، به سفره نهاد و گفت:

فاطمه! ای دختر پیامبر پسندیده و ستوده، ای دختر پیامبر بزرگ و بزرگوار! اسیر گمراه به تو روی آورده، در حالی که در زنجیر اسارت گرفتار است. ژنده پوش و آشفته است و از گرسنگی با ما شکوه می کند، هر که امروز اطعام کند فردا پاداش آن را خواهد یافت؛ پیش خدایی که بزرگ، فرد و یکتا است، «هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت.» پس به او غذا بده و او را دست خالی وامگذار!

فاطمه عَلِيهِ السَّلَام نیز در پاسخ چنین سرود:

از آن چه بود جز پیمانۀ ای نمانده است، دست و بازوی من (در اثر آسیاب کردن) پنبه بسته است. به خدا کودکانم گرسنه اند، خدایا آن دو را به خود وامگذار که هلاک می شوند. پدرشان، گر چه ستر بازو و قوی پنجه است، گشاده دست و بسیار بخشنده است. من بر سر خویش پوششی جز یک عبا ندارم که آن را نیز در برابر یک پیمانۀ جو، به دست آورده و بافته ام.

آن شب نیز هر چه در سفره داشتند، به اسیر بخشیدند و خود، شب را با

گرسنگی سر کردند و صبح، چیزی برای خوردن نداشتند.

راوی حدیث (شعیب) در ادامه می گوید:

علی عَلِيهِ السَّلَام، حسن و حسین را که از شدت گرسنگی مانند جوجه می لرزیدند، به نزد پیامبر خداوند برد. هنگامی که پیامبر به آنها افتاد رو به علی کرد و گفت: باب الحسن! را با این حال و روز دیدن. برای من بسیار سخت است؛ پیش دخترم فاطمه بروید. به نزد فاطمه رفتند. فاطمه در محراب عبادتش بود و از شدت گرسنگی شکمش به پشتش چسبیده و چشمانش گود افتاده بود.

زمانی که رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اَوْرَا دَیْد، وی را در آغوش کشید و گفت:

پناه بر خدا! آیا شما سه روز است که چنین بوده اید؟ در این حال جبرئیل فرود آمد و گفت: یا محمد! بگیر آن چه را که خدا درباره خاندانت برای تو فرو فرستاده است؟

پرسید: ای جبرئیل! چه چیزی را باید بگیرم؟ و جبرئیل خواند:

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ... تا رسید به آیه: **إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا**. (1)

(ب) امام حسین علیه السلام خود را معرفی می کند.

آن حضرت هنگام جود و احسان ابر مرد مظلوم حضرت امیر علیه السلام

خویش را معرفی می نماید با هم می خوانیم:

شیخ صدوق به سند خود از خالد بن ربیع نقل می کند که وی گفت: امیر مومنان علیه السلام برای کاری به مکه وارد شد و باده نشینی را دید که به پرده های کعبه چنگ زده بود و در راز و نیاز با خدا، چنین می گفت:

ای صاحب خانه! خانه، خانه تو، و مهمان، مهمان توست و هر میزبانی

از مهمانش به نوعی پذیرایی می کند و تو پذیرایی مرا امشب، آمرزش گناهانم قرار ده!

امیرالمومنین علیه السلام به همراهانش گفت: آیا سخن اعرابی را می شنوید؟ گفتند: آری میشنویم، گفت: خدا کریم تر از آن است که میهمانش را نپذیرد.

ص: 37

1- 1. سوره انسان، آیه اول تا 22. 2. شیخ صدوق این حدیث را از دو طریق ابن عباس و امام باقر علیم روایت کرده و در ذیل آن سخنانی نیز از حسن بن مهران و ابن عباس که از راویان این حدیث میباشند در تاویل و تفسیر آیات سوره هل اتی آورده است. محدثان بسیار دیگری نیز این روایت را نقل کرده اند. 3. شیخ صدوق، الامالی، ص 323. 4. شیخ صدوق، مقتل الحسین به روایت شیخ صدوق، ص 58 تا 63

راوی در ادامه می گوید:

شب دوم، علی عَلَیْهِ السَّلَام باز همان بادیه نشین را دید که به رکن کعبه چنگ زده و گوید: ای عزیزی که در عزت خویش عزیزی، در عزت، از تو عزیزتر، کسی نیست، تو را به عزت عزتت، مرا چنان عزت بخش که کسی آن را درک نتواند کرد. به تو روی آورده و دست به دامن تو شده ام، تو را به حق محمد و آل محمد، مرا آن ده که جز تو کسی نتواند داد و از من، آن را بگردان که جز تو کس نتواند بگرداند!

امیر مومنان به یارانش گفت: رسول خدا این به زبان سریانی، اسم اعظم است که حبیبیم، رسول خدائی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، آن را به من یاد داده است. او بهشت را از خدا خواست که به وی داد و دوری از دوزخ را خواست که از وی دورش ساخت.

شب سوم نیز علی عَلَیْهِ السَّلَام او را دید که به رکن کعبه چنگ زده بود و چنین می گفت: ای آن که در جایی ننگجد و جایی از او خالی نباشد، این بادیه نشین را چهار هزار درهم روزی کن!

امیر مومنان پیش رفت و به وی گفت: ای اعرابی! از پروردگارت پذیرایی خواستی پذیرایی ات کرد، بهشت خواستی داد و دوری از دوزخ خواستی، دورت ساخت با این همه امشب از او چهار هزار درهم می طلبی؟!!

بادیه نشین گفت: تو کیستی؟ گفت: من علی، پسر ابوطالب هستم.

بادیه نشین گفت: به خدا که خواست و مراد من تویی و من نیاز خود، از تو خواهم خواست.

پرسید: ای اعرابی بگو ببینم چه میخواهی؟

گفت: هزار درهم برای مهریه، هزار درهم برای پرداخت قرض، هزار درهم برای خرید خانه و هزار درهم برای این که زندگی کنم.

علی عَلَیْهِ السَّلَام گفت: ای بادیه نشین به انصاف خواستی، وقتی که از مکه

رفتم، در مدینه پیامبر لَیَّ اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ به خانه ام بیا!

بادیه نشین، پس از آن که یک هفته در مکه ماند، در جست و جوی امیر مومنان به شهر پیامبر صَلَّى اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ شتافت و در آن جا ندا داد: چه کسی مرا به خانه امیر مومنان علی عَلَیْهِ السَّلَام راه مینماید؟

از میان کودکان، حسین بن علی عَلَیْهِ السَّلَام گفت: من تو را به خانه امیر مومنان می رسانم، من پسر او حسین بن علی هستم.

بادیه نشین گفت: پدرت کیست؟ گفت: امیر مومنان علی بن ابی طالب. پرسید: مادرت کیست؟ گفت: بزرگ بانوی بانوان جهان، فاطمه زهرا پرسید: پدر بزرگت چه کسی است؟ گفت: رسول خدا، محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب صَلَّى اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ پرسید: مادر بزرگت کیست؟ گفت: خدیجه، دختر خویلد پرسید: برادرت کیست؟ گفت: ابو محمد، حسن بن علی

اعرابی گفت: راستی که جهان را با هر دو جانبش دارایی، به پیش امیر مومنان برو و به او بگو، همان بادیه نشین که در مکه ضمانتش کردی، بر در خانه است.

حسین به علی عَلَیْهِ السَّلَام وارد شد و گفت: بابا جان! بادیه نشین برده است و می پندارد که در مکه ضمانت شده است....

سپس حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام باغی را که پیامبر اسلام صَلَّى اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ به ایشان بخشیده بودند را توسط حضرت سلمان به دوازده هزار درهم فروختند و

چهار هزار درهم آن را به اعرابی دادند و چهل درهم نیز به او انفاق کردند و بقیه آن درهمها را حضرت علی علیه السلام در بین یارانشان تقسیم نمودند. (1)

ج) علم فراوان

امام حسین علیه السلام از همان دوران کودکی بر علوم آگاهی داشته است روایاتی در این زمینه نقل شده اند که نشان از علم و آگاهی والای آن بزرگوار است، نمونه ای از آن را می خوانیم:

راوی می گوید:

از حسین بن علی شنیدم که می فرمود: به خدا سوگند سرکشان بنی امیه بر کشتن من گرد آیند و پیشاپیش آنان عمر سعد خواهد بود.»

او این سخن را در عصر پیامبر فرمود. من از او پرسیدم: آیا این خبر را از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ شنیده ای؟

فرمود: نه، پس خدمت پیامبر رسیدم و او را از این خبر آگاه کردم، حضرت فرمود: علم من علم اوست و علم او علم من است و ما از حوادث و پیش از آنکه رخ دهند آگاهیم (2)

ه) استدلال شیرین

در استدلال زیر از مباحثات و برتری امام سوم شیعیان جهان آگاه می شویم که در کودکی نزد پدر خویش مولای متقیان چنین فرمود:

روزی حسین علیه السلام در حالی که شش ساله بود بر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ و علی علیه السلام وارد شد. علی علیه السلام به پیامبر عرض کرد:

ص: 40

1- الامالی، ص 557-553؛ مقتل الحسين بروایت شیخ صدوق، ص 63-69 با تلخیص.

2- دشتی، محمد، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص 58.

« ای رسول خدا، آیا فرزندم حسین را دوست داری؟ فرمود: چگونه دوست نداشته باشم با اینکه عضوی از اعضای من است؟ علی عرض کرد: ای رسول خدا، کدام یک نزد شما محبوب تریم من یا حسین؟

حسین پاسخ داد: هر که در شرافت والاتر است او نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ محبوب تر و مقرب تر است.

علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: حسین جان، با من مباحث می کنی؟ عرض کرد:

بله پدر جان! اگر مایل باشی.

علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: من امیر مومنانم، من زبان راستگویانم، من وزیر مصطفایم (تا هفتاد و اندی فضایل خود را شمرد).

حسین علیه السلام عرض کرد: من حسین بن علی بن ابی طالب هستم.

مادرم فاطمه زهرا عَلِيهَا السَّلَام سرور بانوان جهانیان است. جدم محمد مصطفی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سرور قاطع همه بنی آدم است. ای علی! مادر من نزد خدا و همه مردم برتر از مادر تو و جد من نزد خدا و همه مردم بهتر و برتر از جد تو است.

من در گهواره بودم که جبرئیل به زبان کودکانه با من حرف می زد و اسرافیل با روی گشاده مرا پذیرا می شد.

ای علی، تو نزد خدا برتر از من و من با پدران و مادران و اجداد فاخرتر از تو هستم.»

سپس حسین عَلَيْهِ السَّلَام (برخواست و دست به گردن علی عَلَيْهِ السَّلَام انداخت و پی در پی او را می بوسید و علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز او را می بوسید و می فرمود: حسین جان! خداوند شرافت و بزرگواری و گرانمایگی و دانش و بردباری تو را فزونی بخشید و ستم کنندگان بر تو را لعنت کند. (1)

ص: 41

بدون تردید صفات و خصوصیات انسانی و کمالات معنوی از همان دوران کودکی در معنی و ذات سید الشهداء بوده است.

از سوی دیگر ویژگی های مهم اخلاقی در همه زمینه ها و ابعاد زندگی در وجود ایشان متبلور بوده است.

یکی از این ویژگی ها، حق طلبی ایشان بوده است، با هم نمونه ای از آن را می خوانیم:

وقتی ابوبکر خلیفه شد، روز جمعه به منبر رفت. حسن و حسین عَلَیْهِمَا السَّلَام که در سنین کودکی بودند) برای نماز جمعه آماده شده بودند. حسین عَلَیْهِ السَّلَام پیش افتاده به ابوبکر رسید و فرمود: این منبر پدر من است نه منبر پدر تو.

ابوبکر گریست و گفت: راست می گویم این منبر پدر شماست نه منبر پدر من(1)

ص: 42

1- فی رحاب النبی، ج 8، ص 49، جمعی از نویسندگان، ره توشه عتبات عالیات، ص 205.

بخش دوم: دوران جوانی امام حسین علیه السلام

اشاره

ص: 43

تنها کنیه آن حضرت ابوعبدالله» است ولی القاب آن حضرت عبارتند از :

رشید، زکی، وفی، مبارک، طیب، تابع مرضات الهی، سید و بسط. این دو لقب (سید و بسط) چون برگرفته از روایت مشهور نبوی «الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» است و سبب به معنای جماعت، قبیله و امت است و حسین عَلِيهِ السَّلَام همان طور که پیامبر فرمود: «حُسَيْنٌ سَيِّدٌ مِّنَ الْأَسْبَاطِ» بسط است به این معنا که آن حضرت از نظر قدر و منزلت، فضیلت و کمال، علم و فقه و ایمان و صدق، معادل یک جماعت یا قبیله بلکه معادل یک امت است، چه اینکه آن حضرت چکیده فضایل و کمالات پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِي عَلَيْهِ السَّلَام می باشد. (1)

صورت و سیما

آن حضرت از نظر بدن و ظاهر (علاوه بر خصوصیات اخلاقی) شباهت بسیاری به جدش رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ داشت.

امام حسین عَلِيهِ السَّلَام خوش قامت، نیکو سخن، دارای چهره ای زیبا و چشمانی نافذ بود. طرز راه رفتن، نگاه کردن و دیگر حرکات بدنی آن

ص: 44

1- محمد بسیومی مهران، فی رحاب النبی و آل بیته الطاهرين، ج 8، ص 35؛ ره توشه عتبات عالیات، ص 200.

حضرت، مثل پیامبر خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ بُود. هر کس او را میدید به یاد پیامبر می افتاد. انس بن مالک می گوید:

بعد از واقعه کربلا سر مبارک آن حضرت را نزد ابن زیاد (ملعون) آوردند و او با چوب بر بینی امام می کوبید و می گفت: مثل این (سر) زیبا و نیکو ندیده ام، مگر نه اینکه او شبیه ترین مردم به رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ است. (1)

قاضی عیاض در بیان شمایل جسمانی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام می گوید:

حسین عَلَیْهِ السَّلَام دارای پیشانی کشیده، محاسن پر پشت، سینه ای ستیر و گشاده، شانه هایی بزرگ (چهارشانه)، استخوان بندی درشت، دست و پا و بازویی کشیده، کف دست و کف پای بزرگ، سیمایی خوش قامتی میانه بالا، نه خیلی بلند و نه خیلی کوتاه، موهایی شانه زده و قامتی موزون و یکنواخت بود. (2)

نسخه ای برای گناه کردن!

مردی خدمت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام رسید، و عرض کرد که شخص گنه کاری هستم و نمی توانم خود را از معصیت نگهدارم، از این رو نیازمند نصایح آن حضرت می باشم. امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمودند:

پنج کار را انجام بده، بعد هر گناهی می خواهی بکن!

اول: روزی خدا را نخور، هر گناهی مایلی بکن!

دوم: از ولایت خدا خارج شو، هر گناهی می خواهی بکن!

سوم: جایی را پیدا کن که خدا تو را نبیند، سپس هر گناهی می خواهی بکن.

ص: 45

1- محمد بسیومی مهران، فی رحاب النبی و آل بینه الطاهرین، ج 8، ص 35؛ ره توشه عتبات عالیات، ص 200.

2- 2. موسوعه کربلا ج 1، ص 170. 3. لازم به ذکر است شمایلی که برخی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به تصویر کشیده اند هیچگونه مستند تاریخی ندارد. 4. مدیریت زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام، ص 7 و 8

چهارم: وقتی ملک الموت برای قبض روح تو آمد اگر توانستی او را از (خودت دور کن و بعد هر گناهی می خواهی بکن!

پنجم: وقتی مالک دوزخ تو را داخل جهنم کرد، اگر امکان داشت داخل نشو و آنگاه هر گناهی مایلی انجام بده! (1)

مبارزه حسین بن علی علیه السلام

حسین بن علی علیه السلام از دوران نوجوانی که شاهد انحراف دستگاه حکومت اسلامی از مسیر اصلی خود بود، از موضعگیری های سیاسی پدر خود پیروی و حمایت می کرد، چنانکه در زمان خلافت عمر بن خطاب، روزی وارد مسجد شد و دید عمر بر فراز منبر نشسته است، با دیدن این صحنه، بالای منبر رفت و به عمر گفت: از منبر پدرم پایین بیا و بالای منبر پدرت برو!

عمر که قافیه را باخته بود، گفت: پدرم منبر نداشت!، آنگاه او را در کنار خود نشانید، و پس از آنکه از منبر پایین آمد، او را به منزل خود برد و پرسید:

این سخن را چه کسی به تو یاد داده است؟

او پاسخ داد: هیچ کس! (2)

ص: 46

1- بحار الانوار، ج 78، ص 126، برگرفته از کتاب داستان های بحار الانوار، ج 1، ص 77

2- ابن حجر العسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج 1، ص 333، حافظ ابن عساکر، تاریخ دمشق (جلد مربوط به شرح حال حسین بن علی)، تحقیق: محمد باقر محمودی، ص 141.3. سیمای پیشوایان در آینه تاریخ، ص 40

هنگامی که اسیران فارس را به مدینه آوردند، از یک سو عمر قصد داشت که زنان اسیر را بفروشد و مردان آنها را غلام عرب قرار دهد و از سوی دیگر این فکر را نیز در سر داشت که اسیران فارس، افراد علیل، ضعیف و پسران عرب را در موقع طواف کعبه به دوش بگیرند و طواف دهند ولی علی علیه السلام به او متذکر شدند که پیغمبر بزرگوار فرموده است:

- افراد شریف بزرگوار هر ملتی را محترم بدارید، اگر چه با شما یک سو نباشند. فارس (ایرانی ها) مردمانی دانا و بزرگوارند، بنابراین سهم خود و سهم بنی هاشم را که از این اسیران داریم در راه خدا آزاد می کنیم.

سپس مهاجرین و انصار گفتند: ای برادر رسول خدا! ما نیز سهم خود را به تو بخشیدیم.

علی علیه السلام عرض کرد: پروردگارا! اینان سهم خود را بخشیدند و من هم قبول کردم و اسیران را آزاد کردم. عمر گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام پیشی گرفت و تصمیمی که درباره مردم عجم داشتم درهم شکست.

بعضی از آن جمع هم بر آن شدند که با دختران پادشاهان که اسیر شده بودند،

ازدواج نمایند. حضرت علی علیه السلام در این رابطه به عمر فرمود:

- این دختران شاهان را در ازدواج آزاد بگذار و آنان را مجبور نکن.

به شهربانو گفتند: تو کدام یک از این خواستگاران را انتخاب می کنی؟

آیا راضی هستی ازدواج کنی؟ آن بانو سکوت اختیار کرد.

امیر المومنین علیه السلام فرمود: او به ازدواج راضی است و در آینده همسر انتخاب خواهد کرد زیرا سکوت وی علامت رضایت اوست.

وقتی که بار دیگر پیشنهاد کردند شهربانو گفت: اگر در ازدواج آزاد باشم، غیر از حسین که چون نوری است پرتوافکن و مهتابی است

درخشان، کسی را انتخاب نمی‌کنم. حضرت علی علیه السلام فرمود: تو چه کسی را برای انجام کارهایت به وکالت می‌پذیری؟

شهربانو آن حضرت را وکیل قرار داد. امیرالمومنین علیه السلام به حدیقه یمانی دستور داد خطبه نکاح را بخواند. او نیز خطبه را خواند. بدین طریق شهربانو به ازدواج امام حسین علیه السلام در آمد و امام زین العابدین علیه السلام از این بانوی مکرمه متولد شد و نسل امام حسین علیه السلام بوسیله او ادامه یافت. (1)

ب) جریان ازدواج امام حسین علیه السلام با بانوی مجله رباب

امام حسین علیه السلام از لحاظ صورت و سیرت شبیه ترین مردم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، سفیدی و نورانیت امام حسین علیه السلام به مقداری بوده که آورده اند:

در شبهای تاریک نوری از صورتش و پائین گردنش ساطع بود که همه مردم حتی از دور او را می‌شناختند شاید این نورانیت به خاطر آن بوده که حضرت رسول مکرر پیشانی و گلوی مبارک آن حضرت را می‌بوسید و می‌فرمود:

دوستی حسن و حسین در دل مومن و منافق و کافر جا دارد. آری، وقتی حسین علیه السلام مورد مهر و دوستی همه قرار بگیرد اگر بخواهد است با هر خانواده ای وصلت کند بی درنگ آنان او را می‌پذیرند، و برای خود مایه افتخار می‌دانند.

آیا امرء القیس را می‌شناسید؟!!

امرء القیس شخصی زیرک، از اشراف متمدولان و خاندان بزرگ عرب است، او به علت اینکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله عشق و محبت زیادی نسبت به امیرالمومنین علیه السلام نشان می‌داد، و از طرفی هم آن حضرت را داماد خود نموده بود، بعد از شهادت حضرت زهرا علیها السلام دخترش را به ازدواج حضرت علی علیه السلام در آورد و در این وصلت، برگ برنده را بدست آورد. او دختر دیگرش را به ازدواج فرزند پیغمبر امام حسن مجتبی علیه السلام در آورد.

ص: 48

امرء القیس، پدر و پسر را داماد خود کرد، راضی و خشنود از این وصلت مبارک بود اما این مرد بزرگ و خانواده دار دختری دیگر هم دارد که وقت ازدواجش رسیده است و در جستجوی جوانی مناسب برای او هست تا این دختر عزیزش را به خانه بخت بفرستد او که دو دختر عزیزش را یکی به حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام و دیگری را به ازدواج امام حسن عَلَیْهِ السَّلَام در آورده، و آن دو را خوشبخت می بیند، به فکر می افتد که چرا دختر دیگرم را به فرزند دیگر رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ندهم.

سعادتی بالاتر از این را می توانی نشان دهی؟

امرء القیس آن دختر نازنینش رباب عَلَیْهَا السَّلَام را هم به همسری امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در آورد، رباب وقتی به خانه امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام آمد و رفتار و منش آن حضرت را دید، عشق ورزی و محبت خود را به همسرش معطوف نمود، خود را در خدمت مولا و همسر مهربان خود قرارداد، اما هر نیکی و مهری که به حسین عَلَیْهِ السَّلَام می کرد، بهترش را از آن حضرت میدید، او نمی توانست از حسین عَلَیْهِ السَّلَام در نیکی کردن سبقت بگیرد. تنها کاری که می توانست در قبال همسر مهربان انجام دهد این بود که علاقه و عشق خود را به آن حضرت ابراز کند.

از آن طرف همسر نازنینش هم به رباب خیلی علاقه نشان می داد تا جایی که در مقام و منزلت رباب فرمود: «وَ كَانَتْ الرُّبَابُ مِنْ خِيَارِ النِّسَاءِ وَ أَفْضَلَهُنَّ» رباب عَلَیْهَا السَّلَام بهترین زنان و با فضیلت ترین بانوان میباشد.» عشق ورزی رباب عَلَیْهَا السَّلَام به امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به مقداری بود که، در مجلس ابن زیاد ملعون وقتی نگاهش به سر مقدس شوهر عزیزش افتاد، بی تاب شد، بی اختیار آن سر مقدس را در آغوش کشید و بوسید و نوحه سرایی کرد، مجلس عزائی بر پا نمود و وقتی قافله اسرار از شام به کربلا رسیدند، رباب عَلَیْهَا السَّلَام دیگر نمی توانست از قبر شوهرش جدا شود او یک سال بر سر قبر همسر مهربانش حسین عَلَیْهِ السَّلَام ماند، روزها در مقابل آفتاب

می نشست و زیر سایه نمی رفت، شاید دیده بود بدن پاره پاره و عریان شوهر عزیزش در مقابل آفتاب قرار گرفته بود.

بعد هم که به مدینه برگشت، با ناراحتی و اندوه زیاد وفات کرد، خداوند او را در رحمت بی کران خود و در جوار همسر عزیزش حسین عَلَیْهِ السَّلَام قرار دهد.

پروردگار عالم حضرت سکینه خاتون عَلَیْهَا السَّلَام را از همین همسر به امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام عطا فرمود همان سکینه ای که امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در حق او فرمود:

«یا خیره النسوان» ای بهترین زنان»

حسین عَلَیْهِ السَّلَام به دختر مهربانش علاقه زیادی داشت. (1)

شرایط دریافت کمک مالی

1- دیه ای که انسان بر ذمه دارد و از پرداخت آن عاجز است. روزی عثمان در آستانه مسجد نشسته بود شخص فقیری به نزدش آمد

و از او کمک مالی خواست. عثمان دستور داد پنج درهم به او بخشیدند. به فقیر گفت:

این مبلغ برایم کافی نیست. مرا به کسی راهنمایی کن که از زندگی مبلغ بیشتری به من کمک کند. امام حسن عَلَیْهِ السَّلَام

عثمان گفت: برو پیش آن جوانان که می بینی و با دست خود اشاره به گوشه ای از مسجد کرد که حضرت امام حسن و امام حسین عَلَیْهِمَا السَّلَام

و عبدالله بن جعفر در آنجا نشسته بودند.

مرد فقیر پیش آنها رفت. سلام داد و اظهار حاجت نمود. امام حسن عَلَیْهِ السَّلَام به خاطر اینکه از رحمتهای اسلام سوء استفاده نشود، پیش از آنکه به او کمک کند فرمود: ای مرد! از دیگران درخواست کمک مالی فقط در سه مورد جایز است: 1- دیه ای که انسان بر ذمه دارد و از پرداخت آن عاجز است.

ص: 50

1-1. میر اشرفی، سیدهادی، داستان ازدواج چهارده معصوم، نشر: پیام حجت چاپ پنجم، ص 89-94، با تلخیص و تصرف.

2- بدهی کمر شکن داشته باشد و از پرداخت آن ناتوان باشد.

3- مسکین و درمانده گردد و دستش به جایی نرسد.

کدام یک از این سه مورد برای تو پیش آمده است؟

فقیر گفت: اتفاقاً گرفتاری من در یکی از این سه مورد است. امام حسن عَلَیْهِ السَّلَام پنجاه دینار و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام چهل و نه دینار و عبدالله بن جعفر چهل و هشت دینار به او دادند.

مرد فقیر برگشت و از کنار عثمان خواست بگذرد. عثمان پرسید: چه کردی؟

فقیر پاسخ داد: پیش تو آمدم و پول خواستم. تو هم مبلغی به من دادی

و از من نپرسیدی این پولها را برای چه میخواهی؟

ولی نزد آن سه نفر که رفتم وقتی کمک خواستم، یکی از آنان (امام حسین) پرسید: برای چه منظوری پول درخواست می کنی؟ و فرمود: تنها در سه مورد می توان از دیگران کمک مالی درخواست نمود. (دیه عاجز کننده، بدهی کمر شکن و فقیر زمین گیر کننده). من هم گفتم گرفتاریم یکی از آن سه مورد است. آن گاه یکی پنجاه دینار و دومی چهل و نه دینار و سومی چهل و هشت دینار به من دادند.

عثمان گفت: هرگز نظیر این جوانان را نخواهی یافت! آنان کانون دانش، حکمت و سرچشمه کرامت و فضیلت اند. (1)

امام حسین در حمایت از پدر خویش

بعد از وفات پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ امام حسین عَلَیْهِمَا السَّلَام بیشتر اوقات در کنار پدر بود. و در تمامی ابعاد زندگی تحت فرمان او بود.

«آن حضرت از بدرقه کنندگان ابوذر در هنگام تبعید به ربذه (به فرمان عثمان) بود که بدین وسیله اعتراض خود را نسبت به برنامه های ظالمانه عثمان و نیز حمایت خود را از حق طلبی ابوذر اعلام داشت.

ص: 51

در اولین روز به خلافت رسیدن علی عَلَیْهِ السَّلَام به منبر رفت و در وصف و حمایت از پدرش چنین گفت:

هان ای مردم، از رسول خدا شنیدم که می فرمود: علی شهر هدایت است؛ هر که به آن در آید رستگار است و هر که از آن پس و پیش افتد نابود است.

در جنگ های حمل و نهروان و صفین شرکت فعال و موثر داشت و همچون سربازی فداکار در تهییج مردم برای شرکت فعالانه در جنگ و دفاع در برابر ظالمان نقش های مهمی را ایفا کرد و در پیروزی ها بسیار مؤثر بود. نمونه اش جنگ صفین است. (1)

نمونه ای از دلاوری های امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در جنگ صفین را در دوران جوانی می خوانیم:

گره پس از پیروزی

عبدالله بن قیس می گوید: پی در جنگ صفین من در سپاه امیرالمومنین عَلَیْهِ السَّلَام بودم. ابو ایوب اعور، از زندگی یکی از فرماندهان لشکر معاویه، شریعه فرات را تصرف کرده بود و از ورود اصحاب علی عَلَیْهِ السَّلَام مانع میشد.

یاران علی علیه السلام از تشنگی به حضرت شکایت کردند. علی این گروهی از سواران را برای آزاد کردن شریعه فرستاد، آنان بدون نتیجه برگشتند، امام سخت دلتنگ شد.

حضرت حسین علیه السلام عرض کرد: پدر جان اجازه می فرمایید من بروم؟ حضرت فرمود: فرزندم برو! امام حسین علیه السلام با عده ای از سربازان به سوی شریعه حرکت نمود و سپاه دشمن را شکست داد، شریعه را آزاد کرد و در کنار آن خیمه زد.

ص: 52

سپس خدمت پدر بزرگوارش رسید و خبر آزادی شریعه را به اطلاع حضرت رساند.

علی عَلَیْهِ السَّلَام گریه کرد.

عرض کردند: یا امیرالمومنین! چه چیز تو را می گریاند؟ این نخستین فتح و پیروزی است که به برکت حسین نصیب ما گشت. حضرت در جواب فرمود:

یادم آمد که به زودی او را در سرزمین کربلا با لب تشنه می کشند و اسب او رم کرده، فریاد می کشد و می گوید:

الظَّلِيمَةُ الظَّلِيمَةَ مِنْ أُمِّهِ قَتَلَتْ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّهَا (1)

مرد شامی و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام

شخصی از اهل شام به قصد حج یا مقصد دیگر به مدینه آمد چشمش افتاد به مردی که در کناری نشسته بود. نگاهی به او کرد و پرسید: این کیست؟ گفتند شد: «حسین بن علی بن ابی طالب است.»

سوابق تبلیغاتی عجیبی (2) که در روحش رسوخ کرده بود موجب شد که دیگر خشمش به جوش آید و آنچه می تواند سب و دشنام نثار حسین بن علی بن علی بنمایند. همینکه هر چه خواست گفت و عقده دل خود را گشود،

ص: 53

1- بحار الانوار، ج 44، ص 266، احسن القصص، ص 65 و 84 و 85

2- شام در زمان خلافت عمر فتح شد. اول کسی که امارت و حکومت شام را در اسلام به او دادند یزید بن ابی سفیان بود. یزید دو سال حکومت کرد و مرد. بعد از او حکومت این استان بر نعمت به برادر یزید، معاویه بن ابی سفیان واگذار شد. معاویه بیست سال تمام در آنجا با کمال نفوذ و اقتدار حکومت کرد. حتی در زمان عمر که زود به زود حکام عزل و نصب می شدند و به کسی اجازه داده نمی شد که چند سال حکومت یک نقطه را در دست داشته باشد و جای خود را گرم کند، معاویه در مقرر حکومت خویش ثابت مانده و کسی مزاحمش نشد. به قدری جای خود را محکوم کرد که بعدها به خیال خلافت افتاد. پس از بیست سال حکومت - بعد از صحنه های خونینی که به وجود آورد - به آرزوی خود رسید و بیست سال دیگر به عنوان خلیفه مسلمین بر شام و سایر قسمت های قلمرو کشور وسیع اسلامی آن روز حکومت کرد. به این جهات، مردم شام از اولین روزی که چشم به جهان اسلامی گشودند، در زیر دست امویان بزرگ شدند، و همچنانکه میدانیم دشمنی امویها از قدیم با هاشمیان شدیدتر و وقوی تر شد. بنابراین مردم شام از اول که نام اسلام را شنیدند و به دل سپردند، دشمنی آل علی را نیز به دل سپردند و روی تبلیغات سوء امویها دشمنی آل علی را از ارکان دین می شمردند. این بود که این خلق و خوی از آنها معروف بود.

امام حسین بدون آنکه خشم بگیرد و اظهار ناراحتی کند، نگاهی پر از مهر و عطوفت به او کرد و پس از آنکه چند آیه از قرآن - مبنی بر حسن خلق و عفو و اغماض - قرائت کرد به او فرمود: «ما برای هر نوع خدمت و کمک به تو آماده ایم.» آنگاه از او پرسید: «آیا از اهل شامی؟» جواب داد: آری. فرمود: «من با این خلق و خوی سابقه دارم و سرچشمه آن را میدانم.» پس از آن فرمود: «تو در شهر ما غریبی، اگر احتیاجی داری حاضریم به تو کمک دهیم، حاضریم در خانه خود از تو پذیرایی کنیم، حاضریم تو را بیوشانیم، حاضریم به تو پول بدهیم.»

مرد شامی که منتظر بود با عکس العمل شدیدی بر خورد کند و هرگز گمان نمی کرد با یک همچو گذشت و اغماض روبرو شود، چنان منقلب شد که گفت: آرزو داشتم در آن وقت زمین شکافته می شد و من به زمین فرو می رفتم. تا آن ساعت برای من در همه روی زمین کسی از حسین و پدرش مبعوض تر نبود، و از آن ساعت برعکس، کسی نزد من از او و پدرش محبوب تر نیست. (1)

امام حسین علیه السلام در ابعاد گوناگون زندگی مظهر و اسوه پیروان خویش

می باشد. او مظهر فضیلت های اخلاقی و انسانی و مبارزه علیه باطل بوده و با سیاست حقیقی و به دور از هر گونه دغل و حقه و نیرنگ در زمانهای گوناگون در جبهه حق به نبرد با کفار پرداخته است.

مبارزات حسین بن علی علیه السلام در جبهه های نبرد با ناکثین و قاسطین

حسین بن علی علیه السلام در دوران خلافت پدرش، امیر مومنان علیه السلام در صحنه های سیاسی و نظامی در کنار آن حضرت قرار داشت. او در هر سه جنگی که در این دوران برای پدر ارجمندش پیش آمد، شرکت فعال داشت. (2)

ص: 54

1- نفثه المجدور، محدث قمی، ص 4، شهید مطهری، مرتضی، داستان راستان، ج 1، ص 54-56

2- الاصابه فی تمییز الصحابه، ص 333، سیره پیشوایان، چاپ سیزدهم.

در جنگ جمل فرماندهی جناح چپ سپاه امیر مومنان عَلِيهِ السَّلَام به عهده وی بود. (1)

و در جنگ صفین، چه از راه سخنرانی های پر شور و تشویق یاران علی عَلِيهِ السَّلَام جهت شرکت در جنگ، و چه از رهگذر پیکار با قاسطین، نقش فعالی داشت. (2)

در جریان حکمیت نیز یکی از شهود این ماجرا از طرف علی عَلِيهِ السَّلَام بود. (3)

حسین بن علی عَلِيهِ السَّلَام پس از شهادت علی عَلِيهِ السَّلَام در کنار برادر خویش، رهبر و پیشوای وقت، حسن بن علی عَلِيهِ السَّلَام قرار گرفت، و هنگام حرکت نیروهای امام مجتبی عَلِيهِ السَّلَام به سمت شام، همراه آن حضرت در صحنه نظامی و پیشروی به سوی سپاه شام حضور داشت، و هنگامی که معاویه به امام حسن عَلِيهِ السَّلَام پیشنهاد صلح کرد، امام حسن، او و عبدالله بن جعفر را فرا خواند و درباره این پیشنهاد، با آن دو به گفتگو پرداخت. (4)

و بالاخره پس از متارکه جنگ و انعقاد پیمان صلح، همراه برادرش به شهر مدینه بازگشت و همانجا اقامت گزید. (5)

سید الشهداء در مدت خلافت برادر

پس از شهادت امیر المومنین و آن وصیتهای آتشین، امام حسن خلیفه شد و حسین بن علی عَلِيهِ السَّلَام زیر فرمان برادرش می زیست و اطاعت از مقام امامت او می کرد ولی در شروط یا صلح بر خلاف نظر برادرش مصلحت بینی می کرد و پس از برادرش تسلیم معاویه نشد و بر خلاف او هم به پاس صلح برادرش متعرض نگرید ولی سخت نگران بود که خلافت از خاندان

ص: 55

1- تاریخ دمشق (جلد شرح حال حسین بن علی) ص 164، همان

2- وقعه صفین، ص 114 و 241 و 530، همان

3- همان منبع، ص 507

4- الکامل فی التاریخ، ج 3، ص 405، همان

5- الاصابه فی تمیز الصحابه، ص 333؛ سیمای پیشوایان در آینه تاریخ، ص 40 و 41.

بنی هاشم به خانواده بنی امیه و آل مروان و آل ابوسفیان منتقل شود. اعتراض به برادر کرد، امام حسن عَلَیْهِ السَّلَام فرمود: اینک من بهتر از تو از اوضاع مطلعم (1)

از این مذاکرات استفاده می شود که مقام ولایت و امامت در حضرت حسن پیش بینی ها داشت و امام حسین پس از برادر متوجه گردید آن وقتی که خود خلیفه و امام مسلمین و حجت خدا روی زمین بود.

هر وقت معاویه خلافتی می کرد یا از پرداخت حقوق علویین و بنی هاشم خودداری می کرد یا اعمال او نادرستی و مجادله می کردند در کار، حسین بن علی سخت برآشفته، کاغذ به معاویه می نوشت.

معاویه هم از حسین عَلَیْهِ السَّلَام میترسید، زیرا میدانست او مظهر غیرت، حمیت، شجاعت و شهامت است و چندین بار معاویه ملعون تهدید کرده بود چرا که برای مردم مسلمان مشکل تراشی می کرد. (2)

ص: 56

1- تاریخ طبری، ج 6

2- مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص 631، 632

بخش سوم: موانع قیام در عصر معاویه

اشاره

ص: 57

قیام و انقلاب در زمان معاویه پسر ابی سفیان به مصلحت اسلام و مسلمانان نبود.

زیرا معاویه پیمان صلحی را که به امام حسن مجتبی عَلَیْهِ السَّلَام تحمیل کرده بود، را بهانه قرار داده بود، و بیم آن می رفت که اذهان مردم را در آن زمان مشوش نموده و با تبلیغات مخرب امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام را متهم نماید که چرا به پیمان صلح امام حسن عَلَیْهِ السَّلَام پایبند نیستند.

از طرف دیگر ممکن بود، شیطنت و بازیگری معاویه شور حماسی آن قیام احتمالی را تحت تاثیر قرار داده، و نگذارد قیام و انقلاب سیر طبیعی و شور حماسی خود را طی کند و جاودانه بماند. زیرا معاویه بازیگر ماهری بود بنابراین قیام و انقلاب در عصر معاویه محقق نشد.

مبارزات آن حضرت با حکومت معاویه

موانع یاد شده بالا باز هم، باعث سکوت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در زمان معاویه نشده است، و آن جناب مبارزات گوناگونی با معاویه انجام داده اند که به بعضی از آنها اشاره می کنیم

1. انتقاد و افشاگری

امام عَلَیْهِ السَّلَام در مقاطع مختلف زمانی با خطبه ها و نامه های فراوان به معاویه از وی انتقاد و افشاگری نموده اند، و کارهای خلاف شرع و عرف

ص: 58

وی را به او گوشزد نموده و حتی اعمال خلاف و ننگین معاویه را برای شیعیان خویش افشا نموده اند. با هم سه نمونه آن را می خوانیم:

الف) افشاکری (1)

امام حسین علیه السلام در پاسخ نامه معاویه نوشت:

افراد ظالمی که اطراف تو را گرفته اند، داخل در حزب ستمکاران و اعوان شیطان اند. آیا تو حجر بن عدی و اصحاب او را که از اهل عبادت و زهد بودند نکشتی؟ حجر و یاران او برای دفع بدعت و امر به معروف و نهی از منکر قیام کردند و تو از روی ظلم آنان را کشتی. آیا تو قاتل عمر و بن حنظل، که از شدت عبادت پیشانی اش پینه بسته بود، نیستی؟ ... تو ادعا نکردی که «زیاد» فرزند ابوسفیان است و حال آنکه پیامبر فرمود:

«الْوَلَدُ لِلْفَرَّاشِ»، و تو او را بر مردم مسلط ساختی و او بر مسلمانان سخت گرفت و پای آنان را برید و آنان را بر شاخه های درخت آویخت....

تو اکنون کودکی (یزید) را برای امارت و حکومت اختیار کرده ای که همواره شراب می خورد و با سگها بازی می کند و من میبینم که خود را به هلاکت انداختی و دینت را نابود کردی و ملت را خوار ساختی. (1)

ب) افشاکری (2)

در پاسخ سخنان معاویه با ذکر مقدمه ای چنین گفت: .. آنچه درباره کمالات یزید و لیاقت وی برای اداره امور امت اسلامی گفتمی فهمیدم. تو یزید را چنان توصیف کردی که گویا شخصی را می خواهی معرفی کنی که زندگی او بر مردم پوشیده است و یا از غایبی خبر میدهی که مردم او را ندیده اند! و یا در این مورد فقط تو علم و اطلاع به دست آورده ای! نه، یزید آنچنانکه باید خود را نشان داده و باطن خود را آشکار ساخته است. یزید را آنچنان که هست معرفی کن!

ص: 59

یزید جوان سگ باز و کبوتر باز و بوالهوسی است که عمرش با ساز و آواز و خوشگذرانی سپری می شود. یزید را اینگونه معرفی کن و این تلاش های بی ثمر را کنار بگذار! گناهی که تاکنون درباره این امت بر دوش خود بار کرده ای بس است، کاری نکن که هنگام ملاقات پروردگار، بار گناهانت از این سنگین تر باشد....(1)

2. سخنرانی کوبنده و افشاگرانه در کنگره عظیم حج

یک سال قبل(2) از آنکه معاویه بمیرد، حضرت حسین بن علی علیه السلام عازم حج بیت الله الحرام شدند، که عبدالله بن جعفر و عبدالله بن عباس همراه حضرت بودند.

حسین علیه السلام تمام بنی هاشم از مردان و زنان، موالیان آنها (غلامان و پسر خواندگان هم پیمانان و غیره) و نیز از انصار، آن افرادی را که آن حضرت می شناخت، و همچنین اهل بیت خود را جمع کرده و پس از آن رسولانی را اعزام کرد و به آنها دستور داد که: یک نفر از اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ که معروف به زهد و صلاح و عبادت است فرو مگذارید مگر آنکه همه آنها را نزد من در سرزمین منی گرد آورید.

در سرزمین منی در خیمه بزرگ و افراشته آن حضرت، بیش از هفتصد نفر مرد مجتمع شدند که همه از تابعین بودند، قریب دویست نفر نیز از اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بودند.(3)

حسین علیه السلام در میان آن حضار برای خواندن خطبه به پاخاست و حمد و ثنای خدا را به جای آورد، و پس از آن گفت: این مرد جبار، متکبر و متجاوز مقصود، معاویه بن ابی سفیان است) با ما و با شیعیان ما آن گونه رفتار

ص: 60

1- الأمامه و السیاسه، ج 1، ص 184، سیمای پیشوایان در آینه تاریخ، ص 46.

2- و در بعضی از نسخ وارد شده است: دو سال

3- حسین تهرانی، محمد حسین، لمعات الحسین، نشر: علامه طباطبائی، چاپ نهم، صص 29 و 30.

کرد که شما همه دیدید و دانستید و شاهد بودید! من می خواهم از شما چیزی بپرسم؛ اگر راست گفتم مرا تصدیق کنید و اگر دروغ گفتم مرا تکذیب نمائید!.....

سپس چنین گفت: شما گفتار مرا بشنوید و سخن مرا بنویسید، و پس از آن به شهرها و قبیله های خود برگردید، و هر کدام از مردم را که مورد امانت شما باشند و به آنها وثوق داشتید، آنها را به آنچه از حق ما می دانید بخوانید و دعوت کنید، زیرا من نگران آن هستم که این امر رهبری امت توسط اهل بیت) محو و نابود شود و حق از بین رفته و مغلوب باطل گردد. (1)

احقاق حق

یکسال کاروانی از یمن که حامل مقداری از بیت المال بود، از طریق مدینه، رهسپار دمشق بود. امام حسین علیه السلام با اطلاع از این موضوع، آن را ضبط کرد و در میان مستمندان بنی هاشم و دیگران تقسیم کرد و نامه ای بدین شرح به معاویه نوشت:

«کاروانی از یمن از اینجا عبور می کرد که حامل اموال و پارچه ها و عطریاتی برای تو بود تا آنکه به خزانه دمشق سرازیر کنی و به خویشانت که تاکنون شکم ها و جیب های خود را از بیت المال پر کرده اند، ببخشی، من نیاز به آن اموال داشتم، و آنها را ضبط کردم، والسلام.»

معاویه از این اقدام سخت ناراحت شد و نامه تندی به امام علیه السلام نوشت. (2)

بی شک این اقدام امام حسین علیه السلام یک گام آشکار در جهت نامشروع معرفی نمودن حکومت معاویه و مخالفت صریح با وی به شمار می رفت، و در آن شرایط هیچ کس جز آن حضرت، جرأت چنین کاری را نداشت. (3)

ص: 61

1- همان منبع، ص 33 و 34

2- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 18، ص

3- سیمای پیشوایان در آینه تاریخ، ص 47.

بنابراین در می یابیم که آن امام همام از اوان کودکی نزد معلم والای خویش نبی گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ علوم را فرا گرفته و راه و رسم مبارزه را آموخته و در همان ایام که سقیفه بنی ساعده تشکیل شد و عده ای بناحق تعیین خلیفه را در شورا مطرح نموده و به رأی مردم گذاشتند) برای دفاع از مقام ولایت علی مرتضی عَلَيهِ السَّلَام به مبارزه با اصحاب سقیفه پرداختند و سپس در جوانی به مبارزات مستمر و پیگیر علیه ناکثین، فاسطین و مارقین ادامه داده و در ایام امامت برادر خویش امام مجتبی عَلَيهِ السَّلَام نیز همواره با جبهه باطل در نبرد بودند تا آنکه یک سال پس از روی کار آمدن یزید ملعون واقعه جانگداز و خونین کربلا رخ داد.

ص: 62

با مرگ معاویه در سال 60 هجری (1) فرزندش یزید، بنا بر تمهیداتی که معاویه از پیش به عمل آورده بود، خلافت را به عهده گرفت و در این زمان حسین عَلَیْهِ السَّلَام شرایط قیام مسلحانه بر ضد حکومت بنی امیه را مهیا دید و آن زمینه ها که لابلائی سخنان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در طول حرکت خود، بر ضد بنی امیه به وفور آمده است، خلاصه اش دوری مسلمانان از دین (قرآن و سنت نبوی) بود که در سه موضوع کلی قابل طرح است. (2)

قیام حسینی

الف) عوام و توده مردم

بعد از وفات پیامبر اسلام صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ مردم به خاطر آموزه های غلط از ناحیه

خلفاء روز بروز از دین فاصله گرفتند، و به دسته هایی تقسیم شدند:

1- دنیا گرایی: خلفا به ویژه عثمانی و معاویه، مردم را به دنیا گرایی و دنیا محوری سوق دادند.

2- قساوت قلب و حرام خواری: امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام شکم های شما از حرام پرگشته و خداوند بر دل های شما مهر زده است. (3)

ص: 64

1- فی رحاب النبی، ج 8، ص 73

2- ره توشه عتبات عالیات، ص 220

3- همان.

3- گرایش به باطل: آن حضرت در روز عاشورا خطاب به لشکر یزید، ماهیت آنان را چنین بیان می کند:

ای پس زندگان کتاب خدا! وای تحریف کنندگان کلمات پروردگار! وای طائفه گناه آفرین! وای آب و دم دهان شیطان! وای خاموش کنندگان سنتهای الهیه (1)

ب) خواص

از ویژگی های خواص در زبان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام بی خبری نسبت به

اوضاع زمان، بی تفاوتی، دنیا گرایی و ترس از کشته شدن بود که موجب تسلط بیشتر بنی امیه بر مسلمانان شد (2)

ج) غضب خلافت

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام بنابر تصریح پیامبر، خلافت را حق مسلم خود میدانست و بنابر قرار داد صلح میان امام حسن عَلَیْهِ السَّلَام و معاویه، باید این مقام بعد از مرگ معاویه به آن حضرت می رسید. از این رو خلافت یزید شرعا و قانونا غضب بود. (3)

1- لمعات الحسین، ص 75.

2- سخنان حسین بن علی، ص 288، ره توشه عتبات عالیات، ص 221.

3- همان، ص: 65

الف) علل قیام طبق وصیت نامه آن حضرت

امام علیه السلام در وصیت نامه اعتقادی - سیاسی خویش خطاب به برادرش محمد حنفیه «انگیز قیام خود را چهار چیز اعلام می کند:

1- اصلاح امور امت

2- امر به معروف

3- نهی از منکر

4- پیروی سیره جدش پیامبر و پدرش علی علیه السلام و زنده کردن سیره آن دو بزرگوار

ب) علل قیام از زبان خود امام

1- شرایط پیشوای مسلمانان

جمله زیر بخشی از پاسخ امام به ولید بن عتبه، فرماندار مدینه است که از امام برای یزید، بیعت می خواست.

«... یزید، مردی شراب خوار است و قاتل بی گناهان. او آشکارا مرتکب گناه می شود؛ و همچون من با مانند او هرگز بیعت نخواهد کرد.»⁽¹⁾

و ضمن پاسخ نامه های دعوت کوفیان، ویژگی های زمامدار مسلمانان را چنین بیان کرد:

... امام و پیشوای مسلمانان کسی است که به کتاب خدا عمل نموده و راه قسط و عدالت را در پیش گیرد و از حق پیروی کرده و با تمام وجود خویش مطیع فرمان خدا باشد.⁽²⁾

ص: 66

1- مقتل الحسین، ص 144، رهبر، علی، قطره ای از فرات عاشورا، نشر: شفق، چاپ دوم، ص 24
2- الارشاد، ص 204؛ مقتل الحسین، ص 17؛ تاریخ طبری، ج 6 ص 196؛ سیمای پیشوایان، ص 53.

2- سکوت نابخشودنی

این سخنرانی را امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در سرزمین «بیضه» خطاب به حرو و یارانش ایراد فرمود و طی آن انگیز قیام خود را چنین شرح داد:

هان ای مردم! رسول خدا فرمود: هر کس حاکم و سلطان ستمگری را ببیند

(سلطانی) که حرام های الهی را حلال می شمارد، پیمان خدا را می شکند، با سنت رسول اللّهُ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ مَخَالَفَت می ورزد، در میان بندگان خدا، از روی ستم و بیداد رفتار می کند، و با گفتار و کردار خویش بر چنین حاکمی نشورد حقا که خداوند سرنوشت نهائی او را سرنوشت همان حاکم ستمگر قرار میدهد.

آگاه باشید. این ستمگران بر اطاعت شیطان گردن نهاده اند؛ و از اطاعت خدا، روی گردانیده اند اینان فساد را ظاهر و آشکار ساخته اند، و حدود الهی را تعطیل نموده اند. «بیت المال» را مال شخص خود انگاشتند، حرام های الهی را حلال شمردند، و حلال های خدا را حرام نمودند.

من به هدایت و رهبری جامعه مسلمانان و قیام بر ضد این همه فساد و مفسدین که دین جدم را تغییر داده اند، از دیگران شایسته ترم...»(1)

3- محو سنتها و رواج بدعت ها

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام طی نامه ای به مردم بصره، محو سنت ها و رواج

بدعتها را متذکر شده اند، در فرازی از آن می خوانیم:

هم اکنون این نامه را برای شما می فرستم و شما را به احیاء کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت می کنم، اگر به حرفم گوش فرا دهید و از من پیروی کنید شما را به راه نجات و رستگاری هدایت می نمایم. درود و رحمت خداوند بر شما باد.»(2)

ص: 67

1- نهج الشهاده، ص 115

2- همان منبع، ص 283

4- عمل نکردن به حق

چون که حربن یزید ریاحی از حرکت آن حضرت به کوفه و یا مراجعت به مدینه به شدت ممانعت کرد، آن حضرت در منزلی بنام ذی حسم پیاخاست، (و طبق روایت طبری در تاریخ از عقبه بن ابی العزاز) پس حمد خداوند را بجای آورد، ثنای او بگفت و سپس فرمود:

پیشامد ما همین است که می بینید. جدا اوضاع زمان دگرگون شده، و چهره زشت و کریه خود را نشان داده است. نیکوئی های دنیا همه پشت کرده اند، و دنیا بر همین روش شتابان می گذرد؛ و چیزی از آن نمانده است مگر اندکی که مانند قطرات آب در ته ظرف جمع می شود، یا زندگی پست و ناچیزی که چون چراگاه درو شده، خراب و درهم باشد.

آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود؟! و از باطل جلوگیری به عمل نمی آید؟! و در این صورت حتما باید مومن حق جو، طالب دیدار خدا و لقای حق بوده باشد. حلیلی من مرگ را جز سعادت نمی بینم، و زندگی با ستمکاران را جز ملالت، امام حسین از خستگی و کسالت نمی نگرم...» (1)

آثار قیام حسینی

ویژگی ها و آثار قیام و نهضت حسینی

اشاره

در تاریخ به وفور یافت می شود که آنها را از نظر شما می گذرانیم:

شهامت امر به معروف و نهی از منکر کردن.

نمونه آن قیام مردم مدینه در سال 63 هجری، قیام تواین در سال 65 به رهبری مختار ثقفی، قیام زید بن علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در سال 121 در کوفه، قیام یحیی بن زید در خراسان و قیامهای علویان در مازندران و قیام سرداران است.» (2)

ص: 68

1- لمعات الحسین، ص 44 و 46

2- ره توشه عتبات عالیات، ص 223

1. افشاگری

حکومت های ظلم، جور، ستم و بدعت گذار در قیام حسینی ماهیت افشا و خیانتکارانه داشتند، امام صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ در آن زمان از معاویه انتقاد و افشاگری می نمودند، از این رو در طول تاریخ درس بزرگی برای بشریت در جوامع گوناگون بوده است.

2. استقلال اندیشه در برابر دشمنان اسلام

قیام حسینی دودمان بنی امیه را در طول تاریخ برانداخت و اندیشه مردم از نفوذ بنی امیه و خاندانش در امان ماند بنابراین مردم به استقلال فکری رسیدند زیرا نفوذ بنی امیه بر افکار مردم قطع شد.

3. گرایش شدید تر مردم به اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَام

مردم همه ساله عاشورا را پاس داشته اند و در ماه های محرم و صفر به عزاداری برای اهل بیت مشغولند، بدین جهت هر روز گرایش مردم جهان به دین مقدس اسلام افزون تر می شود.

4. ایجاد روحیه مقاومت و پایداری در برابر زمامداران ستمگر

مردم متدین و مذهبی از پیشوای خویش امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام و خواهر گرامی اش حضرت زینب عَلَیْهَا السَّلَام و اهل بیت آنان درس مقاومت و پایداری گرفته اند و همه ساله در محرم و صفر یک دوره درس صبر و استقامت در برابر ستمگران به پیروان این قیام داده میشود.

5. حس روحیه شرمساری به علت عدم استعانت حق و عدم انجام

وظیفه مردم از سالار شهیدان درس حق طلبی و انجام وظیفه در راه حق می گیرند زیرا او را مظهر حق و حقیقت میدانند بنابراین روحیه زیر بار ذلت نرفتن و در جبهه حق قرار گرفتن یکی از آثار مسلم و قطعی عاشورا است.

6. زنده شدن روحیه شهادت طلبی

قیام و شهادت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام روحیه ترس و بزدلی مردم را که بر اثر تسلط زمامداران مستبد و ستمگر بوجود آمده بود را دگرگون ساخت و به مردم درس شهامت داد و سنت شهادت را در جامعه اسلامی زنده کرد. پیروان و شیعیان حضرت با الگو پذیرفتن از آن امام بزرگ از روحیه ذلت پذیری فاصله گرفته و حق جوئی، حق گوئی و حق پوی را سر لوحه قرار دادند.

07 زنده شدن خصلتهای اخلاقی در بین مردم

یکی از آثار قیام حسینی احیای خصلتهای اخلاقی است زیرا لحظه لحظه نهضت عاشورا از ویژگیها و مکارم اخلاقی موج می زند و قیام امام حسین در روز عاشورا، در خصلتها و مکارم اخلاقی و دوری از رضیلت های اخلاقی ذوب شده است. بنابراین مردم عزادار مکتب شیعه در هنگام عزاداری ماههای محرم و صفر در مجالس و محافل سوگواری، وعظ و خطابه به این مهم پی برده اند.

نجوا با عاشورا

اکنون با هم به نجوا با عاشورا می پردازیم، تا هر چه بیشتر با ویژگیها و آثار نهضت عاشورا آشنا شویم.

عاشورا، حضور شگرف انسانیت است، در هر جا و هر روز... عاشوراء مائده بزرگ روح انسان است، در تداوم اعصار... عاشورا، محتوای راستین زمان است در ملکوت زمین... عاشورا، ضربان قلب خورشید است، در سینه خاک... عاشورا، صیروت روح کلی است، در تکاپوی پر شکوه تکلیف... عاشورا، تجسم اعلائی وجدان بزرگ است، در دادگاه روزگار... عاشوراء ذات متعالی ارزش است، در مقیاس ها، هر مقیاس... عاشورا، عظمت سرشاری لحظه ها است، در فوران بزرگ سپیده...

عاشورا، حضور نور است در سیطره بی امان ظلمت... عاشورا، جاری سیال مناجات است، در محراب حماسه... عاشورا، طواف خون است، در احرام فریاد... عاشورا، بلوغ روز است، در استلام آفتاب... عاشورا، شفق خونبار است، در فجر آگاهی عاشورا، روح توفانگر عدالت است، در کالبد آفاق.. عاشورا، بارش خونین لحظه هاست، بر ارواح خروشان...

عاشورا، نقش بیدار گذرها و رهگذارهاست، در کاروان دراز آهنگ

زندگیها و عبورها...

عاشورا، نجوای بزرگ صخره هاست، دردشت ها و هامون ها.. عاشورا، بازخوان تورات و انجیل و زبور است در معبد اقدام... عاشورا، ترتیل آیات قرآن است، در الواح ابدیت.. عاشورا، دژ نگهبانی تعالیم وحی است، در آفاق زمانها...

عاشوراء اعلان إنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ « است و پشوانه « لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

عاشورا، حنجره خونین کوه «حرا» است، در ستیغ ابلاغ... عاشورا، درگیری دوباره محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است، با جاهلیت بنی امیه و شرک قریش...

عاشورا، تجدد مطلع رجزهای «بدر» است و «حنین».. عاشورا، خط، بطلان است بر موجودیت دوباره «احزاب» و «خیبر»... عاشوراء انفجار نماز است در شهادت و انفجار شهادت است در نماز... عاشورا، راز چپ ازلی است، در افشایی شکوهمند.. عاشورا، قتلگاه اشباح توحید است، در مصاف تجسم شرک.. عاشورا، تبلور شکوه و جاودانگی حق است، در نابود باطل... عاشورا، نماز شب یازدهم است، در سکوت خروشان خیمه های سوزان...

عاشورا، هشدار خونین حسین هاست، در معبر اقدام..

عاشورا، رمز بقای دین اسلام است و برقراری آیین حق

(حُسَيْنٌ مِّمِّيْ وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ)

عاشورا، خروش تندر آسای «عدل» است، در کلیت ناچیز کاخ دمشق، و

سپس کلیت ناچیز همه کاخ ها و قدرتها...

عاشورا، نفی همه ستمها و پلیدیها و پستیها و فجورها و ظلمها و حق کشی هاست، به هر نام و در هر عملکرد

عاشورا، فریاد گستر انسان های مظلوم است، در همه تاریخ... عاشورا، غمگسار سترک یتیمان و کوخ نشینان است، در هر جای زمین
عاشورا، دست نوازش انسانیت است، بر سر بی پناهان... عاشورا، رواق سرخ حماسه است، در تاریخستان سیاهی و بیداد عاشورا، قلب
تپنده دادخواهان است، در محکمه بشریت... عاشورا، شهادتی است تابیده، بر چکادهای افراشته پیروزی... عاشورا، «رسالتی» است
بزرگ، بر دوش اسارتی «رهای» بخش... عاشورا، خروش طنین افکن آزادی است، در زندگی... عاشورا، زنده کننده اسلام است، و
اسلام زنده شده عاشورا...

عاشورا، بانگ رسای همه انسانهاست، در همه تاریخ، از همه حنجره های پاک خدایی.. عاشورا، آبروی نماز گزاران است، و عزت
مسلمانان... و سرانجام

عاشورا، رکن کعبه است، و پایه قبله و عماد امت، و حیات قرآن، و روح

نماز، و بقای حج، و صفای صفا و مروه و جان مشعر و منی...

و عاشورا، هدیه اسلام است به بشریت و تاریخ... (1)

.1

ص: 72

و بعد از مرگ معاویه، یزید خلافت را غضب کرد و از مسلمانان با نیرنگ نا و زور بیعت گرفت ولی امام حسین علیه السلام از بیعت با او خودداری کرد.

آن حضرت در شامگاه 28 رجب سال 60 هجری از مدینه خارج و برای ادای مناسک حج وارد مکه شد. خبر بیعت نکردن و نیز ورود آن حضرت به مکه به گوش مسلمانان، به ویژه مردم کوفه رسید. آنان نامه های بسیاری زنده به امام نوشتند و از آن حضرت درخواست کردند تا به کوفه آمده، زمام امور امام خسته ام را به دست گیرد و آنان متعهد شدند تا او را یاری کنند. حضرت، پسر عمو و نماینده خود مسلم بن عقیل را برای آزمایش وفاداری آنان به کوفه فرستاد ولی آنان او را تنها گذاشتند.

امام در مکه احساس امنیت نکرد و در روز هشتم ذی حجه، مکه را به طرف عراق ترک کرد و بعد از طی منازل بسیار، در روز پنجشنبه، دوم ماه محرم سال 61 هجری، به سرزمین کربلا رسید.

سپاه یزید از شامیان و کوفیان راه را بر او بستند. (1)

ص: 74

یکی از قطعه های مهم تاریخ، شب و روز عاشورا بود که امام حسین علیه السلام و یارانش در آن به تلاوت قرآن پرداختند. شب عاشورا اردوگاه حسین بن علی علیه السلام و اصحابش تجلی گاه تلاوت قرآن کریم بود. جملگی شب را به نماز و استغفار و تلاوت قرآن و دعا و زاری به پایان بردند. هنگامی که یک دسته نگهبان سواره دشمن بر آنها عبور می کردند امام حسین علیه السلام این آیات را تلاوت می کرد.

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ خَيْرًا لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ * مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ ﴿١﴾

گمان نبرند که مهلتی را که به آنها دادیم به خیر آنها باشد بلکه مهلت می‌دهیم تا بر گناه و سرکشی خود بیفزایند و برای آنها عذابی خوار کننده است.

خداوند هرگز مومنان را به حال کنونی وانگذارد تا در آزمایش خود، بدسرشت را از پاک طینت جدا کند.

در آن شب سی و دو نفر از لشکر عمر بن سعد به سوی امام حسین علیه السلام برگشتند. تلاوت قرآن یاران امام حسین علیه السلام در شب شهادت به گونه خاصی بود، آنها همانند زنبوران عسل قرآن را تلاوت می کردند. (2)

بنابراین در می یابیم که کربلا به ویژه شب عاشورا تجلی گاه تلاوت قرآن امام حسین علیه السلام و یاران باوفا و خاندان والایش می باشد. زیرا مبارزه آن حضرت در جبهه حق برای دفاع از کلام خدا قرآن کریم بود. آنان برای تلاوت قرآن به اهمیت ویژه ای می دادند. که در شب شهادت خویش نیز به گونه خاصی آن را قرائت می نمودند.

ص: 75

1- . آل عمران، آیه 179 و 178.

2- در کربلا چه گذشت، ص 290، 279؛ اکبری، محمدرضا، قصه های قرآن، نشر: پیام عترت، چاپ ششم، ص 145.

حسین بن علی علیه السلام نزدیک غروب تاسوعا پس از آن که از طرف دشمن مهلت داده شد (یا پس از نماز مغرب) در میان افراد بنی هاشم و یاران خویش قرار گرفت و این خطابه را ایراد نمود:

«خدا را به بهترین وجه ستایش کرده و در شداید و آسایش و رنج و رفاه در مقابل نعمتهایش سپاسگزارم، خدایا! تو را می ستایم که بر ما خاندان، با نبوت، کرامت بخشیدی و قرآن را به ما آموختی و با دین و آیین آشنایمان ساختی و به ما گوش (حق بشنو) و چشم (حق بین) و قلب (روشن) عطا فرمودی و از گروه مشرک و خدان شناس نگرداندی. اما بعد، من اصحاب و یارانی بهتر از یاران خود ندیدم و اهل بیت و خاندانی با وفاتر و صدیق تر از اهل بیت خود سراغ ندارم. خداوند به همه شما جزای خیر دهد

آخرین آزمایش

حسین بن علی علیه السلام که در طول راه از مدینه تا کربلا- در موارد اور مختلف، شهادت خویش را اعلام نموده و به یارانش اجازه مرخصی داده و بیعت را از آنان برداشته بود، در شب عاشورا و برای آخرین بار نیز این موضوع را با صراحت مطرح نمود که «قد قرب الموعد» یعنی هنگام شهادت فرا رسیده است و من بیعت خود را از شما برداشتم، از تاریکی شب استفاده کنید و راه شهر و دیار خویش را پیش بگیرید.

این پیشنهاد در واقع آخرین آزمایش بود از سوی آن حضرت و نتیجه این آزمایش، عکس العمل یاران آن بزرگوار بود که هر یک با بیان خاص، وفاداری خود را به آن حضرت و استقامت و پایداری خویش را تا آخرین قطره خون اعلام داشتند و بدین گونه از این آزمایش رو سفید و سرفراز بیرون آمدند.

حامل پاسخ چند تن از این یاران باوفا و اهل بیت صدیق و با صفا را بخوانید:

اولین کسی که پس از سخنرانی امام عَلِيهِ السَّلَام لب به سخن گشود برادرش عباس بن علی عَلِيهِ السَّلَام بود. او چنین گفت: «ارنا الله ذلک أبدا» خدا چنین روزی را نیاورد که ما تو را بگذاریم و به سوی شهر خود برگردیم.

آن گاه سایر افراد بنی هاشم در تعقیب گفتار حضرت ابوالفضل و در همین زمینه سخنانی گفتند که امام نگاهی به فرزندان عقیل کرد و چنین گفت:

«حسبکم من القتل بمسلم اذهبوا قد أذنت لک» کشته شدن مسلم برای شما بس است، من به شما اجازه دادم بروید.

آنان در پاسخ امام چنین گفتند: در این صورت اگر از ما سوال شود که چرا دست از مولا و پیشوای خود برداشتید چه بگوییم؟ نه، به خدا سوگند! هیچ گاه چنین کاری را انجام نخواهیم داد؛ بلکه ثروت و جان و فرزندانمان را فدای راه تو می کنیم و تا آخرین مرحله در از امام حسین رکاب تو می جنگیم. (1)

آنان با یاری امام خویش در دو دنیا سعادت مند شدند و نام خویش را از جمله یاران امام در قیام خونین کربلا به ثبت رسانیدند. بنابراین در می یابیم که امتحانات الهی را در سخت ترین شرایط زندگی به خوبی پشت سر گذارده و سربلند باشیم. اگر بخواهیم یک سرباز مجازی عاشورا باشیم باید در هر شرایطی در جبهه حق به مصاف باطل گرایان و منافق صفتان برویم.

ص: 77

1- سخنان حسین بن علی السلام از مدینه تا کربلا به نقل از گاهنامه شیرین تر از عسل، (ویژه نامه محرم و صفر) شماره 4، بهمن ماه 1389.

سخت ترین شبی که بر خاندان رسول گرامی گذشت این شب بود قساوت و بی رحمی آل امیه و طرفداران آنها همه امکانات زندگی را از خاندان رسولصلی الله علیه و آله قطع کرد و از طرفی ناله و شیون زنان و کودکان از شدت تشنگی بالا گرفت.

در چنین وضعیتی مردان با عظمت هاشمی در شرایط سختی قرار گرفتند دیگر برای آنها نفسی باقی نمانده بود که بپا خیزند و بتوانند فردا به مقابله برخیزند ولی در همین شرایط سخت شیران آل عبدالمطلب و برگزیدگان یاران حسین علیه السلام در حال شادی و سرور به سر می بردند خوشحال از اینکه لحظاتی بعد در ملاقات با خدا خواهند بود و هر مقدار که سختیها بیشتر می شد نشاط و شادابی آنان هم افزون می گردید. (1)

روز عاشورا

صبحگاه قشون طرفین مجهز وصف کشیده بودند فرماندهان لشکر ابن زیاد مهاجم شدند اصحاب حسین علیه السلام مدافع گردیدند. جنگ بصورت حمله عمومی در گرفت و پنجاه نفر از اصحاب حسین علیه السلام کشته شدند.

در این موقع که لحظه تنفس داده شد. (2)

امام بالحنی رسا فرمود: آیا کسی هست که حرم رسول خداصلی الله علیه و آله، را از شر دشمنان دفع نماید؟ (3)

حربن یزید ریاحی با شنیدن این لحن آسمانی به خود لرزید و بطرف حسین شتافت و گفت: «چون من اول کسی بودم که بر تو خروج کردم و در مقابل تو ایستادم، پس آذن عطا فرما که اول کسی باشم که در حضور

ص: 78

1- مقرر، عبدالرزاق، مقتل مقرر، مترجم: محمد جواد مولوی نیا، نشر: جلوه کمال، چاپ سوم، ص 214، 215

2- عماد زاده، حسین، مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص 651

3- سید بن طاوس، لهوف، مترجم: محمد طاهر دزفولی، نشر: مؤمنین، چاپ هفتم، ص 189.

تو کشته می شوم شاید در فردای قیامت یکی از اشخاصی باشم که با جد بزرگوارت مصافحه می نمایند.»(1)

پس آن حضرت اذن جهاد به حر سعادتمند داد؛(2) و حر به جنگ پرداخت تا کشته شد.(3)

بد نیست بدانید که در ابتدا مقابل امام ایستاد ولی در لحظات آخر موفق به بازگشت گردید، بنابراین ما هم به نوبه خود در اندیشه نجات دشمن باشیم زیرا او نیز ممکن است روزی از دشمن دست برداشته و دوست شود. دشمنی که قابل هدایت نیست و از شرارت باز نمی ماند نابود شدنی است.

پس از او یک یک اصحاب و برادران و برادر زادگان و فرزندان همه به میدان رفتند و کشته شدند در آخر کار شمر گفت به طرف خیام حمله کنید.

امام فریاد کشید: یا شیعه الشیطان کفو اسفهایکم عن التعرض للنساء و الاطفال فانهم لم یقاتلوا.

شمر گفت: بسوی خودش برگردید او و سنان بن انس نخعی و عمر بن سعد هر سه مدعی بودند که قاتل هستند.(4) یا حسین عَلَیْهِ السَّلَام

آن شب پرستان در روز دهم ماه محرم، چنگال بر چهره آفتاب تابناک امامت زدند و خون پاک آن حضرت و هفتاد و دو یار باوفایش را بر زمین داغ کربلا ریختند، به خیال اینکه شهادت آن حضرت، رفع همه موانع بر سر راه دنیاگرایی و دنیا پرستی آنان است.(5) علاقه به دنیا چشم آنان را کور کرده بود به طوری هیچ چیزی و هیچ جائی را نمی دیدند و در خیالات

ص: 79

1- همان، ص 191.

2- همان

3- مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص 652

4- همان، ص 652

5- ره توشه عتبات عالیات، ص 227.

واهی غوطه می خوردند اما دیری نپائید که گمان باطل آنان به خاموشی گرائید و به جهنم سرازیر شدند. بی گمان جبهه باطل نابود شدنی است.

منظره ای از نمایشگاه حسین علیه السلام

اول شب 11 محرم سال 61 هجرت است. ماه آسمان ناتمام می تابد دشت وسیع کربلا را سکوت محض گرفته - قشون دشمن که در طول دوازده ساعت (عاشورا مطابق با شهریور بوده) به جنگ نبرد مشغول بودند خسته و فرسوده زخمی و مجروح در محل خود آسودند و چون خود را فاتح میدانستند مسرور و منتظر بودند که رکاب آنها را طلا و نقره بگیرند - یک طرف کشته گان پسر پیغمبر و در راه حقیقت مست صهبای عشق و محبت نعش جوانان بنی هاشم کنار هم صف کشیده ولی بر روی زمین در یک طرف میان خندقی خیام سوخته و نیم سوخته بود.

منظره ای وحشت آمیز بود زیرا هشتاد و چهار زن و بچه با یک مرد در حال ضعف، دل سوخته، داغدیده، برادر کشته و پدر کشته خون دلشان از دیده گانشان فرو می ریزد و سرپرست این همه زن و دختر یک زن و داغدیده ای است که خود شاهد آن منظره وحشتناک بوده است. آرامش تمام حکم فرماست - هیچ صدایی جز نوازش بادهای حقیقت شنیده نمی شود .

افق کربلا روشن و باز است برای تجلی این منظره بسیار مناسب و عامل موثری بوده نور ماه بر این شمشیرها و نیزه های شکسته تابیده، برق آن جلوه گر است - دلباخته گان راه خدا رهسپار آرامگاه ابدی خود هستند ولی سر آنها از بدن جدا شده و یک منظره دهشت انگیزی ایجاد کرده است . در میان این کشته گان کودکی به نام «حسن مثنی» مجروح و زخمی شده (که دشمن خیال کرده کشته شده است) از او غفلت کرده اند اینک نفس سرد بر کشیده و سر برداشته این منظره هولناک و مهیب را می بیند درهای آسمان ها باز است - ارواح مقدس انبیاء و اولیاء که

برای جلوه دادن این منظره دعوت شده بودند حضور یافته به ملائکه مقرب و فرشتگان خدا سر از غرفه ها بدر آورده این صحنه را می بینند - ارواح مقدسین و مقدسات برای تماشا دعوت شده اند تا این صفحه نمایش را با علل و اسباب و تاثیر آن برای مردم نشان دهند، عملیات شگفت آمیز سیدالشهداء علیم را نشان دهند.

حسن مثنی کودک یازده ساله برخاست به این صحنه مخوف نگاه کرد، بر خود لرزید پرده این نمایش را بالا زده و خطاب به ارواح انبیاء می کند، جریان تاریخ را برای آنها و علل قیام خونین عمومی گرامی را شرح می دهد.

خطاب به ماه آسمان چنین می گوید:

نکوتر بتاب امشب ای روی ماه

که روشن کنی روی این بزمگاه

بسا شمع رخشنده تابناک

زیاد حوادث فرو مرده پاک

حریفان به یکدیگر آمیخته

صراحی شکسته قدح ریخته

به یکسوی ساقی برفته زدست

زسوی دگر مطرب افتاده مست

بتاب ای مه امشب که افلاکیان

بیند جانبازی خاکیان

مگر نوح بیند کز این موج خون

چسان کشتی آورد باید برون

بیند خلیل خداوندگار

زقربانی خود شود شرمسار

مسیحا اگر بیند این رستخیز

صلیت و صلب را کند ریز ریز

ببیند جگر گوشه را غرق خون(1)

بنابراین یاران و خاندان حضرت چون پروانه به دور شمع وجود آن راهبر بزرگ گردیدند تا با نثار خون خویش اهداف متعالی و والای امام سوم برای پیروانش تحقق یابد بنابراین بخش اول قیام که همانا «خون» است به نتیجه رسیده

ص: 81

1- مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص 654 و 655

هر قیام و نهضتی به طور عمده از دو بخش «خون» و «پیام» تشکیل می گردد.

مقصود از بخش خون، مبارزات خونین و قیام مسلحانه است که مستلزم کشتن و کشته شدن و جانبازی در راه آرمان مقدس است. مقصود از بخش پیام نیز، رساندن و ابلاغ پیام انقلاب و بیان آرمانها و اهداف آن است.

در پیروزی یک انقلاب اهمیت بخش دوم کمتر از بخش اول نیست، زیرا اگر اهداف و آرمان های یک انقلاب در سطح جامعه تبیین نشود، انقلاب از حمایت و پشتیبانی مردم برخوردار نمی گردد و در کانون اصلی خود به دست فراموشی سپرده می شود، و چه بسا گرفتار تحریفها و دگرگونیها توسط دشمنان انقلاب می گردد.

با بررسی قیام مقدس امام حسین علیه السلام این دو بخش کاملا در آن به چشم می خورد، زیرا انقلاب امام حسین علیه السلام تا عصر عاشورا مظهر بخش تحلیل اول یعنی خون و شهادت و ایثار خون بود و رهبر و پرچمدار آن نیز خود حسین بن علی علیه السلام بود، در حالی که بخش دوم آن از عصر عاشورا آغاز گردید و پرچمدار آن امام زین العابدین و زینب کبری علیهما السلام بودند که پیام انقلاب و شهادت سرخ آن حضرت و یارانش را با سخنان آتشین خود به اطلاع افکار عمومی رساندند و طبل رسوایی حکومت پلید اموی را به صدا در آوردند.

با توجه به تبلیغات بسیار گسترده و دامنه داری که حکومت اموی از زمان معاویه به بعد بر ضد اهل بیت (بویژه در منطقه شام) به راه انداخته بود، بی شک اگر بازماندگان امام حسین علیه السلام به افشاگری و بیدار سازی نمی پرداختند، دشمنان اسلام و مزدوران قدرت های وقت، قیام و نهضت بزرگ و جاویدان آن حضرت را در طول تاریخ لوٹ می کردند و چهره آن را وارونه نشان می دادند. همچنان که برخی از آنان به امام حسن علیه السلام تهمت

زدند و گفتند: در اثر ذات الریه وسل از دنیا رفت! عده ای دیگر هم ادعا می کردند که حسین بن علی عَلَیْهِ السَّلَام با سرطان از دنیا رفت!! اما تبلیغات گسترده بازماندگان حضرت سیدالشهداء عَلَیْهِ السَّلَام در دوران اسیری که کینه توزی سفیهانه یزید چنین فرصتی را برای آنان پیش آورده بود، اجازه چنین تحریف و خیانتی را به دشمنان حسین عَلَیْهِ السَّلَام نداد. (1)

آری!! نقش بسیار بزرگ و تاریخ ساز اسیران آزادی بخش کربلا درباره پیام انقلاب عاشورا حیاتی و سرنوشت ساز است. خطبه حضرت زینب در کاخ یزید و خطبه امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَام در شام و خطبه های دیگر آن بزرگواران و... از پیام هایی است که حرکت حسینی را در طول تاریخ زنده نگاه داشته است.

بانوان عاشورا

اشاره

پیرامون زنان در حادثه کربلا دردو محور می توان سخن گفت: یکی آن که آنان چند نفر و چه کسانی بودند، دیگر آن که چه نقشی داشتند. مجموعه این بانوان همراه کودکان خردسال، کاروان اسرای اهل بیت را تشکیل می دادند که پس از شهادت امام و حمله سپاه کوفه به خیمه ها، ابتدا در صحرا متفرق شدند و سپس به صورت گروهی و اسیر به کوفه و از آنجا به شام فرستاده شدند. اما درباره حضور این زنان در حادثه عاشورا بیشتر به محور «پیام رسانی» باید توجه کرد. البته جهات دیگری نیز وجود داشت که فهرست وار به آنها اشاره میشود. (هر کدام از آنها می تواند به عنوان درس مورد توجه باشد.)

الف) مشارکت زنان در جهاد

شرکت در جبهه پیکار، همدلی و همراهی با نهضت مردانه امام حسین و مشارکت در ابعاد مختلف آن از جلوه های این حضور است. چه همکاری در کوفه با نهضت مسلم، چه همراهی همسران برخی از شهدای کربلا، چه حتی اعتراض و انتقاد برخی همسران سپاه کوفه به جنایتهای شوهرانشان،

ص: 83

ب) آموزش صبر

روحیه مقاومت و تحمل زنان، نسبت به شهادت‌ها در کربلا درس دیگر نهضت بود. اوج این صبوری و پایداری در رفتار و روحیات زینب کبری علیها السلام جلوه گر بود.

ج) پیام رسانی

افشاگری‌های زنان و دختران کاروان کربلا چه در سفر اسارت و چه پس از بازگشت به مدینه پاسداری از خون شهدا بود. سخنان بانوان، هم به صورت خطبه جلوه داشت، هم گفتگوهای پراکنده به تناسب زمان و مکان

د) روحیه بخشی

در بسیاری از جنگها حضور تشویق آمیز زنان در جبهه، به رزمندگان روحیه می بخشید. در کربلا نیز مادران و همسران بعضی از شهدا این نقش را داشتند.

ر) پرستاری

رسیدگی به بیماران و مداوای مجروحان از نقش‌های دیگر زنان در جبهه‌ها، از جمله در عاشورا است. نقش پرستاری و مراقبت حضرت زینب از امام سجاد 182، 183 یکی از این نمونه‌هاست. (1)

ز) مدیریت

بروز صحنه‌های دشوار و بحرانی، استعدادهای افراد را شکوفا می‌سازد.

نقش حضرت زینب در نهضت عاشورا و سرپرستی کاروان اسرا، درس مدیریت در شرایط بحران را می‌آموزد.

وی مجموعه بازمانده را در راستای اهداف نهضت هدایت کرد و با هر اقدام خنثی‌کننده نتایج عاشورا از سوی دشمن، مقابله نمود و نقشه‌های دشمن را خنثی ساخت.

ص: 84

1- در این زمینه رجوع کنید به مقاله درسهای امدادگری در نهضت عاشورا، مجله پیام هلال، شماره 26، شهریور 1369.

درس دیگر زنان قهرمان در کربلا حفظ ارزشهای دینی و اعتراض به هتک حرمت خاندان نبوت و رعایت عفاف و حجاب در برابر چشمهای آلوده است. زنان اهل بیت، با آن که اسیر بودند و لباس ها و خیمه هایشان غارت شده بود و با وضع نامطلوب در معرض دید تماشاچیان بودند، اما اعتراض کنان بر حفظ عفاف تاکید می ورزیدند. ام کلثوم در کوفه فریاد کشید که آیا شرم نمی کنید برای تماشای اهل بیت پیامبر جمع شده اید؟ وقتی هم در کوفه در خانه بازداشت بودند، زینب اجازه نداد جز کنیزان وارد آن خانه شوند در سخنرانی خود در کاخ یزید نیز بر اینگونه گرداندن بانوان شهر به شهر اعتراض کرد. (1)

ه) تغییر ماهیت اسارت

اسارت را به آزادی بخشی تبدیل کردند و در قالب اسارت به اسیران واقعی درس حریت و آزادگی دادند.

ی) عمق بخشیدن به بعد عاطفی و تراژدیک کربلا

گریه ها، شیون ها، عزاداری بر شهداء و تحریک عواطف مردم به پا ماجرای کربلا عمق و بر احساسات نیز تاثیر گذاشت و از این رهگذر، ماندگارتر شد. (2)

پیامهای حرکت حسینی

اشاره

همان گونه که بیان کردیم، پیام انقلاب خونین کربلا توسط اسیران آزادی بخش و پیام رسان ویژه آن امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَام و حضرت زینب عَلَیْهَا السَّلَام بیان شده است که می توانید برای آگاهی از آن به خطبه های آن دو بزرگوار بعد از واقعه عاشورا مراجعه نمایید. اما نهضت خونین عاشورا پیام های

ص: 85

1- عوالم (امام حسین)، ص 403، حیاتنا الامام الحسین، ج 13، ص 378

2- گاهنامه شیرین تر از عسل، (ویژه نامه محرم و صفر)، شماره 4، ص 15.

فراوانی دارد که درباره آن خون های به ناحق ریخته شده و آن نهضت با عظمت می توان کتاب ها نوشت، در اینجا به بیست و سه پیام از آن نهضت خونین اکتفا می کنیم. که باید هر روز سعی کنید با پیام های حرکت حسینی در زندگی خویش آشنائی و شناخت بیشتری پیدا نموده و آنها را فراراه خود قرار داده تا همچون سرباز مجازی عاشورا در راه آن امام همام گام بردارید:

1. اطاعت از امام حسین علیه السلام

اطاعت بی چون و چرای یاران باوفای حضرت از امام حسین ایلام در آن نهضت بزرگ دیدنی است و به همین علت یاران امام را باوفاترین یاران دانسته اند.

2. حفظ ارزش های متعالی

حفظ ارزش های اخلاقی و مذهبی در قیام حسینی شکوه دو چندانی به و مبارزه با مظاهر فساد داده است. حفظ ارزش هایی چون آزادگی، جوانمردی، و شجاعت، عزت و در اندیشه نجات دشمن دیدنی است.

3. جبهه گیری در برابر اندیشه های منحرفانه

خط مشی اصلی یاران عاشورا مبارزه با افکار انحرافی بود و همگان باید از این ایده بزرگ و پیام حرکت حسینی در هر عصری پیروی نمایند.

4. اصلاح حکومت

ایک شخص فاسد نمی تواند حاکم باشد و حکومتی را اداره نماید بنابراین ارکان حکومت را باید افراد صالح اداره نمایند.

5. انجام مسئولیت

آن حضرت در روز عاشورا خطاب به دشمنان فرمود: «آگاه باشید که من اتمام حجت کردم و نویدتان دادم به همین آمادگی ناچیز و یاران اندک خود با شما پیکار می کنم.»

سپس این اشعار را سرود:

اگر دشمن را بشکنیم که پیروزیم و اگر مغلوب شویم باز شکست نخورده ایم که در خوی ما ترس نیست بلکه این اجل و نوبت واپسین است. (1)

6. تقوا پیشه کنید!!

آن حضرت در روز عاشورا خطاب به یاران، آنان را به رعایت تقوا سفارش می کند و می فرماید:

«توشه بگیرید که بهترین توشه تقواست، پس تقوای الهی پیشه خود سازید که امید است رستگار شوید.» (2)

7. حق الناس را به صاحبش برگردانید

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام پیش از حرکت، کسی را مامور کرد تا در میان یارانش ندا دهد که هر کسی بدهی دارد (و حق مردم برگردن اوست) نباید با من به پیکار آید، هر کس با بدهی بمیرد و راهی برای پرداخت آن نیندیشده باشد، در آتش در آید. (3)

8. برای داشتن نماز

در ظهر عاشورا در تیررس دشمن نماز برپا داشته شد (که قبلا بیان کردیم)

9. تسلیم نشدن در برابر ظلم و ستم

اهل بیت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام برای اینکه زیر بار ذلت نروند به اسارت گرفته شدند. امام عَلَیْهِ السَّلَام و یاران و اهلبیت آن حضرت در سراسر عمر شریف خویش هرگز زیر بار ذلت نرفتند. و نمونه عینی آن در روز عاشورا به نمایش گذاشته شد.

ص: 87

1- دشتی، محمد، فرهنگ جامع سخنان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام

2- همان

3- همان

10. فقط بندگی خدا!!

همه آن سختی ها و مشقتهای قیام عاشورا به دلیل عشق بازی با باری تعالی بوده است. چرا که آنان حب دیگری در سینه خود راه نداده اند. امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام

می فرمایند: بنده غیر خدا مباش بدرستی که خداوند تو را آزاد آفریده است.

11. استقامت و پایداری

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در نهضت عاشورا یاران خویش را که از وفادارترین و والاترین اصحاب بوده اند به صبر و استقامت دعوت کرده و این نشان می دهد که پایداری و استقامت شرطی ضروری برای حفظ دین و موفقیت در راه سازندگی به ویژه در شرایط بحرانی و امتحانات الهی است.

12. انجام امر به معروف و نهی از منکر

یکی از اهداف و علل قیام امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمان دادن به نیکی و بازداشتن از بدی بوده است. و این پیام عاشورایی برای همیشه تاریخ است

چرا که امر به معروف و نهی از منکر، از فروع دین و از واجبات دین مقدس امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام است، و تعلق برای عمل به آن موجب قصور در انجام وظیفه است.

13. شهادت طلبی، جوانمردی، شجاعت و دلاوری

ایثار و گذشت از پیام های والا و مهم عاشورا است. از آن روی باید از پیام ها درس زندگی فرا گرفته از خوردن، خوابیدن و کارکردن، که سه ضلع مثلث پوچی را تشکیل

می دهند، فاصله بگیریم و حرکت و تغییر را در خویش احساس کنیم.

14. حفظ دین

عمل به قرآن و سنت اهل بیت عَلَیْهِم السَّلَام مهم ترین پیام نهضت عاشوراست،

و بعضی از اوقات برای نگهداری آن انسان باید جان و مال خویش را فدای

آن کند. امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود: جنگ ما با «بنی امیه» برای خداست و این

جنگ میان ما و بنی امیه تا دامنه رستاخیز ادامه خواهد داشت. (1)

15. خودسازی و قطع وابستگی ها

اصلاح گران ابتدا با خودسازی مقامات والای تهذیب نفس و عشق به خدا را در خویش زنده می کنند و با قطع وابستگیها خود را برای اصلاح جامعه و دیگر سازی مهیا نموده و به آن می پردازند. یکی از علل قیام امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام نیز اصلاح مفسد امت جدشان بوده است. چنانکه یکی از والاترین پیام های عاشورایی نیز به شمار می رود.

16. حاکم جامعه اسلامی باید عادل، شجاع و با تقوا باشد.

امام عَلَیْهِ السَّلَام فرمود: «زمانی که کسی مثل یزید عهده دار حکومت باشد،

باید فاتحه اسلام را خواند.» (2)

آن حضرت در پاسخ نامه مردم کوفه نوشت:

به جانم سوگند، کسی شایستگی امامت را دارد که جز تو به قرآن حکومت

نکند و بر هوای نفس خویش غالب باشد و خویشان را وقف دین کند.» (3)

17. عدم دنیا زدگی و دنیا گرایی

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: حب الدنيا رأس کل خطیئه حب دنیا سرچشمه همه خطاهاست.

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام نیز مردم را از دنیاگرایی بر حذر داشته اند بدین جهت کسانی که در خط اهل بیت عصمت و طهارت هستند باید علاقه مفرط و بیش از اندازه به دنیا را از وجود خویش پاک کنند. شاید علاقه مفرط به دنیا مانع انجام وظیفه در راه آن امام همام عَلَیْهِ السَّلَام گردد.

ص: 89

1- نهج الشهادة، مجموعه سخنان امام حسین، ص 362

2- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص 17

3- حیات الامام الحسین عَلَیْهِ السَّلَام. ص 277.

18. زندگی حقیقی

زندگی بدون هدف، ظاهری پوچ و بی محتوا بوده، حیوانی به شمار رفته و بدون ارزش است بنابراین زنده بودن را باید از عاشورا آموخته و این پیام اصلی آن نهضت را در زندگی خویش بکار گیریم.

19. پاسداری از حرمت حرم

می گویند: به امام خبر رسید که یزید برای ترور ایشان نقشه ای طرح کرده، و آن حضرت که این شهادت را مثمر ثمر نمی دانستند، برای رهایی از دام این توطئه شوم، تصمیم به خروج از مکه گرفتند، این درست، اما خود امام درباره فلسفه این خروج نابهنگام می فرمود:

پدرم علی علیه السلام خبر داد که حرمت حرم خدا را می شکنند و من

نمی خواهم توسط من شکسته شود. (مضمون کلام)

این برخورد امام بدین معناست که مبارزات اسلامی بگونه ای نیست که همه ارزشها به پای آن قربانی شود. اصالت، متعلق به فرمان پذیری از خداست و گردن نهادن در برابر آنچه او امر می کند. (1)

20. رضا به رضای حق

: «در صورت و سیرت مبارزات در راه خدا که الهام از رهنمودهای قرآن دارد، بکلی با سایر نبردها، تفاوت دارد. قیام سراپا خدایی امام، منطبق با همان معیارهای الهی و قرآنی است. (2) زمزمه های امام در کنار تربت جدش را می خوانیم:

پروردگارا! این تربت پیامبرت محمد است و من فرزند دختر او. برای من چیزی رخ داده که تو خود آگاهی. خدایا من امر به معروف و نهی از منکر را دوست دارم. ای صاحب جلالت و کرامت! به حرمت این تربت و

ص: 90

1- قطره ای از فرات عاشورا، ص 67

2- همان منبع، ص 75، 76

آنکس که در این قبر است، آنچه رضایت تو و رسولت را به دنبال دارد، برایم برگزین.» (1)

21. راز و نیاز با معبود

امام سجاد علیه السلام نقل کرد: در صبح عاشورا که لشگریان یزید از همه طرف آماده خیانت و کشتار شدند، حضرت ابا عبدالله علیه السلام دستها را به سوی آسمان بلند کرد و این دعا خواند:

ای خدائی که تو در غم و اندوه پناهگاه من و در هر پیش آمد ناگوار مایه امید من هستی و هر حادثه ای سلاح و تکیه گاه منی آنگاه که غمهای کمرشکن بر من فراریخته است که دلها در برابرش آب می شوند و راه هر چاره در مقابلش مسدود می گردد. غمهای جانکاهی که با دیدن آنها دوستان از من دوری جسته و دشمنان زبان به شماتت می گشایند، در چنین لحظاتی، تنها به پیشگاه تو شکایت آورده، و از دیگران قطع امید نموده ام و تو بودی که به داد من رسیده و این کوههای غم را برطرف کرده ای و از این امواج اندوه نجاتم بخشیده‌ای، خدایا توئی صاحب هر نعمت و توئی آخرین مقصد و مقصود من.» (2)

22. هدایت خواهی

برای برخی این سوال مطرح است که، هدایت خواهی ما در شبانه روز با گفتن «هدانا الصراط المستقیم» در نمازها، کاملاً بجاست، زیرا هیچ یک از ما نمی تواند ادعا کند که آنگونه که باید، در راه مستقیم است، ولی انبیاء و اولیاء چرا؟

پاسخ این است که فیض هدایت باید پیوسته از جانب خدا بر بندگان ارزانی شود، تا در راه هدایت بمانند، مانند جریان الکتریسته در لامپها که قطع شدن یک لحظه ای برق، خاموشی کامل لامپ ها را در پی دارد و نیز، تثبیت گامها در مسیر هدایت فقط از جانب خدا باید عمل شود، گرچه مقدمات آن وابسته به اختیار و اراده انسان است.

ص: 91

1- سخنان حسین بن علی از مدینه تا شهادت، ص 25؛ قطره ای از فرات عاشورا، ص 76.

2- دشتی، محمد، فرهنگ سخنان امام حسین، ص 177 و 178.

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام گاه ورود به شهر مکه، پس از شروع حرکت انقلابی و طی مسیر مدینه مکه، همان سخن موسی را وقت ورود به «مدین» ترنم فرمود:

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدِينٍ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ»(1)

وقتی رو به جانب مدین آورد، گفت: امید است که خدا مرا به راه راست، هدایت فرماید.

باید این شیوه، در همه حرکتها خصوصا در مبارزات که معمولا از آفت مصون نیست، بکار گرفته شود که «لَكُمْ فِي أُسُوءٍ» روش من، الگوی شماست»(2).

23. در اندیشه نجات دشمن

امام حسین در روز عاشورا در آغاز در قالب خطبه ای به امید نجات دشمن، به ارشاد پرداختند تا از این طریق حجت بر آنها تمام و به سنت قرآنی عمل شود»(3)

بنابراین تا حدی که امکان دارد با حس تعهد و سازندگی در اندیشه هدایت دیگران باشیم و این پندار غلط را که «هیچکس قابل هدایت نیست» را از خویش دور نمائیم.

راهکارهای حضور در صحنه عاشورا

اشاره

اگر می خواهید در جرگه شیعیان واقعی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در آئید، راهکارهای ارائه شده را در صحنه زندگی بکار بندید تا در دنیا و آخرت با تقویت ایمان و عمل صالح و معنویت ناشی از آن جمله سعادت‌مندان باشید.

این راهکارها مستند به احادیث پیامبر و امامان برزگوار می باشد، که با عمل به آنها می توانید در جرگه سربازان مجازی عاشورا بلکه سرباز حقیقی در زمان خویش درآئید با هم این شش نمود و اصل را می خوانیم:

ص: 92

1- سوره قصص، آیه 22

2- قطره ای از فرات عاشورا، ص 79.

3- همان، ص 80

1. حضور در عاشورا با دل و نیت

« در این خصوص به یک روایت در مورد تاثیر نیت صادقانه در زندگی و مشارکت در امور خیر و حضور در صحنه های جهادی در زمان رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آٰلِهِ در قبول حضور افراد در آن صحنه ها به واسطه نیت هایشان دقت نمائید:

پیامبر خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آٰلِهِ- در هنگام بازگشت از جنگ تبوک - فرمودند:

افرادی در مدینه هستند که با ما نیامدند، اما هیچ دره وادی را نپیمودیم مگر این که آنها هم با ما بودند که عذر(بیماری) آنها را در مدینه نگه داشت.» (1)

2. آرزو (تمنای حضور)

پیامبر اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آٰلِهِ فرمودند: «آرزوهای سازنده سبب نزول رحمت بر امت من میباشد.» (2)

چه بسا کسانی که با امید و آرزو در مرحله عمل به موفقیت رسیده اند

چرا که با یاس و ناامیدی از کسی کاری بر نمی آید. تمنای حضور مقدمه و پر از زندگی حضور است پس آن را جدی بگیریم.

3. ثبت نام برای سربازی (رجعت)

یکی از اعتقادات دینی در فرهنگ شیعه عقیده به رجعت می باشد،

رجعت یعنی بازگشت به دنیا پس از مرگ در زمان ظهور امام زمان بر اساس عقیده به رجعت، به بعضی از انسانها امکان بازگشت مجدد به دنیا جهت تعقیب اهداف و آرزوها و آرمان هایشان داده می شود. مثلا در فرازی از دعای عهد، فرد مومن تقاضای بازگشت مجدد و آمادگی خود جهت شرکت در

ص: 93

1- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه؛ نیلی پور، مهدی، سربازی مجازی عاشوراء نشر: مرغ سلیمان، چاپ اول، ص 35.

2- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه؛ نیلی پور، مهدی، سربازی مجازی عاشوراء نشر: مرغ سلیمان، چاپ اول، ص 38.

تشکیل حکومت عدالت جهانی حضرت را اعلام میدارد. مشابه و مکمل این تقاضا نیز به منظور شرکت در ادامه نهضت عاشورائی امام حسین علیهم السلام در زیارت عاشورا تکرار شده است و بدینوسیله ما خود را از سهام داران معنوی و مجازی، بلکه واقعی و حقیقی در نهضت عاشورا قرار میدهیم: «وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ»

با این کلام ما اعلام آمادگی کرده ایم و به نوعی در لشگر امام زمان عَجَلَّ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ ثبت نام نموده تا از خونخواهان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و ادامه دهندگان مسیر او باشیم.»⁽¹⁾

4. زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در روز عاشورا

زیارت عاشورا باعث تقویت ارتباط با آن حضرت گردیده به ویژه وقتی که شرایط زیارت عاشورا را مراعات نمائیم و آن را نه فقط از لقلقه زبان و ظاهری بلکه باطنی و قلبی بخوانیم. پس از آن در مرحله عمل تا حد توان به آن جامه عمل بپوشانیم.

5. سقایت مردم در روز عاشورا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «هر کس در روز عاشورا و در کنار قبر حسین عَلَيْهِ السَّلَام به دیگران آب بنوشاند، مانند کسی است که لشگر حسین را سیراب کرده و در رکاب او به شهادت رسیده است.»⁽²⁾

6. خواندن زیارت عاشورا در هر روز

محدث نوری (ره) حکایت سید رشتی را چنین نقل می کند که حضرت مهدی عَجَلَّ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ به سید دستور خواندن نافله (خصوصاً نافله شب)، زیارت جامعه و زیارت عاشورا را می دهد و بعد از آن می فرماید:

ص: 94

1- نیلی پور، مهدی، سربازی مجازی عاشورا، ص 40 و 41

2- کامل الزیارة، ص 174، سربازی مجازی عاشورا، ص 42.

شما چرا نافله نمی خوانید؟ نافله، نافله، شما چرا عاشورا نمی خوانید؟

عاشوراء عاشوراء عاشورا! و بعد فرمود: شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه! (1)

از توبه یک اشاره از من به سر حرکت»

بنابراین باید مطیع سفارش مولای خویش باشیم و به فرازهای آن در صحنه زندگی جامه عمل پوشانیده و سرباز امام زمان عَجَلُ اللّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ و امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در زمان خویش باشیم.

تعلیمات اسلام در زنده نگه داشتن عاشورا

اشاره

از زنده نگاه داشتن مراسم عاشورایی غافل نمانده و کوشش کنیم آنها را به دیگران نیز گوشزد نمائیم. چرا که؛ آن تعالیم نجات بخش زندگی ساز بوده و سعادت آفرین است و نه تنها آدمی را عاشورائی نموده بلکه به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نزدیک تر می گرداند. با هم آن تعالیم را می خوانیم:

الف) سلام بر حسین عَلَيْهِ السَّلَام و لعنت بر یزید

در حدیث از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل گردیده است که بعد از نوشیدن آب از امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام یاد کنید، مثلاً بگوئید «یا حسین» و یا «سلام بر حسین».

و بر قاتلان امام حسین لعنت بفرستید مثلاً بگوئید: «لعنت بر یزید» این عمل فضیلتها و ثوابهای فراوانی دارد.

ب) کام نوزاد را با تربت امام حسین بردارید!!

هنگامی که طفل به دنیا می آید سفارش شده است که کام نوزاد را با تربت امام حسین و آب فرات بردارند، تا اطرافیان او در بدو ورود طفل به دنیا خط حسینی شدن و حسینی بودن را فراراهش قرار دهند.

ص: 95

1- انجم الثاقب، ص 60 مفاتیح الجنان، بعد از زیارت جامعه؛ انتظار، فصلنامه علمی تخصصی ویژه امام مهدی عَجَلُ اللّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ، سال اول، ص 192.

ج) حنوط میت به تربت حسینی

« حنوط یعنی مقداری تربت را پس از غسل میت به دست و صورت میت بمالند و این عمل مستحب است. این حرکت، خودشکلی دیگر از ژرفای فرهنگ عاشورا در زندگی پیروانش بوده است.»

د) قرار دادن تربت در کفن میت

مقداری از تربت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام را در کفن میت قرار میدهند که منبع این عمل روایت معصوم است.

و) درمان توسط تربت

در احادیث متواتری از ائمه معصومین روایت شده که تربت امام حسین باعث بهبود بیماران است بنابراین بیماران جهت درمان مقداری از آن را میل می نمایند.
از زندگی

تحلیلی امام حسین

ز) ذکر خدا با تسبیح تربت و سجده بر تربت حسین عَلَیْهِ السَّلَام به خدا

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام می فرمایند: «هر کس با تسبیح ساخته شده از تربت حسینی یک استغفار یا بیشتر

بگوید خداوند متعال 70 مرتبه برای او بنویسد و همانا سجده بر تربت حسین حجاب های هفتگانه را پاره می کند.»⁽¹⁾

ه) زیارت قبر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام

یکی از برترین اعمال زیارت حرم امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام است که فضیلت و ا

ثواب فراوانی دارد.⁽²⁾

ص: 96

1- وسائل الشیعه، ج6 ص 456

2- ر. ک و قمی، ابن قولویه، کامل الزیارات، مترجم: امیر وکیلان، نشر: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول؛ به بخش دهم کتاب حاضر مراجعه نمایند.

عزاداری واقعه خونین حسینی نیز آثار دنیوی و اخروی فراوانی دارد و با فضیلت های فراوانی همراه است که تاثیرات شگرفی بر روح و جسم انسان

می گذارد. (1)

برخی از شعارهای حسینی

ما اکنون به برخی از شعارهای ماندگار حسینی که الهام گرفته از قیام خونین کربلاست اشاره می نمایم که حضرت کربلا به آن شعارها جامعه عمل پوشانیده و با تحقق بخشیدن آن فرا راهمان قرار داده اند که همگی این شعارها گویای اهداف سعادت‌مندانانه و والای آن راهبر بزرگ و ابر مرد مظلوم است. با هم می خوانیم:

1- إِيَّيْ لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا؛ (2)

«من در چنین شرایطی مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز رنج و نکبت نمیدانم»

2- لَيْسَ الْمَوْتُ فِي سَبِيلِ الْعِزِّ إِلَّا حَيَاةٌ خَالِدَةٌ وَ لَيْسَتِ الْحَيَاةُ مَعَ الدُّلِّ إِلَّا الْمَوْتُ الَّذِي لَا حَيَاةَ مَعَهُ « مرگ در راه عزت جز زندگانی جاویدان نیست. و زندگانی با ذلت * جز مرگ نیست.»

3- «أَلَا وَإِنَّ الدَّعَى ابْنَ الدَّعَى قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَيْنِ بَيْنَ السُّلَّةِ وَالذِّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ»؛ آگاه باشید که زنازاده، پسر زنازاده (ابن زیاد) مرا بین دو چیز مخیر ساخته است. یا با شمشیر کشیده آماده جنگ شوم و یا لباس ذلت بپوشم و با یزید بیعت کنم، ولی ذلت از ما بسیار دور است.

ص: 97

1- به بخش یازدهم کتاب حاضر مراجعه نمایید

2- تاریخ دمشق، ج 14، ص 218

4- «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بُلِّيتِ الْأُمَّةُ»

براع مثل یزید»(1) «ما برای خدا و به سوی او رجوع خواهیم کرد. هنگامی که امت به رهبری مانند یزید مبتلا است باید با اسلام وداع کرد.»

5- «إِنِّي لَمْ أَخْرَجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا، وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرِهِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»(2) «من به جهت طغیان گری و ایجاد تفرقه بین مسلمین و فساد و ظلم قیام نکردم، بلکه برای اصلاح در امت جد خود خروج نمودم، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کرده و به سیره جد و پدرم علی بن ابی طالب عمل کنم.»(3)

در شعارهای حسینی مذکور امام علیه السلام زندگی با ستمگران را رنج و نکبت عنوان فرموده است، و مرگ را سعادت‌مندانه توصیف نموده؛ چرا که تحلیل‌لیل همانگونه که در علل قیام آن امام همام بیان کردیم نباید زمامدار جامعه امام حسین علیه السلام یک فرد ستمگر، عیاش و سگ باز باشد که نه تنها هیچگونه تعهدی در قبال مردم حس نمی کند بلکه با فریب آنان مردم را ملعبه خویش می نماید. در چنین شرایطی آن حضرت لباس رزم پوشید، و برای امر به معروف و نهی از منکر قیام نمود و درس آزادی و آزادگی را به جهانیان آموخت.

ص: 98

1- مقتل خوارزمی، ج 1، ص 184.

2- بحار الانوار، ج 44، ص 328

3- رضوانی، علی اصغر، مردم می پرسند، نشر: عطر عترت، چاپ اول، ص 15 و 16.

بخش ششم: ویژگی ها و فضائل

اشاره

ص: 99

مکارم، صفات و ویژگی های اخلاقی سیدالشهداء فراوان است، که با آنها میتوان کتابها نوشت. آن راهبر والا مظهر مظلومیت و ابر مرد تاریخ بوده که با هر ویژگی خویش در طول تاریخ بزرگترین الگوی انسانیت به شمار میرود. و همگی ملتها و جوامع در طول تاریخ از او درسهای معنوی فراوانی همچون، جود، سخاوت، بخشندگی، ایثار، شجاعت، بر پای داشتن نماز، امر به معروف و نهی از منکر و حق طلبی گرفته اند اکنون با هم به بررسی صفحه ای از کتابهای مکارم و فضیلت های اخلاقی آن حضرت پرداخته تا، صفتی از آن صفات را فراراه خویش قرار داده تا از بشریت فاصله گرفته و بارشد، تکامل و شدن خویش به انسانیت برسیم با هم آن مکارم، ویژگیها و صفات را می خوانیم:

1. امام حسین علیه السلام انسانی سراسر معنوی بوده است.

بین او و خداوند تبارک و تعالی نه تنها حجابی نبوده، بلکه عشق به معبود آنهم در بالاترین مرتبه آن در سراسر وجود او شعله ور بوده است. آنهم مرتبه والای عشق که مکان ها و زمان ها را در نور دیده است. نمونه ای از معنویت والای آن امام دعای عرفه است. دعایی که هر شخص

ص: 100

با خواندن آن انسانی معنوی شده و به قرب الهی نزدیک می شود گاهی نیز تا حد توان حجابها را کنار میزنند.

نمونه دیگر آن روز عاشورا است که شاعر در اشعار زیر عشق بازی آن امام همام عَلَیْهِ السَّلَام با باری تعالی را به نظم در آورده است با هم زمزمه می نمائیم :

در شب اسرا شنیدم نغمه ای راز سوزی در کنار خیمه ای

نیمه شب بود و صحرا خواب بود عشق بود و دامن مهتاب بود

بسکه لالایی برایش گفته بود چشم اصغر اشک ریزان خفته بود

آنکه چشمش نافذ و الماس بود پاسدار خیمه ها عباس بود

میشنیدم در میان جمع مست یکصدا خاموشی شب را شکست

شمع جمع خیمه را خاموش کرد خیل مستان را سراپا گوش کرد

ای خدا این سینه و این تیرها این سر شوریده و شمشیرها

این من و این نیزه های بیشمار این من و باران تیر از هر کنار

این من و این تشنه کامان این من و این چشم جاری چون فرات

این من و این قلب زخمی از فراق این من و رگهای مجروح از نفاق

این من و این بیکرانی از عدو این من و معراج سرخم پیش رو

زندگی را عشق معنا می کند شبم خون غنچه را وا می کند

با خدا گفتیم در سوز قنوت نیست در قاموس ما ننگ و سکوت (1)

2. نماز و راز و نیاز

اشاره

ویژگی و فضیلت دیگر تاکید و سفارش به نماز بیان گردیده تا جایی که آن امام همام هر شبانه روز هزار رکعت نماز برپای می داشته و یا در ظهر عاشورا در جلوی تیر و تیزه های دشمن به همراه یاران خویش نماز جماعت را اقامه می نمودند:

1- همسایه آفتاب، نشر: جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ص 75-7.

امام سجاده عَلِيهِ السَّلَام فرمود: پدرم امام حسین عَلِيهِ السَّلَام در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند. (1)

ب) درس آموزنده نهضت سالار شهیدان

یکی از درسهای آموزنده نهضت سالار شهیدان، حضرت حسین بن علی عَلِيهِ السَّلَام پیوندش آن با عبادت و نماز است، به گونه ای که ظهر خونین عاشورا، برای همیشه، همراه با کلمه نورانی «نماز» در خاطر تاریخ مانده است و یکی از شهدای کربلا نیز در هنگامی به شهادت رسید که از امام حسین عَلِيهِ السَّلَام محافظت می کرد تا آن اسوه نمازگزاران، نماز بخواند. این درسی است که اهمیت نماز را بیان می کند و غفلت از آن هرگز روا نیست. اکنون به سطرهایی از تاریخ کربلا، که از نماز ظهر عاشورا سخن می گوید دقت کنید: «ابو ثمامه عمر و بن عبدالله صاندی» چون قتل پی در پی باران را دید،

به حسین عَلِيهِ السَّلَام عرض کرد: یا ابا عبدالله! فدایت شوم! این لشگر به تو نزدیک

شده اند، اما تا ما کشته نشویم تو را نکشند، من دوست دارم و اگر خدا بخواهد نماز را که اینک وقت آن رسیده است بر پای دارم و آن گاه نزد خدا روم!

حسین عَلِيهِ السَّلَام فرمود: نماز را یاد آور شدی، خدا تو را از نمازگزاران قرار دهد،

آری اول وقت است، از اینان بخواهید از ما دست بردارند تا نماز بخوانیم.

چون این پیام به دشمن رسید، حصین بن تمیم گفت: نماز شما قبول نیست.

حبيب بن مظاهر پاسخ داد: به گمان تو نماز خاندان پیامبر قبول نیست؟

ولی نماز میخواره ای چون تو قبول است؟

ص: 102

1- موسوعه الکلمات الامام حسین علی، ص 685 برگرفته از دیلمی، حسین، کتاب نکته های نورانی، نشر: ستاد اقامه نماز، چاپ اول،

امام عَلِيهِ السَّلَام به زهیر بن قین و سعید بن عبدالله حنفی دستور داد، از هجوم دشمن پیشگیری کنند، سپس آن حضرت نماز ظهر را با نیمی از یارانش به پا داشت. و چون در محاصره دشمن بود نماز خوف بجا آورد.

گفته اند که سعید بن عبدالله حنفی، جلوی حسین عَلِيهِ السَّلَام ایستاد و خود را هدف تیرهای دشمن قرار داد، او پیوسته از امام نگاهبانی می کرد و به گونه ای که حسین عَلِيهِ السَّلَام به هر سو که می گردید او پیش رویش خویشتن را سپر

می ساخت، تا هنگامی که بر اثر اصابت تیرهای بسیار توانش را از دست داد و بر زمین افتاد و در این حال می گفت:

پروردگارا! لعنت عاد و ثمود را بر آنها بفرست و پیامبرت را از جانب من سلام برسان و آنچه از درد و زخم را که به من رسیده است، به او ابلاغ کن، که من در یاری فرزند دختر پیامبرت تنها پاداش تو را خواهانم.

سپس جان به جان آفرین تسلیم کرد، در حالی که به جز زخم نیزه و شمشیر سیزده زخم تیر بر تن داشت. (1)

ج) دعا و راز و نیاز

امام حسین عَلِيهِ السَّلَام همیشه با خدای خویش راز و نیاز می نمود. دعاها و گوناگونی از آن حضرت بر جای مانده که انسان ساز بوده و یک دوره؟ معارف اسلامی است.

همانطور که قبلاً بیان کردیم، دعای امام حسین در روز عرفه حکایت از راز و نیاز طولانی آن حضرت با خداوند بزرگ دارد، دعای امام در مشکلات، دعایی که امام حسین عَلِيهِ السَّلَام روز عاشورا به امام سجاد آموخته اند، دعا در صبح عاشوراء دعای باران، دعا در صبحگاهان و شامگاهان، دعای جامع، دعای امام در کعبه، دعا در سجده و دعا در قبرستان و دعاها و دیگر که همگی آنها سرشار از معنویت بوده و موجب تغذیه روح است.

ص: 103

1- مقتل الشمس، ص 217-218؛ به نقل از دیلمی، حسین، نکته های نورانی، ص 75 و 76.

بدون تردید آن حضرت والاترین الگوی دعا و راز و نیاز با خداوند متعال بوده و ما نیز به سهم خود باید از امام و پیشوای خویش درس گرفته، و دعاهای آن حضرت را در اوقات ویژه آن زمزمه کنیم. و به خداوند بزرگ تقرب جوئیم.

3. شجاعت و شهامت

اشاره

او در سراسر عمر شریف خویش نه تنها لحظه ای نترسیده بلکه همیشه مظهر و الگوی شجاعت و شهامت بوده است، دلیل آشکار آن مبارزه امام حسین علیه السلام با معاویه و پسرش یزید ملعون است که در صحرای کربلا تجلی پیدا کرده است با هم نمونه ای دیگر را می خوانیم:

شجاعت در برابر زورگو

ولید بن عقبه که از جانب عثمان استاندار مدینه بود، قسمتی از زمین زراعتی امام حسین را تصرف کرده و از این لحاظ به حق آن حضرت تجاوز نمود، امام حسین به ولید اعتراض کرد، هنگامی که احساس کرد ولید در زورگویی اصرار دارد، شال سر او را از سرش برداشت و به گردش پیچاند و محکم کشید به طوری که نزدیک بود ولید خفه شود. مروان از این شجاعت امام حسین در برابر زورگو، تحت تاثیر قرار گرفت امام حسین علیه السلام رو به ولید کرد و گفت:

بِاللَّهِ مَا رَأَيْتُ كَالْيَوْمِ جُرْأَةً رَجُلٍ عَلَيَّ أَمِيرِهِ سَوَّغَنْدَ بِهِ خُذًا! تا امروز ندیدم مردی این چنین به رئیس خود جرأت و صلابت داشته باشد. (1)

4. غیرت

اشاره

امام علیه السلام مظهر غیرت بوده و لحظه ای از اصول و مبانی خود در برابر ظالمان و بدعت گزاران کوتاه نیامده تا آنجا که در این راه از مال و جان خود نیز گذشته است:

ص: 104

1- بحار الانوار، ج 44، ص 191؛ احسن القصص، ج 7، ص 123.

الف) هرگز دست ذلت به شما نخواهم داد.

او در روز عاشورا با صدای بلند فرمود:

هرگز دست ذلت (تسلیم و بیعت) به شما نخواهم داد و مانند غلامان، اقرار به گناه نمی‌کنم (چراکه) خداوند و رسول او و اهل ایمان به آن راضی نیستند.»(1)

ب) به حرم من تجاوز نکنید

در روز عاشورا هنگامی که لشکر عمر سعد به خیام حرم حمله ور شدند.

امام حسین علیهم‌السلام فریاد زدند:

ای دوستان آل ابی سفیان اگر دین ندارید و از روز قیامت پروا ندارید. در این دنیا آزاد مرد باشید و اگر بر اساس گمان خود عرب هستید به شب خود مراجعه کنید.

شمر ملعون صدا زد. پسر فاطمه چه می‌گویی؟

امام حسین علیهم‌السلام فرمود: من با شما جنگ دارم و شما با من، زنان گناهی

ندارند. تا زمانی که من زنده ام به حرم من تجاوز نکنید. (2)

5. جوانمردی

جوانمردی یک از خصلت‌های و خوی‌های پسندیده است، امام حسین نیز مظهر جوانمردی و گذشت بوده اند. تاریخ گواه این مدعاست.

قبل از واقعه کربلا حربین یزید ریاحی با هزار نیروی نظامی راه را بر امام حسین علیهم‌السلام که در مسیر کربلا در حرکت بود، بست ولی امام حسین علیهم‌السلام ملاحظه کرد که سپاه دشمن از تشنگی سخت در عذاب اند. به جوانان خود فرمان داد، شتاب کنند و به آنها و اسبهایشان آب دهند. (3) علی بن طعان محاربی می‌گوید:

ص: 105

1- بحار الانوار، ج 45، ص 7

2- مقرر، عبدالرزاق، مقتل مقرر، ص 267

3- ره توشه عتبات عالیات، ص 213

«من آخرین نفر از سپاه حر بودم که به آنجا رسیدم، تشنگی بر من و مرکبم چیره شده بود، چون حسین علیه السلام حال عطش من و مرکبم را دید؛ امر کرد تا شتر خود را بخوابانم، شتر را آب دادم و آن حضرت خود شخصا با دست مبارکش مشک آب را به دهان من گذاشت و سیرابم کرد.»(1)

6. گذشت و عفو

اشاره

سیدالشهداء مظهر عفو و گذشت بوده به همین علت با بخشش گناه آنان را در مسیر ترقی و تعالی قرار داده اند، با هم دو نمونه از آن را مرور می کنیم:

الف) عفو و بخشش عصام بن مصطلق

در بعضی از کتاب های اخلاق نقل شده است که عصام بن مصطلق گفت: در مدینه معظمه وارد شدم حسین بن علی علیه السلام را دیدم، جمال زیبا و هیتی که داشت، و نیز حرکات و سکنت او مرا به تعجب واداشت و حسد باعث شد که آن کینه ای که از پدرش داشتم ظاهر کنم، به او گفتم: پسر ابوتراب تویی؟

فرمود: بلی. وقتی جوابم را گفت آنچه توانستم به او و پدرش - نعوذ بالله - دشنام و ناسزا گفتم. امام حسین علیه السلام از روی عطوفت و مهربانی نگاهی به من کرد و فرمود:

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم،

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ* وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ* إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ* وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ(2)

ص: 106

1- بحار الأنوار، ج 44، ص 376، برگرفته از ره توشه عتبات عالیات، ص 213.

2- سوره اعراف، آیه 199 - 202.

از شیطان ملعون رانده شده به خدا پناه می برم، بنام خداوند بخشنده مهربان، عفو و بخشش را پیشه خود ساز و به خوبی و شکیبایی امر کن و از مردم نادان روی بگردان * و چنانچه شیطان خواست ترا وسوسه کند به خدا پناه ببر، همانا او شنوا و داناست * اهل تقوا هنگامی که دچار خیالات و وسوسه های شیطانی می شوند خدا را به یاد می آورند فوراً بخود می آیند و آگاه می شوند و شیاطین برادران خود را در ضلالت و گمراهی می کشانند و سپس در گمراه کردن آنها هیچگونه کوتاهی نمی کنند.

و بعد از تلاوت این آیات به من فرمود:

قدری آهسته تر باش و آرامش خود را حفظ کن، من برای خودم و برای تو از خداوند آمرزش می طلبم، اگر کمکی خواسته باشی تورا کمک، و اگر عطا و بخششی طلب کنی به تو می بخشیم، و اگر راهنمایی خواسته باشی تورا راهنمایی مینمائیم. عصام گوید: من از گفته های زشت خود پشیمان شدم و امام اسلام چون آثار شرمندگی را در چهره ام مشاهده کرد فرمود:

ملامت و سرزنشی بر شما نیست، خداوند شما را می آمرزد، و او از همه مهربان تر است. (1)

بعد به من فرمود: آیا از اهل شام هستی؟ عرض کردم: بلی. فرمود: شنشنه أعرفاها من أخرم (2)، سپس امام حسین عیلام فرمود: «حیانا لله وایاک» یعنی خداوند ما و شما را باقی بدارد و زنده نگهدارد، و بعد از آن فرمود: بدون اینکه خجالت بکشی اگر حاجتی داری از ما بخواه، و اگر خواسته ات را گفتمی ما را برتر از گمان خود خواهی یافت. عصام گوید: زمین با همه وسعت آن بر من تنگ شد و دوست داشتم شکافته شود و من به زمین فروروم، دیگر

ص: 107

1- سوره یوسف، آیه 92

2- این ضرب المثل است در مورد کسی به کار می رود که از نظر بدخلقی به پدرانش شباهت دارد.

از خجالت بیشتر نتوانستم بمانم، کم کم به کناری رفته و دور شدم، ولی روی زمین از او و پدرش نزد من کسی محبوب تر و دوست داشتنی تر نبود. (1)

ب) عفو و بخشش غلام

روزی حسین بن علی علیه السلام با قومی از صحابه و بزرگان عرب، بر سر خوان نشسته بودند و لباس رومی گران مایه نو پوشیده بودند و دستاری به غایت نیکو بر سر بسته بودند. غلامی خواست که کاسه ای غذا در پیش او بنهد. از قضا، کاسه از دست غلام رها شد و بر سر و دوش حسین بن علی السلام آمد و دستار و لباس، از خوردنی آلوده شد و خشمی در حسین پدیدار آمد و از خجالت، رخسار او بر افروخت و در غلام نگریست. غلام،

چون چنان دید بترسید که او را ادب فرماید. گفت: وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ

حسین علیه السلام روی تازه کرد و گفت: «ای غلام، تو را آزاد کردم تا به

یکبارگی از خشم من ایمن گردی» همه حاضران را از آن حلم و بزرگواری حسین علیه السلام در چنان حال، عجب آمد و پسندیده داشتند. (2)

7. بخشش و سخاوت

اشاره

آن حضرت، منبع جود و سخا و بخشش بوده و به اطرافیان خویش کمکهای شایان توجهی نموده. به ایتام فقرا، بینوایان و بیچارگان نیز از روی جود و سخا یاری رسانیده است، با هم سه نمونه از آن را می خوانیم:

الف) مردی از انصار و بخشش امام

مردی از انصار محضر امام حسین علیه السلام رسید، خواست نیاز خود را مطرح کند، امام فرمود:

ص: 108

1- سفینه البحار: 116/2، معالی السبطين: 60 علامه مستنبط، سید احمد، القطره، ج 1، ص 463-465

2- راههای رسیدن به موفقیت و خوشبختی، ج 1، ص 75.

برادر انصاری آبرویت را از درخواست بخشش با زبانت نگهدار! هر چه می خواهی در نامه ای بنویس و بیاور که من به خواست خداوند بقدری به تو خواهم داد که تو را خوشحال کند.

آن مرد نوشت:

یا ابا عبدالله! فلان شخص پانصد دینار از من طلبکار است و به من فشار آورده و من اکنون امکان پرداخت ندارم. خواهش می کنم با او صحبت کن که به من مهلت دهد تا روزی که وضع مالیم بهتر شود.

امام عَلَیْهِ السَّلَام پس از خواندن نامه داخل منزل شد و کیسه ای همراه خود

آورد که هزار دینار در آن بود به او داد و فرمود:

با پانصد دینار آن قرضت را بده و پانصد دینار آن را خرج زندگیت کن! سپس فرمود: حاجت خود را جز به سه نفر مگو، (1) آدم دیندار، (2) با مروت، (3) آبرودار

چون شخص دیندار به خاطر دینداریش به تو کمک خواهد کرد. انسان با مروت از مروتش حیا کرده، به تو کمک خواهد نمود. و انسان آبرودار می فهمد که تو آبرویت را در راه این حاجت گذاره ای و بدون جهت اینکار را نکرده ای، حتما مشکلی برایت پیش آمده است از این رو آبرویت را حفظ نموده و حاجت تو را برمی آورد.

(ب) بخش اموال

وقتی مروان، فرماندار مدینه، فرزاد شاعر را بیرون کرد، پناه به حضرت ابا عبدالله عَلَیْهِ السَّلَام آورد، امام چهارصد دینار به او بخشید و او را مورد محبت قرار داد. برخی به امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام اعتراض کردند که فرزاد شاعر خوش نامی نیست چرا به او کمک کردی؟

ص: 109

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود: بهترین اموال تو آن است که با آن آبروی خود را حفظ کنی، آنگاه که رسول خدا** و به کعب بن زهیر پاداش داد، فرمود: با پاداش دادن، زبان عباس بن مرداس را نسبت به من ببندید. (1)

ج) پرداخت قرض دوستان

روزی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام برای عیادت «اسامه بن زید» به خانه او رفت که سخت بیمار بود. وقتی نگاه او به امام افتاد آهی کشید و از اندوه خود یاد کرد.

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود: ای برادر چه اندوهی داری؟ اسامه گفت: اندوه من قرض فراوان است، من شصت هزار درهم بدهکارم. امام فرمود: ادای دین تو بر عهده من است. اسامه گفت: می ترسم از دنیا بروم و قرض من پرداخت نگردد. امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود: پیش از آن مرگ تو فرارسد من قرض تو را می پردازم. سپس آن حضرت تمام قرض های اسامه را پرداخت کرد. (2)

8. علم و دانش

اشاره

علم و دانش امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام از مرتبه والایی برخوردار بوده و با علم و امامت از اخبار غیبی نیز آگاهی داشته است همانگونه که سالها قبل از شهادتشان خبر شهادت خویش را بیان فرموده بودند:

الف) آگاهی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام

عبدالله بن عباس می گوید:

در حضور امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام نشسته بودم که عرب بادیه نشین وارد شد و عرض کرد: شترم گم شده است و چیزی جز آن ندارم. تو فرزند پیامبری، مرا به آن راهنمایی کن حضرت فرمود: به فلان جا برو، شترت آنجاست و

ص: 110

1-1. فرهنگ سخنان امام حسین، ص 12. 2، بحار الانوار، ج 78، ص 118، احسن القصص، ص

2- همان، ص 78.

در برابر او شیری ایستاده است. آن مرد به آن ناحیه رفت و شتر خود را همانگونه که حضرت فرموده بود یافت. (1)

ب) علم اهل بیت علیهم السلام و کمک جبرئیل

جعید همدانی از یاوران امام حسین علیهم السلام بود که همراه امام در کربلا به شهادت رسید چون در طول سفر دهها نمونه از علم و آگاهی را دیده و شنیده بود، که با واقعیتها انطباق دارد، و دقیقا از آینده و سرنوشت افراد و قبائل خبر می دهد از امام حسین علیهم السلام پرسید، جانم فدای تو یا اباعبدالله چگونه نسبت به افراد و آینده آنان اینگونه دقیق اظهار نظر می فرمائید؟

امام حسین علیهم السلام فرمود: ای جعید! ما به روش خاندان داوود پیامبر صلی الله علیه و آله قضاوت می کنیم و هرگاه نسبت به مسئله ای در مانده شویم، حضرت جبرئیل ما را کمک می کند. (2)

بالتبع امام حسین علیهم السلام به هر علمی آگاهی داشته اند چنانکه در پاسخ

پرسش هایی که پادشاه روم در مورد کهکشان و برخی از مسائل تکوینی دیگر از امام کرد، حضرت ضمن جواب به آنها، به دانش و احاطه فراوان و خود نسبت به آیات آفاقی و انفسی چنین اشاره می فرماید:

تو از چیزهایی پرسیدی که در برابر گستردگی علم من چون خاشاکی در پهنای دریا باشد. (3)

9. نواضع و فروتنی

اشاره

امام حسین علیهم السلام

مظهر تواضع بوده و در زندگی نه تنها لحظه ای کبر و غرور به ایشان راه نیافته، بلکه همیشه فروتنی را به معنای واقعی کلمه

ص: 111

1- فرهنگ جامع سخنان امام حسین علی، ص 717.

2- همان، ص 295

3- تحف العقول، مترجم: صادق حسن زاده، نشر: آل علی، چاپ هفتم، ص 421، (پاسخ امام حسین علیهم السلام به امپراطور روم)

مراعات نموده و تواضع آن حضرت زمان و مکان را در نور دیده است، اکنون با هم پای درس تواضع و فروتنی امام عَلِيهِ السَّلَام مینشینیم:

الف) مظهر تواضع (1)

مجلسی (ره) می نویسد:

یک روز امام حسین **علیم عبور می کرد که گروهی نان خشک در عبا ریخته می خوردند و چون حسین رسید گفتند: بفرمائید ای پسر رسول خدا. پسر پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ آمد کنار آنها نشست و با آنها هم غذا شد و گفت: خداوند گردنکشان و متکبران را دوست ندارد، اکنون شما هم به مهمانی من حاضر شوید.

چون آنها به خانه حسین بن علی آمدند، فرمود: برای آنها انواع غذا تهیه کنید آنها را به اطعام و اکرام خشنود ساخت. (1)

ب) مظهر فروتنی (2)

امام باقر عَلِيهِ السَّلَام نقل می کند: روزی امام حسین عَلِيهِ السَّلَام پیاده بسوی باغ خود در سرزمین «حره» می رفت در بین راه «نعمان بن بشیر» سوار بر قاطر با امام ملاقات کرد، پس پیاده شد، و مرکب را نزد امام برد و گفت: یابن رسول الله سوار شوید و آن حضرت امتناع ورزید و سوار نشد. نعمان چند بار سخن خود را تکرار کرد و سپس امام را سوگند داد که سوار شود، اینجا بود که امام اظهار داشت:

حال که مرا سوگند دادی، مرا وادار به کاری کردی که در دل کراحت داشتم، پس خودت سوار شو و من نیز پشت سر تو سوار خواهم شد، زیرا من از حضرت فاطمه دختر محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ شنیدم که می فرمود: رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فرمود، هر انسانی برای سوار شدن بر مرکب خویش از دیگران سزاوارتر است

و در خوابیدن بر بستر خویش از دیگران سزاوارتر است، و برای نماز جماعت در منزل خویش از دیگران سزاوارتر است، مگر مردم شخص دیگری را انتخاب کنند که در این صورت می توانند به دیگری اقتداء کنند.»

ص: 112

نعمان بن بشیر گفت: راست گفت دختر رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ هُمْ از پدرم بشیر شنیدم که همین روایت را رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود، و در پایان از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نقل کرد که مگر آنکه صاحب مرکب اجازه دهد. (1)

ج) تواضع در همه ابعاد زندگی

افراد نادان به اندک چیزی از مال یا مقام باد در بینی می اندازند و به دیگران به نظر حقارت نگاه می کنند و مایلند فکر و نظر خود را بر مردم تحمیل کنند.

حسین عَلِيهِ السَّلَام در نزد مردم بسیار محترم بود وقتی او و برادرش امام مجتبی عَلِيهِ السَّلَام پیاده به حج می رفتند تمام رجال و شیوخ صحابه که با آنها بودند به احترامشان از مرکب ها پیاده می شدند و پیاده می رفتند، این احترام به حسین عَلِيهِ السَّلَام در نفوس نه برای آن بود که حسین کاخ مجلل داشت یا مرکب های سواری او گران قیمت بود یا غلامان و سربازان پیشاپیش یا دنبال موکب او می رفتند یا آنکه مسجد پیغمبر را برای او خلوت می نمودند و راهها را در موقع آمد و شد او بر مردم می بستند، نه!

برای هیچ یک از اینها نبود. حسین با مردم زندگی می کرد و از مردم جدا نبود، در نهایت سادگی و تواضع بود، همه ساله پیاده به حج می رفت، چه با مردم نشست و برخاست، و آمد و شد داشت، با فقراء معاشرت می کرد، در نماز جماعت حاضر می شد، به عیادت بیماران می رفت، در تشیع جنازه ها شرکت می کرد. در مسجد جدش پیغمبر با دوستان و اصحابش می نشست. دعوت فقرارا می پذیرفت و آنها را میهمان مینمود، خودش برای محتاجان، بینوایان، بیوه زنان و یتیمان، نان و غذا می برد.

وقتی سپاهیان ستم پیشه و سنگدل کوفه بدن مطهرش را عریان بر خاک افکندند بر شانه مبارکش نشانه از برداشتن بار می دیدند، از علت آن پرسیدند، حضرت سجاد عَلِيهِ السَّلَام

فرمود:

ص: 113

اثر آن انبناها است که در مدینه به دوش مبارک برمی گرفت، و به خانه های فقراء و ایتام و بیوه زنان می برد. (1)

10. سادگی و ساده زیستی

اشاره

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام با وجود اینکه امام و پیشوای مسلمانان بوده ولی در کمال سادگی زندگی نموده است نمونه ای از ساده زیستی آن حضرت را می خوانیم:

سادگی در ازدواج دختر

می دانیم که یکی از راه حل های مهم مشکلات نسل جوان ازدواج است، اما هر روز از طرف خانواده پسر و دختر، مراسم و آداب سنگین و خرافاتی مطرح می شود که بسیاری از جوانان نمی توانند دین خود را با ازدواج حفظ کنند. باید از حضرت اباعبدالله عَلَیْهِ السَّلَام درس بگیریم. وقتی پسر برادرش حسن بن حسن از دختر امام خواستگاری کرد.

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود: ای برادر زاده ام! من منتظر این خواستگاری بودم با من بیا سپس دست برادر زاده را گرفت و به منزل برد و او را در انتخاب یکی از دختران، فاطمه و سکینه آزاد گذاشت.

او گفت: فاطمه را انتخاب کردم. امام عَلَیْهِ السَّلَام فوراً صیغه عقد را خواند و ازدواج با همین سادگی سامان یافت. سپس خطاب به برادر زاده خود فرمود:

من هم برای تو دخترم فاطمه را انتخاب کرده بودم. زیرا او از دیگر دختران من بیشتر به مادرم فاطمه زهرا دختر رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ شَبَاهت دارد. (2)

امروزه با تشریفات آنچنانی، مهریه های سنگین، شروط ضمن عقد کمرشکن و خرج های گزاف بقدری ازدواج حالت تجملاتی به خود گرفته که جوانان از این امر مهم مذهبی سرباز می زنند.

ص: 114

1- آیت الله صافی، لطف اله، مصباح هدایت، نشر: مولف، چاپ اول، ص 23 و 24.

2- آغانی، ج 16، ص 142، کشف الغمه، ج 1، ص 579، مقاتل الطالبین، ص 180؛ فرهنگ سخنان امام حسین، ص 202.

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام مظهر تمامی صفات، ویژگی ها و مکارم اخلاقی بوده و همه صفات در ذات ایشان به حد اعلای مرتبه وجود داشته و از تمامی رذیلت های اخلاقی به معنای واقعی کلمه پاک و مبرا بوده است. چنانکه در مورد این موضوع می توان کتاب ها نوشت تا ذره ای از مکارم اخلاقی آن حضرت بیان شده باشد، ما هم بنا به اختصار کلام به همین ده مورد از صفات و ویژگی های آن امام همام عَلَیْهِ السَّلَام اکتفا می نمایم.

ص: 115

بخش هفتم : از ژرفای کرامات حسینی عَلَیْهِ السَّلَام

اشاره

ص: 117

نوه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ از هنگام به دنیا آمدن تلاوت قرآن می کرد، زیرا او و قرآن دو ثقل رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بودند. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ با صراحت گفته بود که این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا اینکه کنار حوض کوثر بر من وارد گردند به همین دلیل حسین عَلَيْهِ السَّلَام پیوسته در مدت زندگی خود برای تبلیغ و ارشاد مردم قرآن تلاوت می کرد چه در سفر و چه در غیر سفر حتی در روز عاشورا در جلوی لشکر دشمن قرآن خواند تا آنکه اتمام حجت کند و راه درست را نشان دهد فرزند رسول این چنین به سمت هدف مقدس خود می شتافت تا آنجا که سر مطهر او هم روی نیزه قرآن خواند، تا شاید در بین این مردم کسی باشد که نور حق دلش را مزین کند. اما این هدایت کننده به حق با دل‌های مهر شده و درک ناقص و کری گوشها مواجه شد.

سخن گفتن سر مقدس

خداوند دل‌های آنها را مهر زده و بر چشم و گوش آنها پرده آویخته است.

این مطلب برای کسی که اسرار الهی را درک می کند شگفتی ندارد.

خداوند پاک پس از آنکه نهضت حسین عَلَيْهِ السَّلَام را به خاطر بستن درهای گمراهی بر امام عَلَيْهِ السَّلَام واجب کرد آن هم به آن شکل خاص در زمان و مکان معین و با آن کیفیت و آنهم به خاطر مصالحی که فقط خداوند می داند. به رسول خود وحی می کند که این صفحه خاص را بر فرزندش

حسین علیه السلام را قرائت کند، و راهی جز تسلیم و رضا و خضوع در برابر مصلحت مورد رضای حق وجود ندارد.

خداوند در قبال کارهایش مورد سوال واقع نمی شود و این بندگان هستند که مورد سوال واقع می شوند از آنجایی خواست خداوند این بود که به وسیله این قیام مقدس به امت حاضر و شایستگان آینده، گمراهان و بازی کنندگان با شریعت را معرفی نماید. از این روی می خواهد هر آنچه که اساس این شهادت را محکم کند ظاهر گرداند پس به شگفتیهایی پیچیده می شود که درک کوتاه به آن دست نیابد و از جمله سخن گفتن از سر بریده برای اتمام حجت بر کسی که شہوات او را کور کرده رساتر است. سخن گفتن سر بریده عقاید را بر حقانیت دعوت امام علیه السلام متمرکز می کند که قصدی جز اطاعت از حق نداشت و هم چنین وخیم بودن عاقبت کسانی که دست از دشمنی او برداشتند چنانچه سخن گفتن سر بریده مردم را بر گمراهی کسانی متوجه کرد که در این شتم و طغیان جری بودند. و به هیچ وجه شگفتی ندارد که خداوند به سر بریده امام علیه السلام این امکان را بدهد آنهم بخاطر مصالحی که ما از رسیدن به کنه آن در مانده ایم.

همانگونه که به یک درخت قدرت سخن گفتن با موسی بن عمران را داد. (1) و آیا یک درخت با سر بریده شده در راه خدا قابل مقایسه اند؟ هرگز، زید بن ارقم می گوید: من در اطاق خود نشسته بودم. سر را از جلوی من عبور دادند در حالی که قرآن می خواند:

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا (2)

آیا گمان می کنی که اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ما بودند. زید می گوید: تم لرزید و گفتم ای فرزند رسول خدا! صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به خدا قسم سر تو

ص: 119

1- مقرر، عبدالرزاق، مقتل مقرر، ص 309-312، الدر المنثور، ج 2، ص 119؛

2- سوره کهف، آیه 9.

عجیب تر و عجیب تر است. (1) و زمانی که سر مقدس امام علیّه السلام را در محلی از بازار که ازدحام مردم بود قرار دادند امام علیّه السلام برای اینکه توجه مردم را به خود جلب کند با صدای بلند سرفه کرد. مردم متوجه سر بریده شدند و با هراس نگاه کردند زیرا قبل از آن روز نشینده بودند که سر بریده‌های سرفه کند. در این هنگام سوره کهف را خواند تا رسید به این آیه: **إِنَّهُمْ فَتِيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا**

اینان جوانمردانی بودند که به پروردگار خود ایمان آوردند و ما بر

هدایت آنها افزودیم و نمی افزائیم بر ستمکاران مگر گمراهی را»

سر امام علیّه السلام را بر درخت آویختند. مردم اجتماع کرده و به نور آن سر هم چنان نگاه می کردند. ناگاه امام این آیه را قرائت کرد: (2)

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (3) «زود است که ستمکاران بدانند به چه جایگاهی باز می گردند.»

هلال بن معاویه می گوید: مردی که سر امام علیّه السلام را حمل می کرد سر امام اعلیّه السلام به او خطاب کرد و گفت:

میان سر من و بدن من جدایی انداختی خداوند میان گوشت و استخوانت جدایی اندازد و تو را نشانه ای برای جهانیان قرار دهد. در این لحظه مرد حامل سر تازیانه را بلند کرد و بر سر مقدس امام علیّه السلام زد تا آنکه ساکت شد. (4)

1- همان، الارشاد، شیخ مفید ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ج 1، ص 362 می گوید: زید بن ارقم از منحرفین از علی السلام بود چون شهادت به ولایت امیرالمومنین در رزو غدیر را کتمان کرد. علی ایلام دعا کرد که کور شود و او کور شد تا هنگام مرگ و در کامل ابن اثیر ج 4، ص 24 آمده که ابن زیاد دستور داد که سر مقدس حسین علیت را در کوچه و بازار بگردانند.

2- همان، ابن شهر آشوب، ج 2، ص 188.

3- سوره شعرا، آیه 227

4- همان، شرح قصیده ابی خراس، ص 148. ص: 120

سلمه بن کهیل شنید که سر مقدس امام عَلِيهِ السَّلَام روی نیزه چنین قرائت می کند(1)

فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ خداوند آنها را کفایت می کند و او شنوای داناست.(2)

ابن وکیده می گوید: شنیدم که سر مقدس امام عَلِيهِ السَّلَام سوره کهف را می خواند من شک نمودم که آیا این صدا از سر مقدس است یا از شخص دیگری. امام عَلِيهِ السَّلَام قرائت را قطع کرد و متمایل من شد و فرمود: ای پسر وکیده آیا نمی دانی که ما امامان زنده ایم و نزد خداوند روزی می خوریم.

وی می گوید: من تصمیم گرفتم سر امام عَلِيهِ السَّلَام را به سرقت برده ودفن کنم.

در این هنگام سر امام عَلِيهِ السَّلَام خطاب به من گفت:

ای پسر وکیده تو نمی توانی چنین کاری انجام دهی. ریختن خون من نزد خداوند بزرگتر است از اینکه مرا روی نیزه به هر طرف بکشاند. رهایشان کن. زمانی که غلها در گردن آنها زده شود و با زنجیرها کشانده شوند خواهند دانست.

منهال بن عمرو می گوید: در شهر دمشق سر امام عَلِيهِ السَّلَام را روی نیزه مشاهده کردم و در پیشاپیش او مردی سوره کهف را می خواند تا آنکه به این آیه رسید:(3)

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا (4)

سر مقدس امام عَلِيهِ السَّلَام با زبانی رسا فرمود: عجیب تر از اصحاب کهف کشتن من و حمل کردن سر من است.

ص: 121

1- سوره بقره، آیه 137

2- همان، اسرار الشهادة، ص 488

3- همان، الخصائص از سیوطی، ج 2، ص 127.

4- سوره کهف، آیه 9

زمانی که یزید دستور داد که فرستاده پادشاه روم را به قتل برسانند به خاطر همان اعتراض که به یزید کرده بود سر مقدس امام علیم با صدای بلند فرمود:

لا حول ولا قوة الا بالله(1)

مجازات اهانت کننده

صبح عاشورا، مردی بنام مالک بن حوزه از لشگر عمر سعد جلو آمد، وقتی خندق و آتش درون آن و تاکتیکهای رزمی امام علیه السلام را دید. در کمال جسارت و پستی گفت: ای حسین!

پیش از آخرت در این دنیا با آتش خواهی سوخت. امام حسین علیه السلام فرمود:

دروغ گفתי ای دشمن خدا! من پیش پروردگاری مهربان و شفاعت کننده ای اطاعت شونده می روم، و آن هم جدم رسول الله صلی الله علیه و آله است.

سپس پرسید: این مرد کیست؟ گفتند: مالک بن حوزه است. امام حسین علیه السلام او را نفرین کرد و فرمود:

خداوندا او را به آتش افکن و طعم آتش را در دنیا قبل از رفتن به قیامت به او بچشان.

اصحاب آمین گفتند، مالک بن حوزه سخت ناراحت شد، بر اسب خود کوبید که حمله کند و پیش بیاید که اسب چموشی کرد و او را به زمین کوبید. اما پای او در رکاب اسب گیر کرده بود، و اسب وحشت زده به این طرف و آن طرف میدوید که در یک حرکت سریع، مالک بن حوزه را درون شعله های آتش خندق افکند و زنده زنده سوخت، یاران امام وقتی این ؛

ص: 122

معجزه را دیدند که دعای امام با سرعت مستجاب شد، یکصد الله اکبر گفتند. امام به سجده رفت و سپس با صدای بلند فرمود:

خدایا ما خاندان پیامبر تو هستیم، و فرزندان و نزدیکان او می باشیم، پس در هم بشکن آنانی را که به ما ظلم کردند و حق ما را غضب کردند که همانا تو شنونده

و پاسخ دهنده ای. (1)

امام حسین علیه السلام در مسافرت

امام حسین علیه السلام با یکی از فرزندان زبیر بن عوام با همراهی چند شتریان به مسافرت رفتند، که هنوز فرزند زبیر تغییر عقیده نداده بود و پدرش را امام میدانست.

پس از خستگی فراوان در نقطه ای فرود آمدند، همگی تشنه بودند، و در

کنار درخت خشک خرمائی قرار گرفتند، پس برای امام حسین علیه السلام فرش انداختند، و در اطراف او نشستند. امام حسین علیه السلام دعایی خواند و دستان مبارک را بسوی درخت دراز کرد، درخت خشک خرما سبز شد و خرماهای تازه آورد.

امام علیه السلام فرمود: از این خرماهای تازه بخورید. شتریان که این معجزه را به

دید گفت: به خدا قسم این سحر است. اما حسین علیه السلام اظهار داشت:

وای بر تو، این سحر نیست. این دعای پسر پیغمبر است. که به اجابت رسید.

سپس همه از درخت بالا رفتند، و هر مقدار برای سفر احتیاج داشتند از خرماهای آن چیدند. (2)

ص: 123

1- فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص 333 و 334، حدیث 2 398.

2- همان، ص 333، حدیث 1397

آری!! کرامات آن راهبر بزرگوار نشان از امامت، عظمت شأن و علو درجه نزد ایزد متعال دارد که آن نیز حکایت از ابهت و هیبت بزرگ مردی است که قیام او در تاریخ همانند نداشته است.

مرده زنده کردن

شخصی می گوید: ما در نزد امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام بودیم، جوانی اشک ریزان وارد شد.

امام عَلَیْهِ السَّلَام از او پرسید: چرا گریه می کنی؟

جواب داد: مادرم بدون اینکه وصیت کند از دنیا رفت. وی ثروت داشت و سفارش کرده بود کسی را از حال او باخبر نکنم.

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود: برخیزید نزد آن زن برویم. ما با آن بزرگوار به درب منزلی که جنازه آن زن در آنجا بود رفتیم.

حضرت به آن خانه توجه کرد و دعا نمود و از خداوند خواست آن زن زنده شود تا وصیت هایش را بکند. فرزند ناگاه آن زن برخاست، نشست و شهادت به یگانگی خدا داد، آن وقت تا به امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام عرض کرد:

داخل خانه شوید و هر دستوری نسبت به من دارید بفرمایید. حضرت وارد خانه شد و نشست و به آن زن فرمود: وصیت کن! خدا تو را رحمت کند.

زن گفت: یابن رسول الله! من فلان مقدار در فلان جا دارم، یک سوم آن را در اختیار تو می گذارم که به دوستانت بدهید و دو سوم آن را به این پسرم می‌دهم، اگر شما او را از دوستان خود بدانید و اگر از دشمنان شما باشد، آن دو سوم نیز در اختیار شما است هر طور می خواهید خرج نمائید زیرا دشمنان حقی در اموال مومنان ندارند.

آنگاه از امام خواست بر جنازه او نماز بخواند و کارهای دیگر او را انجام دهد، سپس همانطور که مرده بود، از دنیا رفت. (1)

گل قبر امام حسین علیه السلام شفای هر دردی است!

یونس بن رفیع از امام صادق علیه السلام حدیث نقل کرد که آن حضرت فرمود:

«نزد سر حسین بن علی علیه السلام خاکی سرخ رنگ است که در آن شفای هر دردی به جز مرگ می باشد، یونس می گوید: بعد از این که حدیث را شنیدم به نزد قبر آدمم و نزد یک قبر، بالا سر حضرت زمین را حفر نمودیم، زمانی که به قدر یک ذراع حفر کردیم، از جانب سر قبر، خاکی به قدر یک درهم، مثل خاک سرخی شبیه شن که همراه آن آب می آید، بر ما فرو ریخت، پس آن را به کوفه حمل نمودیم و با آب مخلوط کرده و پنهان ساختیم، پس آن را به مردم می دادیم تا با آن خود را معالجه نمایند. (2)

« در روایات فراوانی تصریح به این مطلب شده که این تربت، خوردنش باعث شفای هر بیماری است، ولی در صورتی که با اعتقاد باشد، که در روایات به ضرورت وجود آن اشاره شده است، این نکته هم نباید فراموش شود که به فرموده ائمه اطهار علیهم السلام خوردن هر خاکی به غیر از تربت امام حسین علیه السلام حتی تربت ائمه دیگر حرام است. چنانکه در حدیثی وارد شده که حضرت می فرمایند:

خوردن خاک حرام است، مثل خوردن مردار و خون خوردن گوشت خوک مگر خاک قبر امام حسین علیه السلام (3)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زیارت ناحیه مقدسه، به امام حسین علیه السلام می فرمایند:

سلام بر کسی که خداوند شفای بیماری ها را در خاک مزار او قرار داد. (4)

ص: 125

1- بحار الانوار، ج 44، ص 181، داستان های بحار الانوار، ج 6 ص 104 و 105

2- کامل الزیارات، ص 607، 608

3- شیخ کلینی، اصول کافی، ج 6 ص 266

4- بحار الانوار، ج 98، ص 318. روح الله، عباسی، سیرتنا و سنتنا (حکمت سجده بر تربت پاک سیدالشهدا)، نشر: آستان مقدس، چاپ

سوم، ص 175 و 174

همانطور که می دانید تربت درمانی آثار معجزه آسایی دارد، و هنگامی که بیمار مقداری تربت میل نماید و آن همراه با اعتقاد کامل باشد به بهبودی می رسد، کراماتی در این رابطه در کتاب های معجزات امام حسین نوشته شده است، که به علت اختصار کلام از ذکر آن خودداری می کنیم.

تربت درمانی گویای عظمت، ابهت و مقام والای آن راهبر بلند مرتبه است که با قیام خونین کربلا درخت اسلام را آبیاری نموده و به آن علو و برتری داد.

شفای هفت مریض در یک لحظه

مرحوم سلامی (ره) در ماه محرم تقریباً بیست سال قبل (چند دهه قبل از انقلاب اسلامی ایران) که مرض حصبه در شیراز شایع شده و کمتر خانه ای بود که در آن مریض حصبه‌های نباشد و تلفات آن هم زیاد بود. یک روز فرمود:

در منزل آقای حاج عبدالرحیم سرافراز، هفت نفر مبتلا به حصبه را با خداوند به برکت حضرت سیدالشهداء الاسلام شفا مرحمت فرمود و تفضیل آن را بیان کرد.

چندی بعد آقای سرافراز را ملاقات کردم و جریان را سؤال نمودم،

ایشان مطابق آنچه مرحوم سلامی گفته بود بیان کرد. سپس از ایشان خواستم که آن واقعه را به خط خود بنویسد تا در اینجا ثبت شود، اینک نوشته آقای سرافراز را باهم مرور می کنیم:

تقریباً بیست سال قبل که اغلب مردم مبتلا به مرض حصبه مبتلا می شدند در خانه حقیر هفت نفر مبتلا به این مرض در یک اطاق بودند، شب هفتم ماه محرم برای شرکت در مجلس عزاداری، مریضها را در خانه به حال خود گذاشتم و ساعت پنج از شب گذشته با خاطری پریشان به

مجلس تعزیه خودمان که مؤسس آن مرحوم حاج ملا علی سیف رَحِمَهُ اللهُ بود، رفتم موقع تعزیه، سینه زنی، نوحه و مرثیه حضرت قاسم بن الحسن عَلَیْهِ السَّلَام قرائت شد، پس از فراغت از تعزیه و ادای نماز صبح، با عجله به منزل می رفتم و در قلب خود شفای هفت مریض را به وسیله عزیز زهرا عَلَیْهَا السَّلَام از خدا میخواستم.

وقتی به منزل رسیدم دیدم بچه ها اطراف منقل آتشی نشسته و مختصر نانی که از روز قبل و شب باقیمانده است، روی آتش گرم میکنند و با اشتهای کامل مشغول خوردن آن هستند.

از دیدن این منظره عصبانی شدم؛ زیرا خوردن نان آن هم نانی که از روز گذشته باقیمانده برای مبتلا به مرض حصبه مضر است.

دختر بزرگم که حالت عصبانیت مرا دید گفت: ماها خوب شده ایم، از خواب برخاستیم و گرسنه ایم نان و چای میخوریم. گفتم: خوردن نان برای مرض حصبه خوب نیست، گفت: پدر! بنشین تا من خواب خودم را تعریف کنم. گفتم: خوابت را بگو. گفت:

در خواب دیدم اطاق، روشنی زیادی دارد و مردی آمد و در اطاق ما و فرش سیاهی در این قسمت از اطاق پهن کرد و پهلوی درب اطاق با ادب ایستاد، آن وقت پنج نفر بانهایت جلالت و بزرگواری وارد شدند که یک نفر آنها زن مجله ای بود، به طاقچه های اطاق و به کتیبه ها که به دیوار نصب بود و اسم چهارده معصوم عَلَیْهِمُ السَّلَام روی آن آنها نوشته بود آنان خوب با دقت نگاه کردند سپس اطراف آن فرش سیاه نشسته و قرآن های کوچکی از بغل بیرون آورده و قدری خواندند پس از آن یک نفر از آنها شروع کرد به روضه حضرت قاسم عَلَیْهِ السَّلَام که به عربی روضه میخواند من نیز از اسم حضرت قاسم که مکرر می گفتند فهمیدم روضه حضرت قاسم می خوانند همگی

شدید گریه می کردند به ویژه آن زن خیلی سوزناک گریه می کرد، پس از آن در ظرفهای کوچکی چیزی مثل قهوه (همان مردی که قبل از همه آمده بود) آورد و جلو آنها گذاشت. من تعجب کردم که آنها با این جلالت چرا پاهایشان برهنه است، جلو رفتم و گفتم شما را به خدا کدامیک از شما حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام هستید؟

یکی از آنها جواب داد و فرمود منم: خیلی با مهابت بود. گفتم شما را به خدا چرا پاهای شما برهنه است، پس با حالت گریه فرمود، ما این ایام عزاداریم و پای ما برهنه است، فقط پای آن زن در همان لباس پوشیده بود.

گفتم ما بچه ها همه مریضیم، مادر و خاله ما نیز مریض هستند، آن وقت حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام از جای خود برخاست و دست مبارک بر سر و صورت یک یک ما کشیدند و نشستند و فرمودند، خوب شدید، گفتم: مادرم هم مریض است، فرمودند: مادرت باید برود. از شنیدن این حرف گریه کردم و التماس نمودم در اثر عجز و لابه من، برخاستند دستی هم روی لحاف مادرم کشیدند آن وقت خواستند از اطاق بیرون بروند، روبه من کرده فرمودند: بر شما باد نماز که تا شخص مژه چشمش به هم می خورد باید نماز بخواند.

تا درب کوچه، عقب آنها رفتم دیدم مرکب های سواری که برای آنان آورده اند روپوش های سیاه دارد، آنها رفتند و من برگشتم در این وقت از خواب بیدار شدم صدای اذان صبح را شنیدم دست به دست خودم، برادرانم، خاله ام و مادرم گذاشتم، دیدم هیچکدام تب نداریم، همه برخاستیم و نماز صبح را خواندیم، چون احساس گرسنگی زیاد در خود می کردیم، لذا چای درست کرده با نانی که بود مشغول خوردن شدیم، تا شما بیایید و صبحانه

تهیه کنید از آن کرامت هر هفت نفر سالم شدند و احتیاجی به دکتر و دارو پیدا نکردند. (1)

آری!! بر اثر روضه ای در یک لحظه هفت نفر شفا می یابند. دشمنان این مکتب نیز به علو درجه و عظمت شان اباعبدالله اقرار می کنند بد نیست بدانید که معجزات آن راهبر سوم شیعیان جهان را تاکنون کسی انکار نکرده است.

عطای حسینی

جناب آقای حاج سید محمد جعفر سبحانی امام جماعت مسجد آقار نقل فرمود که در سالی به اتفاق مرحوم والده کربلا مشرف بودم و آن زن مریض شد و مرضش بیش از چهل روز طولانی شد و به این واسطه مبتلا به قرض بسیار شدم و در این مدت هم منبع درآمدی نداشتم پس پناهنده به مولای خود شده به حرم مطهر مشرف شدم، همان بالای سر عرض کردم یا مولای! شما خود می دانید که چقدر ناراحت و گرفتار هستم به فریاد من برسید، سپس از حرم خارج شدم.

پس از فاصله کمی نماینده مرحوم آیت اله آقا میرزا محمد تقی شیرازی رَحِمَهُ اللهُ به من رسید و گفت: از طرف میرزا سفارش شده که هر چه لازم دارید به شما بدهم.

گفتم: تا چه اندازه، گفت: معین نکرده اند بلکه هر چه شما بخواهید!! پس تمام قرض هایم را ادا کردم و پس از آن که کربلا مشرف بودم تمام مخارجم تامین گردید. (2)

ص: 129

1- شهید آیه اله دستغیب، داستان های شگفت، نشر: دفتر نشر اسلامی، چاپ: یازدهم، ص 45-47. 2. همان منبع، ص 123، 122.

2- همان منبع، ص 123، 122.

شفای درد چشم آیت الله العظمی بروجردی به برکت عزاداران روز عاشورا

... مرحوم آیه اله العظمی بروجردی در یکی از سال ها که در بروجرد بود، مبتلا به چشم درد عجیبی شده که بسیار او را نگران ساخته بود.

معالجه پزشکان افاقه نکرده بود. و درد چشم هر روز بیشتر و ناراحتی ایشان افزون تر می گردید، تا این که عزاداری فرارسید. در ایام محرم ایشان دهه اول روضه داشتند و دسته جاب مختلف نیز در آن شرکت می نمودند. یکی از دسته جاتی که روز عاشورا به خانه ایشان وارد شده بود، دسته گل گیرها است که نوعاً سادات و اهل علم و محترمین اند. در حالی که هر یک حوله سفیدی به کمر بسته اند، سر و سینه خود را گل آلود کرده و طبع بسیار رقت بار و مهیج و در عین حال با سوز و گداز فراوان و ذکری جانسوز، آن روز را تا ظهر عزاداری می کنند گفت:

هنگامی که این دسته به خانه من آمدند و وضع مجلس با ورود این از زندگی به هیئت هیجان عجیبی به خود گرفته بود، من هم در گوشه ای نشسته بودم.

رو آهسته آهسته اشک می ریختم و در این بین هم یک مقدار گل از روی پای یکی از همین افراد گل گیر برداشته و بر روی چشم های ملتهب و ناراحتم کشیدم و به برکت همین توسل، چشمهایم خوب شد و تا امروز علاوه بر این که مبتلا به درد چشم نشدم از نعمت بینایی کاملاً برخوردارم و به برکت حضرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به عینک هم احتیاج ندارم...

با اینکه همه قوای ایشان تحلیل رفته بود، مع الوصف تا آخرین ساعات زندگانی از بینایی کامل برخوردار بودند و تا سن 90 سالگی دارای چشمانی سالم بوده و حتی بدون عینک خطوط ریز را می خواندند. (1)

ص: 130

1- روایت کربلا، ص 65، به نقل از: عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، ص 119؛ داوری، صادق، عاشورا، نشر: سلسله، چاپ اول، ص

80 و 81

همراه شیخ رجبعلی به کاشان رفتیم، عادت شیخ این بود که هر جا وارد می شد، به زیارت اهل قبور می رفت، هنگامی که وارد قبرستان کاشان شد، گفت: «السلام علیک یا ابا عبدالله» چند قدم جلوتر رفتیم، شیخ به همراهان فرمود: «آیا بویی به مشام شما نمی رسد؟

گفتیم: چه بویی؟ گفت: «آیا بوی سیب سرخ استشمام نمی کنید؟»

گفتیم: نه، قدری جلوتر آمدیم، به مسئول قبرستان رسیدیم، جناب شیخ از او پرسید: «آیا امروز کسی را در این جا دفن کرده اند؟»

او پاسخ داد: پیش پای شما فردی را دفن کرده اند و ما را کنار قبر او برد. در آنجا بوی سیب سرخ به مشام همه ما رسید، پرسیدیم: این چه بویی است؟

شیخ رجبعلی فرمود:

«وقتی که این بنده خدا را در این جا دفن کردند، وجود مقدس سیدالشهدا علیه السلام به این جا تشریف آوردند، و به واسطه ورود آن حضرت به این جا (و عنایتش به این شخص تازه گذشته) عذاب از اهل این قبرستان برداشته شد. (1)

خداوند ما را از شفاعت و معصومین علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام بی بهره مگردان، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ.

جسد سالم و تازه ای در مقابل قبر مطهر امام حسین علیه السلام

مرحوم حاج عبدالعلی معمار عالم فرد رَحِمَهُ اللهُ می گوید:

ص: 131

1- کیمیای محبت، ص 108؛ قنبری، حیدر، داستان های شگفت انگیزی از عالم برزخ، نشر: فاتح خیبر، چاپ سوم، ص 212 و 213.

اوقاتی را موفق به زیارت کربلا بودم، روزی در صحن مقدس نشسته بودم، یک نفر هم نزدیک من نشسته بود، اسم او را پرسیدم؟ گفت: فلان خراسانی. گفتم: شغل شما چیست؟ گفت: «بنایی» دیدم با من همکار است، پرسیدم: زائر هستی یا مجاور؟

گفت: سالهاست در این مکان شریف سرگرم بنایی هستم. گفتم: در این مدت اگر عجایبی دیده ای برای من نقل کن.

گفت: متصل به صحن شریف، سمت قبله قبری است مشهور به قبر دده و چون مشرف به خرابی بود چند نفر حاضر شدند آن را تعمیر کنند و به من مراجعه نمودند و من اقدام نمودم و برای محکم شدن شالوده، به کارگرها دستور دادم اطراف قبر را بکنند، قسمتی که نزدی قبر بود.

در اثنای حفر، نزدیک قبر جسدی آشکار گردید، به من خبر دادند، چون مشاهده کردم دیدم جسد تازه است، ولیکن به سمت چپ خوابیده؛ یعنی صورتش رو به قبر مطهر حضرت سیدالشهداء عَلَیْهِ السَّلَام است و پشت او رو به قبله است و به همان حالت قبر را پوشانده و تعمیر آن را به اتمام رساندم.

مؤید این داستان است آنچه را مرحوم حاج میرزا حسین نوری رَحِمَهُ اللهُ در کتاب «دارالسلام» نقل نموده که استاد ما علامه بزرگوار شیخ عبدالحسین تهرانی رَحِمَهُ اللهُ برای توسعه سمت غربی صحن مطهر حضرت سیدالشهداء عَلَیْهِ السَّلَام خانه هایی خرید و جزء صحن شریف قرار داد و قریب شصت سرداب برای دفن اموات در همان قسمت قرار داد و روی آنها طاق زدند و مردم، مردگان خود را در آن سردابها دفن می کردند. چون مدتی مردگان خود را در آن سرداب ها دفن می کردند. چون مدتی گذشت دانسته شد که طاق روی سرداب ها در اثر کثرت عبور مردم بر آن، توانایی تحمل را ندارد و ممکن است فرو ریزد و سبب زحمت و هلاکت شود، از این روی شیخ امر فرمود که طاق را بردارند و از نو دو مرتبه با استحکام بیشتری بنا کنند و چون

جماعت بسیاری در سردابها دفن شده بودند امر فرمود سردابی را خراب کنند و بنا کنند، بعد سرداب دیگر و هر سردابی را خراب می کردند یک نفر پایین می رفت و خاک بر جسد مرده می ریخت به مقداری که کشف نشود و هتک حرمت اموات نشود، پس مشغول شدند تا رسیدند به سردابی که مقابل ضریح مقدس بود چون پایین رفتند برای پوشانیدن جسدها، دیدند تمام جسدهایی که در این قسمت هست سرهایشان که در جهت غرب بوده به جای پایشان که رو به قبر شریف بوده قرار گرفته و پاها به سمت غرب است.

مردم از این موضوع با خبر شدند جماعت بی شماری می آمدند و این منظره عجیب را مشاهده می کردند و آن جسدهایی که در این قسمت بوده و منقلب گردیده سه جسد بوده که یکی از آنها جسد آقا میرزا اسماعیل اصفهانی نقاش بوده که در صحن مقدس مشغول نقاشی بوده و پسرش وقتی که منظره جسد پدر را می بیند گواهی میدهد که من هنگام دفن پدرم حاضر بودم و بدن پدرم را که دفن کردم، پاهایش رو به ضریح مقدس بود و اکنون می بینم سرش رو به ضریح است و آشکار شد بر مردم اینکه این تغییر وضع جسد چند میت تأدیبی از طرف خداوند است بر بندگان که بشناسند راه ادب و طریقه معاشرت با ائمه را

و در همان روز، فاضل صالح متقی حاج ملا ابوالحسن مازندرانی برای من نقل کرد و گفت: مدتی پیش از ظهور این معجزه خوابی دیدم که در تعبیر آن حیران بودم و امروز تعبیرش آشکار شد و آن خواب این بود:

تقیه صالحه خاله فرزندم چون فوت شد او را در همین قسمت از صحن شریف دفن کردم پس شبی در خواب او را دیدم و از حالش و آنچه برایش پیش آمده پرسش کردم، گفت: به خیر، عافیت، خوبی و سلامت هستم غیر

از اینکه تو مرا در مکان تنگی دفن کردی که نمی توانم پایم را دراز کنم و دائما باید سر را بر زانو بگذارم.

چون بیدار شدم جهت آن را ندانستم تا الان که دانستم پا را به سمت قبر مطهر دراز کردن بی ادبی به ساحت قدس امام عَلَیْهِ السَّلَام است، و این معجزه در ماه صفر 1276 بوده است.

مستفاد از این داستان آن است که خداوند با این تغییر وضع جسد چند میت خواسته به مسلمانان مقام و شان امام ها و لزوم احترام، تکریم و ادب به ایشان را بفهماند جایی که خداوند راضی نیست پای میت (پا پشت میت) به قبر امام عَلَیْهِ السَّلَام باشد پس زنده ها چقدر باید رعایت ادب و احترام قبر شریف را بنمایند.

خداوند لعنت کند و زیاد فرماید عذاب جماعتی را که خود را مسلمان میدانستند و به این قبر شریف اهانتها نموده و زوارش را منع نمودند بلکه شکنجه ها دادند، خصوص متوکل عباسی که عده ای را مأمور کرد برای خراب کردن و از بین بردن آثار آن. (1)

چرا که به وسیله ادب و تربیت خانوادگی از هویت و اصالت هر شخصی آشکار می گردد. و بدین جهت رعایت ادب بر هر شخصی و در هر کیشی واجب است. به ویژه رعایت ادب نزد آن ابر مرد مظلوم که انقلاب او سرلوحه تمامی نهضت های عالم است. و مصلحان جهان سرلوحه قیام خویش را انقلاب خونین کربلا بر می شمارند و اذعان دارند که اگر واقعه جانگداز کربلا نبود قیامهای دنیا، الگو، سرمشق و الهام بخشی به این ژرفا و بزرگی نداشت.

ص: 134

1- داستان های شگفت، ص 254، برگرفته از قبیری، حیدر، داستان های شگفت انگیزی از قبر و اجساد سالم، نشر: شمیم کوثر، چاپ سوم، ص 210، 213

بخش هشتم: از ژرفای سخنان امام حسین علیه السلام

اشاره

ص: 135

با هم با ژرف نگری و روشن بینی گفتار سید مظلومان را مرور می نمایم تا فرا راه خویش قرار دهیم: امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود: به راستی که من مرگ را جز خوش بختی نمی دانم و زندگی با ستمکاران را جز ملال. (1)

از ژرفای گفتار امام درمی یابیم که هر گونه یاری و اعانتی به ستمگران و یا سکوت در مقابل اعمال ظالمانه آنان نه تنها سعادت محسوب نمی گردد و بلکه ضلالت و گمراهی بوده و سرانجام آن تیره بختی است.

دستم بر بی پناه

امام فرمود:

مبادا بر کسی ستم کنی که یآوری جز خدا ندارد. (2)

امام در این کلام ژرف این نمود و اصل مهم را بیان می کند که ظلم و ستم بر افرادی که بی کس، بی پناه و مظلوم بوده و به غیر از ایزد متعال یآوری ندارند گناهی بس بزرگ و نابخشودنی است.

ص: 136

1- گزیده متون حدیثی 3، تحف العقول، ص 37.

2- بحار الانوار، ج 85 ص 118، چهل حدیث، ص 23

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

... ای کسانی که بر خدا منت می نهید. از آن بیمناکم که کیفری از کیفرهای او بر شما نازل شود، زیرا که شما از کرامت خدا به منزلتی رسیدید و برتری پیدا کردید، با این حال اولیای خدا را احترام نمی گذارید، در صورتی که خود از خدا و انتساب به دین خدا در میان بندگانش به بزرگی و کرامت رسیده اید. می بینید که عهدهای خدایی (مقررات دین) را می شکنند و هیچ باکتان نیست.

اگر یکی از پیمان های پدرانتان شکسته شود، هراسان خواهید گشت، و اکنون در این اندیشه نیستید که پیمان (سنت) پیامبر خدا شکسته شده است. (1)

انسان متعهد هنگامی که مسئولیتی در قبال مکتب تشیع داشته باشد باید به انجام وظیفه پردازد. بنابراین باید با سعی و کوشش و گسترش فرهنگ مذهبی با خرافات و خرافه پرستی و عهد شکنی مبارزه نموده و از دین مبین اسلام دفاع نماید.

مسئولیت علما درباره محرومان و ستمدیدگان

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

... شما ناتوانان را به دست ایشان (ستمگران) تسلیم کردید، تا بعضی به بردگی و تحمل فشار ناگزیر شدند، و بعضی ناتوان و از طلب روزی محروم گشتند... مردمان همچون خادمان و بندگان ایشان شدند، و از دفاع از خود ناتوان ماندند، اینان ظالمانی خیره سرند که سخت بر بیچارگان چیره

ص: 137

1- تحف العقول، ص 172، برگرفته از حکیمی، محمدرضا؛ الحیاء، ج 2، مترجم: احمد آرام، نشر: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ دهم، ص 310

شده اند، و خدای آفریننده باز گرداننده را نمی شناسند. شگفتا! و چرا در شگفت نشوم؟! از این دغلكاران ستمگر، و جیره دهندگان جفا پیشه، و ماموران سنگدلی که به کسی رحم نمی کنند. (1)

دوست تو کیست؟

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

آن کس که تو را دوست دارد (از کار بد) نهی می کند، و آن کس که دشمن دارد، به آن برمی انگیزد. (2)

بهترین دوست شما کسی است که شما را به یاد خدا اندازد بنابراین او تو را از اعمالی که باری تعالی نهی کرده باز می دارد و بر خلاف آن دوست نمایی که عهد شکن است تو را بر اعمال خلاف شرع سوق می دهد.

اصلاح گری در امت

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود: من فردی یاغی، طغیانگر و فتنه جو نیستم، من برای اصلاح گری در امت جدم قیام کردم، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدم و پدرم علی بن ابیطالب عَلَیْهِ السَّلَام عمل نمایم. (3)

او والاترین اصلاح گر تاریخ بوده که مظهر مصلحان جهان است. بنابر آمار کارشناسان در قرون و اعصار اخیر در بعضی از کشورها هر صد سال یک مصلح قیام کرده که مولای همگی آنان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام بوده و تمامی اصلاح گران به او اقتدا نموده اند.

ص: 138

1- همان، ص 312

2- بحارالانوار، ج 78، ص 128، الحیاه ج 1، ص 216

3- بحارالانوار، ج 144، ص 329؛ مدیریت زیارت امام حسین علیم، ص 68

هرگز تن به ذلت نمیدهیم

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

به خدا سوگند همچون انسان ذلیلی به شما دست بیعت نمیدهیم و چون بردگان فرار نمی‌کنم. (1)

ذلت هرگز اما شهادت آری. این شعار تمامی آزادی خواهان جهان بوده که مولا و مقتدایشان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام است.

فلسفه قیام امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام درباره فلسفه قیامش فرمود:

بار خدایا! تو میدانی که آنچه از ما اظهار شده، برای رقابت در قدرت و دستیابی به کالای دنیا نیست، بلکه هدف ما این است که نشانه های دینت را به جای خود برگردانیم و بلاد را اصلاح نماییم تا ستمدیدگان از بندگانت امنیت یابند و به واجبات و سنت ها و دستورهای دینت عمل شود. (2)

اگر دین ندارید، آزاد مرد باشید

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

اگر دین ندارید، آزاد باشید! آل ابوسفیان همه آناند که در طول تاریخ، با حق و عدل مبارزه کرده اند و برای خاموش ساختن نور خدا کوشیده اند. چه در میدان بدر و احد و صفین و کربلا چه در هر جای دنیا و هر زمان دیگر. (3)

ص: 139

1- بحارالانوار، ج 46، ص 191، برگرفته از شعارهای عاشورا، ص 14

2- تحف العقول، ص 243، سیره و سخن پیشوایان، ص 151.

3- بحارالانوار، ج 46، ص 51، مجرمین و جرم شناسی عاشورا، ص 43

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

به درستی که خداوند متعال دنیا و اموال آن را برای آزمایش افراد آفریده است و همچنین موجودات دنیا را جهت فناء (و انتقال از این دنیا به جهانی دیگر) آفریده است. (1)

از سوی حق تعالی هر انسانی در روز چندین بار آزمایش می شود مال و فرزند که از زینت های دنیا هستند نیز وسیله امتحان است بنابراین نباید رفاهیات و امکانات ما در جهت باطل قرار گیرد. بلکه با حق جویی، حق گویی و حق پویی باید امکانات و رفاهیات خویش را در صورت عدم ایثار، با احسان در مسیر حق قرار دهیم.

به موقع سخن بگو

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به ابن عباس فرمود:

هرگز سخن بیهوده مگوی؛ زیرا بیم گناه برای تو دارم و سخن سودمند

نیز هرگز مگوی، مگر این که آن سخن به جا باشد. (2)

یک سخن ناحق و ظالمانه باعث ویرانی دل خویش و بی خانمانی و ناکامی عده ای است بنابراین از سخنان بی مورد پرهیز نموده و سخنان خردمندانه در وقت آن بر زبان برانیم.

ص: 140

1- فرزاد، احمد، نهج الشهاده، ص 196، اداره ارشاد، آشنایی با زندگانی چهارده معصوم، ص 37.

2- محمدی ری شهر، محمد، میزان الحکمه، ج 11، ص 5241

پنج نعمت بزرگ!!!

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

علم ریشه شناخت و آگاهی است، و تداوم تجربه ها عامل فراوانی عقل است، و شرافت و بزرگواری، تقوای الهی است، و قناعت عامل آسایش تن آدمی است، کسی که تو را دوست دارد از زشتیها تو را باز می دارد، و کسی که دشمن تو است، تو را مغرور می سازد. پنج نعمت بزرگ در هر کس نباشد از زندگی فراوان بهره مند نمی شود و آن، عقل، دین، ادب، حیا و اخلاق خوش است. (1)

یک اور تأثیر مستقیم بر روی یار خویش گذاشته و می تواند او را صد و هشتاد درجه تغییر دهد. بنابراین باید دوستی را انتخاب نمائیم که پنج نعمت بزرگی که امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در گفتار خویش از آن یاد فرموده اند را داشته باشد تا هرگز گمراه نگردیم.

بهترین پرستش

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

به راستی، گروهی خدا را برای طمع پرستش می نمایند که آن پرستش بازرگانان است و گروهی او را بیمناکانه پرستش می کنند که آن پرستش بردگان است و گروهی وی را سپاسگذاری می کنند که آن پرستش آزادگان است که این بهترین پرستش است. (2) پرستش او بدون طمع بهشت و نداشتن ترس از دوزخ بلکه برای سپاسگزاری و با اخلاص در رضای حق برترین نوع آن است.

ص: 141

1- فرهنگ سخنان امام حسین علیهم، ص 94

2- تحف العقول، ص 427

نشانه نیکنامی

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

از نشانه های دلیل مقبولیت و نیکنامی، همنشینی با خردمندان است و از نشانه های نادانی، کشمکش با غیر اهل فکر است و از نشانه های دانا، تقادی از سخن خویش و آگاهی از حقایق فنون رأی و نظر است. (1) نشانه های نیک نامی را در همنشینی جستجو کنیم اگر همنشین ما خردمند باشد ما هم نکونام هستیم.

کار خطا انجام نده !!

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

از هر چه پوزش خواهی را به دنبال دارد دوری کن، زیرا مؤمن، نه بد کند و نه پوزش طلبد و منافق هر روز بد کند و به پوزش خواهی پردازد. (2)

آری!! بی گمان منافق، دور و رو به صفت هر روز به دنبال اعمال خلاف شرع است بنابراین به طور دائم به بهانه تراشی می پردازد.

دانشمندان، حکیمان و تنگدستان

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

از دانشمندان بپرسید و با حکیمان گفت و گو کنید و با تنگدستان همنشین شوید. (3)

ص: 142

1- همان، ص 431.

2- همان، ص 433

3- اشعثیات، ص 230، محمدیان، ابراهیم، چهل حدیث، ص 20.

سؤال نشانه رشد فکری است از این روی از دانشمندان پرسید. با حکیمان و دانایان نیز به گفت و گو پردازید و بر میزان خردمندی خویش بیفزائید و با افراد ثروتمندی که سودجو هستند معاشرت نکنید.

اخلاق خوش

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

هیچ چیزی در ترازوی روز قیامت سنگین تر از خوش اخلاقی نیست. (1)

با حس مسئولیت سازندگی را آغاز کنید؛ همین الان با اسلوب صحیح، رضیلت ها را از خویش دور ساخته و فضیلت ها و مکارم را جایگزین نمایید. کج خلقی را به کناری بگذارید؛ از یک تبسم شروع کنید...

ازدواج در جوانی

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

هیچ جوانی ازدواج نمی کند، مگر آن که شیطان به فریاد می آید که وای وای! او دو سوم دینش را از شر من در امان داشت. (2)

غیبت

به مردی که نزد او از دیگری غیبت می کرد، فرمود: ای فلان! زبان از غیبت فرو بند که غیبت، خورش سگان دوزخ باشد. (3)

ص: 143

1- اشعثیات، ص 150، چهل حدیث از امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام، ص 50

2- همان، ص 49

3- حرانی، ابی شعبه، گزیده متون حدیثی، 3، تحف العقول، ص 37.

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

او (خداوند بزرگ است که دعاها را شنواست و گرفتاری ها را برطرف کند و درجات را بالا برد و گردنکشان را ریشه کن سازد، پس معبودی جز او نیست و چیزی با او برابری نکند و چیزی همانندش نیست و او شنوا و بینا، دقیق و آگاه است و او بر هر چیزی تواناست. (1))

رعایت آداب و شرایط دعا نیز اجابت درخواست را سرعت می بخشد به شرطی که مکان و زمان آن را نیز در نظر بگیریم به ویژه نذورات و توسلات رد شدنی نیست و طلبی را بدون پاسخ نمی گذارد. زیرا ایزد منان خود فرموده که بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.

ص: 144

1- محدث قمی، عباس، مفاتیح الجنان، دعای حضرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام، در روز عرفه (ص 488)

بخش نهم: امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام از دیدگاه (دانشمندان شرق و غرب)

اشاره

ص: 145

اکنون به بررسی سخنان اندیشمندان، مشاهیر، مصلحان و دانشمندان جهان درباره راهبر سوم شیعیان جهان می پردازیم و تحلیل تعدادی از گفتار بزرگان را درباره حضرت را بر عهده مخاطب محترم می گذاریم، چرا که ژرفای گفتار آنان به تحلیل نیاز دارد که مخاطب عزیز با اندیشه گرایی و مراجعه به تحلیل بخش های قبلی به چرایی و چگونگی آن خواهد رسید. و بهترین درس که از تراژدی کربلا می گیریم اینست که حسین و یارانش با همه وجودشان ایمانی استوار به خداوند بزرگ داشتند.

آنها با عمل خود به جهانیان ثابت نمودند که کثرت عدد آنجا که حق و باطل روبرو می شود مهم نیست. پیروزی حسین با وجود اقلیتی که داشت باعث شگفتی همه دانایان جهان است چون نتیجه کار پیروزی با حسین عَلَیْهِ السَّلَام بود. (1) توماس کارلایل

آری! در همه زمانها و همه مکان ها حق پیروز است گرچه یاران آن اندک باشند.

بنابراین در راه حق کثرت یار مطرح نیست.

ص: 146

در زمان و محیط دور، صحنه غم انگیز مرگ حسین علیهِ السَّلام احساسات خونسردترین خواننده را هم بیدار می کند. (1) ادوارد گیبون

با آنکه مدتی از واقعه کربلا گذشته و ما هم با صاحب واقعه هموطن نیستیم، مع ذالک مشتقات و مشکلاتی که حضرت حسین علیهِ السَّلام تحمل نموده، احساسات سنگ دل ترین خواننده را بر می انگیزد، چندانکه یک نوع عطوفت و مهربانی نسبت به آن حضرت در خود می یابد. (2) ادوارد گیبون

برای امام حسین علیهِ السَّلام ممکن بود خود را با تسلیم شدن به اراده یزید نجات دهد اما مسئولیت پیشوائی و ریاست نهضت هرگز اجازه نمیداد یزید را به خلافت بشناسد و برای رهائی مسلمانان از چنگال قهار ظلم و ستم امویان در کمال شهامت و آزادگی همه گونه مشقت و مصیبت را پذیرفت. آری روان تابناک حسین سرمدی و جاوید است.

ای قهرمان بزرگ و ای نمونه شهامت و ای شهسوار آزاده، ای حسین درود بر تو باد، این روح توست که در زیر آفتاب سرزمین خشک و گرم عربستان فناپذیر و تا ابدیت برپاست. ای پهلوان وای بزرگ قهرمان من حسین، سلام همه جهانیان نثار روان تو باد. (3)

پروفسور واشنگتن ایروینگ، دانشمند و خاور شناس بزرگ آمریکایی من بهترین ارمغان گرانبهاترین اندرز را به شما هدیه می کنم که اگر بخواهیم وطن خویش را نجات دهیم راهی را بیمائیم که حسین بن

ص: 147

1- تشیع در مسیر، ص 175

2- فرهنگ عاشورا، ص 282

3- مجموعه گلزار بی پایان، ج 3، ص 375

علی عَلَیْهِ السَّلَام بیمود و این تنها نتیجه ایست که من از مطالعات و تحقیقاتم درباره تاریخ زندگانی قهرمانان کربلا بدست آورده ام. (1)

گاندی موهندس کرم چند

رهبر و پیشوای سیاسی و اخلاقی هند

همانطور که مشاهده می کنید گاندی نیز مرهون انقلاب حسینی است و با سرلوحه قرار دادن راهبر سوم شیعیان به پیشوایی خویش استحکامی دوچندان بخشید.

من در طرح ریزی و پیگیری و به ثمر رسانی انقلاب درخشان هند از قیام مقدس و سازش ناپذیر و حرکت آفرین حسین عَلَیْهِ السَّلَام و یارانش الهام گرفته ام و در حقیقت مسیر کربلا را دنبال کرده ام. (2) گاندی موهندس کرم چند

حسین بن علی عَلَیْهِ السَّلَام یگانه سرباز رشید جهان اسلام است که چهارده قرون

پیش یک تنه در برابر حکومت مقتدر جور و ظلم قد بر افراشت و به شعار و همیشگی خود می گفت: من در راه حق کشته می شوم و به ناحق دست نمی دهم. (3)

ماربین، دانشمند آلمانی

آری در ظاهر یزید حسین عَلَیْهِ السَّلَام و انصارش را کشت اما در باطن حسین عَلَیْهِ السَّلَام یزید و همه بنی امیه را بدتر از هزار مرتبه کشت، یزید آنها را یک روز و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام او را و قومش را (تمام طاغوتیان) را تا ابد و هر روز کشت. (4)

ص: 148

1- همان، 374

2- مقدمه حماسه خورشیدی

3- مجموعه گلزار بی پایان، ج 3، ص 374

4- آیه الله شوشتری، خصائص الحسینیة، مترجم: حسین قهرستانی، نشر: دار الکتاب، چاپ شانزدهم، ص 240، چهره درخشان حسین

بن علی عَلَیْهِ السَّلَام ص 106

به اعتراف ماریین نیز باطل نابود شدنی است و حق پیروز است حتی اگر یاران آن اندک باشند. ماریین، دانشمند آلمانی

آنها (دشمنان) سر مبارک او (حسین عَلَیْهِ السَّلَام) را بالا نگاه داشتند. دهان مبارکش را با شلاق های خود نواختند: ای دهانی که هنگام طفولیت فرو هشته بر لب پیامبر

بوده ای، ای بدنی که زیر ستوران خوار شدی، این همان بدن پاکی بود که بیندگان را مسحور می کرد، خونی که از رگهای مبارکت بیرون ریخته و خشک شده معجون آسمانی است که تاکنون هیچ سم اسبی با چنین رنگ الهی رنگین نشده است.

ای زمین برهنه و بایر کربلا که در روی تونه علفی است و نه چمنی،

برای ابد آهنگ حزن و آه بر تو پوشیده است. چون که در سرزمین تو بدن پاره و مقدس پسر فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام افتاده است که روح خویش را به خدا تقدیم کرد. (1)

جستیس آ. راسل، شاعر بزرگ انگلیسی

آرامگاه حسین در کربلا، بعد از کعبه، بدون تردید زیارتگاه مسلمانان است... جنایت کربلا وحشت انگیز و غیر انسانی بود. (2) گابریل انگری، دانشمند فرانسوی

حسین بالفطره کریم بود و سخاوت را برجسته ترین صفت نیکوی مرد میدانست و عقیده داشت که سخاوت از شجاعت برتر می باشد. (3) کورت فریشکر

ص: 149

1- نور دانش، سال دوم، ش 2، ص 97

2- جزوه آموزشی مرکز تربیت مربی دفتر تبلیغات اسلامی، قم، شماره 9، ص 65

3- امام حسین و ایران، ص 24

در طول تاریخ، جوامع گوناگون جرأت، پر دلی، عظمت روح، بزرگی قلب را دوست داشته اند و به همین علت است که آزادی و عدالت هرگز به نیروهای ظلم و عوامل آن تسلیم نمی شود.

در جبهه حق از ظلم و تعدی به حقوق دیگران خبری نیست بر خلاف آن در جبهه باطل آزادی و عدالت وجود ندارد، بنابراین در می یابیم که حق جویان و حق گویان و حق پویان از فضیلت سرشار و معنویت مرام خویش آگاه بوده و با جبهه باطل گرایان که تسلیم زر، زور و تزویرند در ستیزند.

«اگر منظور امام حسین جنگ در راه خواسته های دنیایی بوده من نمی فهمم چرا خواهران و زنان و اطفالش به همراه او بودند؟ پس عقل چنین حکم مینماید که او فقط به خاطر اسلام، فداکاری خویش را انجام داد.»⁽¹⁾ چارلز دیکنس: نویسنده واقع بین و اجتماعی انگلیسی

آری! هدف آن امام همام آبیاری درخت اسلام و زنده نمودن آیین جدش پیامبر گرامی بود.

آیا اقلیتی پیدا می شود که وقتی درباره کربلا سخن می شنود، آغشته با حزن و الم نگردد؟ حتی غیر مسلمانان نیز نمی توانند پاکی روحی را که در این جنگ اسلامی در تحت لوای آن انجام گرفت انکار کنند.⁽²⁾

ادوارد براون گرانویل: خاور شناس انگلیسی و استاد دانشگاه کمبریج

آری!! جواب چرایی سخن بالا این است که آن حضرت مظهر فضیلت های انسانی هستند و بدین سبب همگان حتی دشمنان هم از علاقه مندان آن راهبر بزرگ می باشند.

ص: 150

1- درسی که حسین علیه السلام به انسانها آموخت، ص 441

2- فرهنگ عاشورا، ص 280؛ امام حسین از دیدگاه دانشمندان شرق و غرب و علمای اهل سنت، صص 10-28

وقتی یزید مردم را تشویق به قتل حسین و مامور به خونریزی می کرد، آنها می گفتند: چه مبلغ می دهی؟ اما انصار حسین به او گفتند: مابا تو هستیم، اگر هفتاد بار کشته شویم،⁽¹⁾

باز می خواهیم در رکابت جنگ کنیم و کشته شویم،

جرج جرداق مسیحی: نویسنده و روزنامه نگار سرشناس مسیحی

روی این اسباب ممکن است بگوئیم جمعیت شیعه در آینده از سایر فرق بیشتر میشود شیعه بوسیله این مجالس و مراسم که دیگران هم در آن شرکت می جویند توانسته است در ملتها و اهل مذاهب دیگر نفوذ کند و اصول مذهب خود را به دیگران تبلیغ نماید و این همان اثری است که سیاستمداران غربی برای پیشرفت دین مسیح یا صرف پول های بسیار آرزو می کنند.⁽²⁾

دکتر رینو جوزف: مستشرق معروف فرانسوی

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ يَلْعَنُ يَزِيدَ، خداوند لعنت کند کسی را که یزید را لعنت نکند. یعنی لعن یزید را جایز نداند.⁽³⁾ جاهد: دانشمند مشهور

نظیر حسین عَلَيْهِ السَّلَام در شجاعت و شهامت در سراسر جهان وجود، نتوان یافت، به اعتقاد من همه مسلمانان و همه جهانیان باید از این شهید راه خداوند و فدائی بی نظیر حق و حقیقت سر مشق و عبرت بگیرند.⁽⁴⁾ محمد علی جناح: ملقب به قائد اعظم و رهبر مسلمانان هند

ص: 151

1- فرهنگ عاشورا، ص 281

2- پرتوی از عظمت حسین عَلَيْهِ السَّلَام، ص 441.

3- سیدالشهدا، ص 196

4- مجموعه گلزار بی پایان، ج سوم، ص 376؛ رکنی، احمد، امام حسین از دیدگاه دانشمندان شرق و غرب و علمای اهل سنت، صص

58-25

قاضی ابوبکر بن عربی مالکی اشتباه کرده است که در کتاب خود العواصم و القواصم» گفته است: حسین عَلَیْهِ السَّلَام موافق قانون شریعت جد خود کشته شد. آنچه گوینده را بدین گفتار غلط واداشته غفلت وی از شرط فتوی دادن امام عادل برای نبرد با صاحبان عقاید فاسد و باطل است و در آن زمان چه کسی را عادل تر از حسین عَلَیْهِ السَّلَام در امامت و عدالت می توان یافت. (1) ابن خلدون: دانشمند معروف ،

ابن عقیل و ابن جوزی قیام بر ضد امام غیر عادل را جایز دانسته اند به دلیل اینکه حسین عَلَیْهِ السَّلَام بر ضد یزید قیام کرد تا حق را زنده و پایدار سازد. ابن مفلح حنبلی

اعتقاد عامیانه ای بین جمعی از وابستگان اهل سنت است که می گویند در قیامی که حسین عَلَیْهِ السَّلَام بر ضد یزید کرد یزید بر حق و حسین صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ بر خطا بود.

این عده اگر تاریخ و سیره را مطالعه کنند به روشنی خواهند دید که چگونه برای او از مردم بیعت گرفته شد و چگونه به اجبار مردم را وادار می نمودند که او را به رسمیت بشناسند و در این باره هر کار ناشایستی را انجام دادند و بر فرض که خلافت او درست و بر قواعد انجام شده باشد آنقدر اعمال غیر منطقی و ناشایست از یزید بروز کرد که هر کدام از آنها برای فسخ عقد خلافت و ابطال انتخابات رهبری کافی بود مانند:

1- غارت شهر مدینه در جریان حُرّ،

2- تیر باران کردن کعبه به وسیله منجنیق

3- کشتن حسین عَلَیْهِ السَّلَام و اهل بیت او..

4- چوب زدن بر لب و دندان او

5- آویزان کردن سرهای بریده بر بالای نیزه ها و امثال اینها

ص: 152

این طرز تفکر از کسانی بروز می کند که نسبت به تاریخ و سیره آگاهی نداشته و از نظر مذهب و اعتقاد عامی بوده و در صدد خشمگین ساختن رافضی ها می باشند.

ابن جوزی: از کتاب السّر المصون

حقیقت این است که راضی بودن یزید از کشتن حسین بن علی علیه السلام و اهانت او به خاندان رسول صلی الله علیه و آله و خوشحال بودن او از این حادثه اگر چه هر یک به تنهایی واقعه ای اسف انگیز است ولی در مجموع این معانی به تواتر رسیده و ما درباره یزید و بی ایمانی او تردیدی نداریم: لعن و نفرین حق بر او و بر یاران و طرفدارانش. (1) تفتازانی

قیام یزید تنها به خاطر انگیزه های دنیایی بود و به هیچ وجه کارهای او قابل توجه نیست او ستمگری گردنکش بود. (2) ابن خرم

جمعی از اهل علم زیاده روی کرده اند که گفته اند چون حسین علیه السلام فرزند

دختر رسول الله بر یزید بن معاویه که حرمت شریعت مطهر رسول صلی الله علیه و آله را شکست سرکشی و نافرمانی کرد، کشته شد. تعجب از مطالب بی اساسی که انسان را می لرزاند و سنگ خارا از شنیدنش پاره پاره می شود. (3) شوکانی

اعمال زشتی که یزید مرتکب شد از قبیل: کشتن حسین علایم و به اسارات بردن خاندان رسول و وزدن چوب بر دندانهای حسین علیه السلام و ایجاد رعب در مدینه و خراب کردن خانه کعبه همه اینها دلیل بر قساوت، گستاخی، بی دینی، دشمنی و نفاق وی دارد که موجب خروج وی از اسلام

ص: 153

1- شرح العقائد النسقیه، ص

2- المحلی، ج 11

3- نیل الأوطار، ج 7.

گردیده او فاسق و ملعون است و کسی که از بیان اعمال زشت ملعون نهی کند خود در ردیف اشخاص ملعون است. (1) جاحظ

استاد شیخ محمد بکری به پیروی از پدرش یزید را لعن می کرد و می افزود، خداوندا بر بدنامی و رسوایی او زیاد کن و در قعر جهنم او را جای ده (2) حلبی

وی یزید را لعن می نمود و می گفت اگر برایم امکان داشت رسوایی های این شخص را به رشته تحریر میاوردم. (3) ابوالحسن علی بن محمد کیاهراسی

یزید مردی ناصبی و دشمن اهل بیت است. درشت خو، خشن و بی ادب بود، همیشه شراب می خورد و کارهای زشت مرتکب می شد. با کشتن حسین بن علی علایم حکومت خود را آغاز کرد و با واقعه حره در مدینه پایان داد که مورد نفرت شدید مردم قرار گرفت و در زندگی خیری ندید. (4) ذهبی: از کتاب اعلام النبلا

هرگاه در دنیا دو حکومت وجود داشته باشد یکی حکومت عدل که احکام اسلام را بر پا می دارد و بر اساس آن عمل می کند و دیگری حکومت جور و ستم که آن را تعطیل می کند و به آن عمل نمی نماید. بر هر مسلمانی واجب است که حکومت اولی را حمایت کند. آنگاه اضافه می کند:

و از این قسم است نهضت حسین علیه السلام فرزند رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بر ضد پیشوای جور و ستم یزید بن معاویه که به وسیله سر نیزه، نیرنگ و دروغ

ص: 154

1- رسائل الجاحظ، ص 279

2- سیره حلبیه

3- تاریخ ابن خلکان، ج 1، ص 355.

4- به نقل از کتاب روض الباسم، ج 2، ص 36.

عاهده دار امور مسلمانان شد که خداوند او و همه کرامیه و نواصب را که او را حمایت می کنند ذلیل و خوار گرداند. (1) شیخ محمد عبده

دیدگاه اندیشمندان جهان درباره عاشورا

ما اگر وقتی امری اجتماعی یا سیاسی داشته باشیم، باید دهها هزار کارت چاپ کرده، با چه زحماتی توسط نفراتی آن کارت ها را به اشخاص داده، تازه از ده هزار نفرشان، هزار نفر حاضر می شوند و امر ناتمام می ماند، لکن این مسلمانان و شیعیان با نصب یک پرچم سیاه درب یک خانه که می گویند می خواهیم برای حسین علیه السلام عزیزمان گریه کنیم، دهها هزار نفرشان در ظرف دو ساعت در مجلس جمع می شوند و تمام مسائل اجتماعی و سیاسی و مذهبی خویش را در آن مجلس، حل و فصل می نمایند. (2) ناپلئون بناپارت

این روز عاشورا برای مسلمانان در سراسر جهان، معنایی بزرگ دارد. این روز یکی از حزن آورترین و تراژدیک ترین وقایع اسلام اتفاق افتاد. شهادت حضرت امام حسین علیه السلام در عین حزن آور بودن، نشانه فتح نهایی روح واقعی اسلام بود، زیرا تسلیم کامل به اراده الهی به شمار می رفت. شهادت یکی از عظیم ترین پیروان اسلام، مثل درخشنده و پایدار برای همه ما است. این حرکت به ما می آموزد که اشکال و خطرات هر چه باشد، نایستی از راه حقیقت و عدالت منحرف شد. (3) لیاقت علیخان

امروزه در هیچ جای جهان، حتی برای نمونه، نمی توان یافت که دو یا سه نفر شیعه آنجا باشند و عزاداری بپا نکنند.

ص: 155

1- تفسیر المثنار، ج 1؛ مقتل مقرر، صص، 31-35

2- دفاع از حسین شهید علیه السلام، ص 476

3- قیام حسینی، ص 93

در بندر مارسیل عربی را دیدم که پیرو مذهب تشیع بود و گویا تابعیت بحرین را داشت، در مهمانخانه جنب اتاق من مسکن داشت، در روز عاشورای حسین عَلَیْهِ السَّلَام به تنهایی احوالات حسین عَلَیْهِ السَّلَام را می خواند، گریه می کرد و سپس مقداری آش که با شکر و برنج تهیه نموده بود، بین فقرا تقسیم می نمود. (1)

ص: 156

1- درسی که حسین عالم به انسان ها آموخت، ص 454، قیام حسینی، ص 114؛ داوری، صادق، عاشورا، نشر: سلسله، چاپ اول، ص

133 و 114

بخش دهم: چگونگی زیارت امام حسین علیه السلام

اشاره

ص: 157

معنای زیارت

معنای زیارت در سه راستا مورد بررسی قرار گرفته با هم می خوانیم:

الف) معنای کلی: مفهوم زیارت به معنای کلی مطلوب اندیشی و محبوب خواهی است.

ب) معنای لغوی: معنای لغوی زیارت دیدار، قصد و میل را گویند. (1)

ج) معنای عرفی: به مشاهده متبرک و بقعه ها برود و دعا و زیارت نامهای که به عنوان تشرف باطنی برای امامها و امامزاده ها و اولیاء خدا است، بخواند.

تعریف زیارت

مسافر به مشاهد متبرکه و کسب فیض از قبر منور آن حضرات و تشرف در عتبات عرش درجات آنها. (2)

زیارت یکی از نیازهای فطری و روانی بشر است که بشر بدان نیاز دارد تا محبوب خود را پیدا کند و با توکل به خداوند و ایمان به او منظور تقرب به محبوب و معشوق، سیر در وجود خداوند بکند. (3)

ص: 158

1- مجمع البحرین، مدیریت عمومی زیارت اهل بیت، ص 7.

2- مرحوم دهخدا

3- مرحوم دهخدا

زیارت دیدار کردن با قصد را گویند که در ریشه این واژه مفهوم میل و گرایش نهفته است،

گویی زیارت کننده از دیگران روی گردانده و به سوی شونده تمایل و قصد کرده است و نیز در معنای زیارت قصد اکرام زیارت شونده و انس گرفتن با او نیز نهفته است. (1)

یکی از راههای بزرگداشت مفاخر و صاحبان کمال، زیارت آنان است که در حقیقت موجب بقا و استمرار حیات علمی و هنری و معنوی آنان می‌گردد. افزون بر این که عامل پیوند نسل‌های حاضر و نسل‌های آینده با نسل‌های گذشته و وسیله ارتباط روحی با آنان و کمالاتشان است. زیارت در دین مقدس اسلام در دین اسلام به صورت خاصی از این واقعیت بشری بهره‌برداری شده است، و برای دیدار و زیارت قبور پیشوایان و فداکاران بزرگ آداب و زیاراتی رسیده است که رعایت آن آداب و خواندن آن زیارتها و تدبر در مضامین آنها می‌تواند به صورتی شگفت‌انگیز، شخصیت‌ساز و حماسه و گستر باشد و این موضوع چنان که معلوم است - اخصاص به شیعه ندارد. علمای بزرگ اهل سنت نیز درباره زیارت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ و آداب آن، دهها کتاب و رساله نوشته‌اند همچنین فلاسفه نیز بر این واقعیت آگاهی داشته‌اند از جمله ابن سینا شرحی مفصل نوشته است، درباره اهمیت و فایده زیارت قبور صالحان و مردم بزرگ و کامل.

زیارت در مذهب

در مذهب شیعه، مکتب زیارت، یکی از آموزنده‌ترین و سازنده‌ترین مکاتب بوده است. زیرا بزرگان شیعه شهید شده‌اند و در زیارت‌های آنان دو مضمون در حال زیارت و صفای دل و کنار تربت شهید، تأثیری غیرقابل انکار دارد.

ص: 159

آن دو مضمون، یکی مربوط به این جهت است که این شهیدان، در راه خدا از همه چیز صباح دیگر عمر را ترجیح دادند و در راه ابدیت مطلق و پیوند زدن هستی روح خود با پیکر آنها تأمل و تردید روا نداشتند و از این جهت به والاترین مفهوم بلوغ انسان، در عرصه رابطه انسان به خدا و انسان - ابدیت» دست یافتند.

مفهوم دوم مربوط است به این جهت که این شهیدان در راه اقامه عدل و ایستادگی در برابر ستمگران و امر به معروف و نهی از منکر خون خود را دادند و جان خود را باختند و از این جهت به والاترین مفهوم بلوغ انسان، در عرصه رابطه «انسان - جامعه» دست یافتند.

انواع زیارت

1- زیارت اهل قبور

2- زیارت برادر دینی

3- زیارت پیامبر گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

4- زیارت قبور معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام

5- زیارت وارث: از زیارت معروفه حضرت ابی عبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَام

6- زیارت بیت الله الحرام و مکه معظمه.

توصیف زیارت

زیارت امضای مجدد سند شیعیه گری است.

زیارت راهی است میانبر برای دستیابی به نیازها و حوائج،

زیارت بر قراری ارتباطی صمیمی با اولیای دین است.

زیارت مشتی است کوبنده بر دهان مخالفین دین.

زیارت فرصتی معنوی است برای تجدید بیعت با امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام

زیارت عاملی است برای توبه و بازگشت از گناهان.

زیارت جلوه ای از تعظیم شعائر اسلامی و تکریم رهبران دینی است.

زیارت نمایی است بزرگ و خالصانه از اقتدار اسلام و حسین.

زیارت برافراشتن پرچم حیات دین است.

زیارت بسیجی است معنوی در پشتیبانی از پیشوایان دینی.

زیارت نمادی است از حیات و تکاپوی اهل ولایت.

ص: 160

زیارت کمترین مصداق ادای حق خاندان نبوت و اجر رسالت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است.

زیارت نوعی اظهار نیکی و علاقه به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است.

زیارت یعنی تبدیل انسان «مسی» به «محسن» و انسان «محسن» به «احسن»

زیارت عنایت الهی است که گاهی دعوت است و گاهی قسمت و گاهی منت...

زیارت تکنیکی است برای ارتباط با مقدس ترین و با عظمت ترین ارواح زیارت هجرتی است زمینی برای هجرت معنوی و درونی زیارت راهکاری است معنوی برای شناخت بیشتر معصومین .

زیارت حرکتی است حرکتی تحول آفرین برای واسطه قرار دادن معصوم جهت هدیه گرفتن پاکی

زیارت تجدید بیعتی است مجدد برای اعلام وفاداری و پایداری بر عقاید و اندیشه های اسلامی

زیارت ابراز محبت و اظهار عشق خالصانه است به محضر معشوق.

زیارت ایجاد فراقی برای گفتگوی با خدا و معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام

زیارت فرصتی برای شناخت نیازها و کمبودهای خود و استدعای آن از خدا و معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام است.

چرا به زیارت می رویم ؟ (آثار دنیوی زیارت)

1. احساس سبکی روح در زیارتگاه

2. برخورد های جذاب انبوه زائران

3. دریافت های خوب مادی و معنوی که حاصل تقاضای ما از زیارت شونده بوده است.

4. خاطراتی جاودانه

5. سیر در زمین (به فرمان قرآن کریم)

6. شادابی عقل و دل .

7. نشاط روح و تحرک

8. اتصال عاشق به معشوق

9. الگوگیری از امام علیهِ السَّلام در زیارت

10. تحول در اندیشه، اخلاق و رفتار

11. معارف الهی و امام شناسی

12. تکامل زائر به علت شناخت معارف الهی

ما از زیارت هایمان خاطرات فراوانی داریم! وعده های شیرین پیش از آن، خوش خلقی فراوان پدر و مادر و همراهان، احساس سبکی روح در زیارتگاه ها، برخورد های جذاب انبوه زائران، دریافت های خوب مادی و معنوی که حاصل تقاضای ما از زیارت شونده بوده است.... همه و همه خاطراتی جاودانه در بایگانی ذهن ما دارد.

اینها همه در کنار پاداش های چشمگیری که در روایات ما به زائر با معرفت، وعده داده شده، کاوش عقل را مانع نمی شود. امامان و پس، طرح این پرسش بجا و سزا می نماید که چرا به زیارت میرویم!!

سیر در زمین، سفارش اکید کتاب خداست. هم عقل و هم دل در این تنوع زمینی، شاداب می شوند. روان و اعصاب و مغز آدمی در حرکت زمینی، تسکین یافته و زمینه نشاط روح را فراهم می سازند. شاداب که شدیم، عقل و اندیشه از یک سو و دل و گرایش های متعالی، از سوی دیگر، نشاط و تحرک می یابند.

آنگاه که نشاط روان و تن آدمی، در خدمت هدف مقدس ملاقات انسان بزرگی، در می آیند، زیارت، طعم دیگری دارد که هیچ گاه از حافظه ما، پاک نمی شود.

دوستی ها، عاشق را به معشوق، وصل می کند؛ این اتصال که حاصل شد، عاشق به رنگ معشوق در می آید. معشوق که متعالی باشد، عاشق هم پله پله، بالا می رود و اندیشه، اخلاق و رفتار او تحول می پذیرد.

شخصیت های آسمانی مانند امامان معصوم عَلَیْهِمُ السَّلَام مریدان و خواستاران خود را منزل به منزل، پیش می برند و تجربه طولانی ملاقات کنندگان و زائران، مؤید این ادعاست. تجلیل از سرباز گمنام در همه ملتها نشانه این تقدیس و تکریم است. چه رسد که تجلیل شوند، شهرتش، مردمان را به خصائص گوناگون خود، فرا بخواند.

در میان روایات معتبر ما، پاداش های سنگین برای زائر عارف، مقرر شده است که با توجه به حکمت آمیز بودن پاداش های خداوندی، سری در این عنایت به زائر نهفته است که باید آن را در تکامل یافتن زائر در اثر زیارت، جست و جو کرد.

فهم دقیق و عمیق عبارتها و مضمونهایی که در زیارت پیشوایان دین به کار رفته، در حقیقت، راهیابی به رود خروشان از معارف الهی است و یک دوره امام شناسی، و از این رو به فهم این عبارت ها و الهام از این مضمونها تاکید شده است. (1)

آثار اخروی زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام

1- ثواب و فضیلت قصد زیارت

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام می فرمایند: خداوند را ملائکه ای است که موکلند بر قبر حسین عَلَیْهِ السَّلَام پس چون کسی قصد زیارت آن مظلوم نماید خداوند گناهان او را به ایشان میدهد، پس چون یک گام برداشت همه آن گناهان را محو کنند، پس به گام دوم حسنات او را مضاعف نمایند و همچنین در گام سوم

ص: 163

و چهارم، و... هکذا تا اینکه بهشت به او واجب می شود، و چون بعد از نیت غسل کند ندا دهد او را خاتم انبیاء که:

ای مهمان خدا بشارت باد تو را که در بهشت رفیق من خواهی بود، و علی به او ندا کند که

من ضامنم که حاجت شما روا شود، و آنان راست و چپ او باشند تا مراجعت نماید(1)

2- ثواب فراوان و محو گناهان

به سند معتبر از صفوان نقل شده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

کمتر چیزی که زیارت کننده حضرت امام حسین علیه السلام کسب می کند، آن است که هر حسنه را هزار هزار حسنه ثواب میدهند، و گناه را یکی می نویسند.(2)

3- زائر حسین در جوار پیامبر، علی و فاطمه علیهم السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که می خواهد در جوار پیامبر صلی الله علیه و آله و جوار،

علی و فاطمه علیهما السلام باشد، زیارت حسین بن علی علیه السلام را ترک نمی کند.(3)

4- زائران امام حسین علیه السلام پیش از سایر مردم وارد بهشت می شوند.

عبدالله بن زراره گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: زوار امام حسین علیه السلام روز قیامت بر مردم برتری دارند، عرض کردم، برتری آنها چیست؟ حضرت فرمود: چهل سال پیش از مردم وارد بهشت می شوند در حالی که بقیه مردم در حساب و موقف هستند.(4)

5- به دلیل فضیلت و ثواب فراوان، از شدت شوق می میرند.

امام باقر علیه السلام فرمود: اگر مردم می دانستند که چه فضلی در زیارت قبر حسین علیه السلام می باشد، از شدت شوق می مردند و جان هایشان به خاطر

ص: 164

1- بजारالانوار، ج 98، ص 64، کامل الزیارات، ج بابا 49، ص 133 برگرفته از آیه الله شوشتری، الخصائص الحسينیه، ص 275.

2- علامه مجلسی، تحفه الزائر، ص 257

3- همان، ص 311

4- همان، 313 و 325

حسرت بر آن حضرت، پاره پاره می شد، عرض کردم: چه اجر و ثوابی در زیارت آن حضرت است؟

حضرت فرمود: هر کس به خاطر اظهار شوق نسبت به آن حضرت به نزد آن بزرگوار برود، خداوند متعال برای او هزار حج مقبول و هزار عمره نیک و خالص و اجر هزار شهید از شهدای بدر و اجر هزار روزه دار و ثواب هزار صدقه مقبول و ثواب آزاد کردن هزار بنده که تنها برای رضای خداوند این عمل انجام گرفته می نویسد و پیوسته در آن سال از هر آفتی که ناچیزترین آنها شیطان است نگه داشته می شود و فرشته بزرگواری بر او گمارده میشود که او را از جلو، پشت سر، سمت راست، چپ، بالای سر و زیر پایش حفظ می نماید و اگر در آن سال بمیرد، فرشتگان رحمت بر جنازه اش حاضر می شوند و در امر غسل و کفن نمودن و طلب آمرزش برای او حاضر هستند و او را تا قبرش، همراه با طلب آمرزش برای او تشییع مینمایند و برای او در قبرش تا آن جا که چشمش می تواند ببیند، گشایش حاصل می شود. و خداوند متعال او را از فشار قبر و از این که منکر و نکیر او را بترسانند در امان نگه میدارد و برای او دری به سوی بهشت گشوده می شود و کتابش به دست راستش داده می شود و یا روز قیامت نوری به او عطا می شود که آنچه بین مشرق و مغرب است به خاطر په نور او فروزان می شود و ندا دهنده ای ندا میدهد که:

این کسی است که امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام را به خاطر شوق به آن بزرگوار زیارت نمود و همه در روز قیامت آرزو می کنند که ای کاش! از زوار امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام می بودند. (1)

6- نشانه گذاری سیمای زائر به نور عرش خدا توسط فرشتگان برای بازشناسی در قیامت.

6- نشانه گذاری سیمای زائر به نور عرش خدا توسط فرشتگان برای بازشناسی در قیامت. (2)

7- نجات از وحشت و هراس روز قیامت.

ص: 165

1- کامل الزیارت، ص 324 و 325

2- موسوعه زیارت، ج 3، ص 87-104، مدیریت زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام، ص 19 تا 26. 6

8- فریاد رسی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله

9- رسیدن به مقام صدیقین.

10- نزول رحمت و تحت حمایت خدا قرار گرفتن.

11- مورد اکرام الهی قرار گرفتن.

12- برابر با زیارت خدا در عرش.

13- حل مشکلات و رفع اندوهها

14- شفای امراض و بیماریها و بخشش گناهان

15- طولانی شدن عمر

16- ازدیاد رزق

17- مصافحه با روح ملکوتی 24000 پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله

18- همجواری با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله در بهشت

19- رضایت الهی و ایمنی از ترس و وحشت قیامت

20- سیراب شدن از حوض کوثر به دست حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام

چرا خداوند متعال برای زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام یا گریه بر او و حفظ نام و اندیشه اش ثوابهای نجومی و شگفت آور قرار داده است؟

1- بخاطر حفظ شور زیارت و بقاء مکتب تشیع و حفظ یکی از بزرگترین نشانه ها و شعائر شیعه.

2- این پاداشها به عنوان لطفی از طرف خدا در ازای فداکاری مخلصانه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به او و به شیعیان حضرتش می باشد.

3- به خاطر حفظ اندیشه و مکتب حسینی در بین شیعه و غیر شیعه و شناساندن کربلا به عنوان یک سرزمین آرمانی

4- به دلیل تاثیرات عمیق روحی و اخلاقی زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در زائرین آن حضرت

5- چون امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام دروازه و باب آشنایی مردم با اهلبیت عَلَيْهِم السَّلَام و سائر ائمه شیعه هستند.

6- به خاطر حفظ روحیه دشمن ستیزی در شیعه و افشای هویت دشمنان اهل بیت. (1)

ولی در روایات اهل بیت علیهم السلام گاهی ثواب زیارت امام حسین علیه السلام معادل یک عمره، گاهی یک حج، گاهی دو حج، سه حج، ده حج، صد حج، هزار حج و... بیان شده است.

علت و یا حکمت وجود این اختلاف به چند مسئله و موضوع باز می گردد:

1. درجه زائرین

گاهی درجه ایمان، تقوا، آگاهی و معرفت زائران تعیین کننده ثوابهای وافر زیارت است.

2، شرایط زیارت

گاهی شرایط مالی همچون مال حلال یا شبه ناک یا حفاظت از جان آدمی مطرح می باشد که امکان دارد تقیه کند و یا جهاد جانفش در خطر باشد، در چنین موقعیتی نیز ثواب زیارت بر حسب شرایط فرق می کند.

3. زمان زیارت

روزهای مجرب بر فضیلت و چشمگیر آن نیز تأثیرگذار است روزهای که در آنها درخواست از او هم مقرون به اجابت است چون، روز تولد مولود کعبه، روز عاشورا، ماه رمضان.

4. رعایت آداب

اگر کسی آداب زیارت را رعایت نماید، غسل زیارت کند، ذکر بگوید، با اذن دخول به حرم امام همام وارد شود در حقیقت از فضیلت ویژه و ثواب عالی تری بهره مند خواهد شد.

ص: 167

1- مدیریت زیارت امام حسین علیه السلام، ص 17،

آقای سید عبدالرسول خادم از قول مرحوم سید عبدالحسین کلیددار حضرت سیدالشهداء عَلَیْهِ السَّلَام نقل می کند که گفت: شبی در حرم مطهر عربی پابرهنه خون آلود را می بیند، پای خونین و کثیف خود را به ضریح زده و عرض حال می کند.

آن مرحوم او را نهیب می دهد و بالاخره امر می کند که او را از حرم بیرون نمایند، در حال بیرون رفتن گفت: یا حسین عَلَیْهِ السَّلَام من گمان می کردم این خانه توست، معلوم شد خانه دیگری است.

همان شب آن مرحوم در خواب می بیند آن حضرت روی منبر در صحن مقدس تشریف دارند در حالی که ارواح مومنین در خدمت هستند حضرت از خدام خود شکایت می کند. کلیددار می ایستد و عرض می کند یا جدا! مگر چه خلاف ادبی از ما صادر شده؟

می فرماید: امشب عزیزترین مهمان های مرا از حرم من با زجر بیرون کردی و من از تو راضی نیستم و خدا هم از تو راضی نیست مگر اینکه او را راضی کنی. عرض کرد یا جدا! او را نمی شناسم و نمیدانم کجاست؟

فرمود: الا-ن در خان حسن پاشا (نزدیک خیمه گاه) خوابیده و به حرم ما هم خواهد آمد او را با ما کاری بود که انجام دادیم و آن شفای فرزند مفلوج اوست فردا با قبيله اش می آیند از آنها استقبال کن.

چون بیدار می شود با چند نفر از خدام می رود و آن غریب را در همانجایی که فرموده بودند می یابد، دستش را می بوسد و با احترام به خانه خود می آورد و از او به خوبی پذیرایی می نماید.

فردا هم به اتفاق سی نفر از خدام به استقبال می رود چون مقداری راه می رود می بیند جمعی شادی کنان می آیند و آن بچه مفلوجی که شفا یافته همراه آورده اند و به اتفاق به حرم مطهر مشرف می شوند. (1)

بخش یازدهم: شناخت عزاداری امام حسین علیه السلام

اشاره

ص: 169

تعریف عزاداری

سوگواری نوعی بزرگداشت و نیکوگرایی و تجلیل عاشقانه از عالی ترین فداکاری های خالصانه سفیر خدا در زمین و یاران اوست. و ما را در پیوند قلبی با آنها، خوی و حماسه آن یاری می دهد. (1)

هدف از عزاداری

تردیدی نیست آنجا که عشق و دلباختگی به اهل بیت عصمت دستور عزاداری می دهد، اقامه عزای کربلا، واکنش غم ورنج، تاثیر و به هم ریختگی سخت درونی است که نینوای پر غصه بر جان شیعیان ریخته، می سوزاند و می گریاند، موجب سر و سینه زدن می شود هدفی تعقیب نمی گردد جز لعن و نفرین بر قاتلان شهیدان و عزاداری با تمام خصوصیت های مربوط به آن، خاصیت دلدادگی است.

ولی آنجا که مسئولیت شیعه بودن آن همه عشق و محبت به اهل بیت را در خدمت می گیرد تاضجه و شیون، گریه و زاری، سر و سینه زدن پاسخگوی دشمنی شیعه و امامان او باشد، یا مقابله کننده با توپ و خمپاره، بدون هیچ تردیدی عزاداری می تواند بهترین تامین کننده هدف شیعه بودن گردد.

ص: 170

پس هدف از عزاداری در جایی هم این است که دشمن نتواند مقاصد خویش را تامین کند و به آنچه در سر دارد دست یابد.

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام با بیان سوگواری نکردن بر حسین نشانگر روی گردانی از اهداف بلند و آرمان جاودانه اوست و این ستم بزرگی در حق امام حسین می باشد، تفهیم کرده اند. اگر در سوگواری و اقامه عزای حسینی اهداف بلند و آرمان های حضرتش دنبال نگردد، نه تنها نشانه ارادتمندی و اخلاص به ساحت ملائک پاسبان ابا عبدالله الحسین دیده نمی شود، بلکه ستم در حق اوست که برای اهداف رسالت و امامت به شهادت رسید.

در این صورت عزاداری در عشق ورزی و ابراز علاقه مندی و بر سر و سینه زدن، لعن و نفرین زبانی خلاصه نمی شود بلکه به هنگام ضرورت هر نوع دفاعی از حریم وطن عزاداری و سوگواری حسین بن علی می باید در صحنه حضور داشت با قلم و قدم، درم و دم به بیرون راندن دشمن از شئون زندگی پرداخت. (1)

عزاداری برای اسلام همانند شهادت است

نقش حساس عزاداری ابا عبدالله الحسین عَلَیْهِ السَّلَام را باید از پیامی که در شهادتگاه حضرت، توسط امام سجاد به شیعیان دادند درک کرد؛ در همان لحظات که امام حسین با صدای بلند خطاب به بازماندگان کربلا می فرمود: علی بن الحسین بعد از من بر شما امام است، به او نیز می فرماید: «ای فرزندم! سلام مرا به شیعیانم برسان و به آنها بگو، پدرم غریبانه جان داد، بر او ندبه نمائید و شهید از دنیا رفت. بر او گریه کنید. (2)

ص: 171

1- سخنان، حسین حسن، آداب عزاداری شهیدان کربلا، نشر: راه نیکان، چاپ اول، ص 64 و 65

2- الدمعه الساکبه فی مصیبه الراتبه، ص 307

حضرت سکینه دختر امام حسین نقل کرده اند: چون پدرم کشته شد، آن بدن نازنین را در آغوش گرفتم حالت بیهوشی برای من روی داد در آن حال شنیدم:

شیعتی مهما شربتم ماء عذب واذکرونی اوسمعتهم بغریب او شهید فاندبونی(1)

امام رضا به ابن شیب فرمود:

اگر دوست داری که با ما، در درجات بلند بهشت باشی، برای حزن ما محزون باش، و برای شادی ما شاد باش، و دست از ولایت ما برندار.»

مرحوم آیت الله سید ابراهیم میلانی در جمع عزاداران آذربایجانی فرمودند: به هر طریق ممکن «سعی و کوشش نمائید تا فرزندان شما با عشق و دلباختگی به عزاداری ابا عبدالله بزرگ شوند.

این گونه سفارش ها، پی گرفتن فرمایش ائمه طاهرین علیهم السلام است که فرموده اند:

برای از بین بردن دشمنان گریه را به کار گیرید.(2)

آثار دنیوی عزاداری

اشاره

1- احساس سبکی روح در عزاداری بواسطه گریه

2- برخورد های برادرانه و معنوی انبوه عزاداران

3- دریافت های خوب مادی و معنوی که حاصل تقاضای ما از امام و یارانش بوده است.

4- نشاط ایمانی و تحرک ناشی از ایمان به خداوند بزرگ

5- اتصال عاشق به معشوق (فرد عزادار به امام و مولای خویش)

6- الگو پذیری از پیشوای خویش در عزاداری

ص: 172

1- کفعمی، مصباح کفعمی، ص 741

2- سخنانی، حسین حسن، عزاداری سنتی شیعیان، ص 451؛ آداب عزاداری شهیدان کربلا، ص 132-134. با تلخیص

9- تکامل عزاداران به علت شناخت و کاربرد در صحنه زندگی اکنون مشروح مهمترین آثار و فوائد عزاداری امام حسین علیه السلام را بیان می‌کنیم:

1. پلی از کشش قلب و عاطفه

در عزاداری ارتباط قلبی و عاطفی با سرور و مولای خویش برقرار می‌نمائیم و این ارتباط عاطفی ما را به آن حضرت نزدیک و نزدیک‌تر می‌نماید، و در نتیجه پیوند بسیار مستحکمی بین ما و پیشوای مان ایجاد می‌گردد.

2. تاثیر مستقیم و سازنده

همانطور که قبلا بیان کردیم؛ در مراسم عزاداری و در هنگامه آن ما به مولای خویش نزدیک‌تر می‌شویم زیرا با برقراری ارتباط مستحکم عاطفی تقریباً رابطه‌ای عاشقانه برقرار نموده ایم چنانکه در سوگ آن حضرت می‌گرییم و به سینه می‌زنیم، در چنین حالاتی تاثیر مستقیم و سازنده‌ای در خویش احساس می‌کنیم که ما را در مسیر فضیلتها و دوری از رذیلت‌ها قرار می‌دهد، درست مانند تاثیر مستقیم که دویار و یاور بر روی افکار، اعمال و رفتار خویش دارند.

3. الگوپذیری از پیشوا در جبهه حق

بی‌گمان الگوپذیری از مظهر حق و حقیقت با خودسازی و قطع وابستگی‌ها، تن به ذلت نسپردن و جهاد در جبهه حق امکان‌پذیر است و از سویی بر اثر پیوند عاطفی ناشی از عزاداری در می‌یابیم که امام علیه السلام و یاران ایشان در کربلا و عاشورا سرلوحه و الگوی حق و حقیقت بوده‌اند.

بنابراین انسانی که در مراسم عزاداری حضور می‌یابد پیوند عاطفی با پیشوای خویش برقرار می‌نماید و در اثر مرور زمان وابستگی‌ها را از خویش

قطع نموده و هرگز تن به ذلت نمی دهد از آن روی او در همه حال در جبهه حق و حقیقت گام برداشته به شرطی که عزاداری او با معرفت باشد.

4. عبرت گرفتن از دشمنان امام علیهِ السَّلام

عبرت آموزی از دشمنان امام علیهِ السَّلام در واقعه عاشورا نیز سبب می گردد که انسان عزادار هرگز در جبهه ظلم، تعدی و تجاوز به حقوق دیگران قرار نگیرد و هرگز حق مظلومی را غصب ننماید. جنبه دیگر آن عبرت گرفتن از نوع جنایت دشمنان آن حضرت است، مانند: عهد شکنی، بستن آب، کشتن شیرخوار، غارت خیمه ها

5. حماسی ترین قیام ها در تمام ابعادش

با تحکیم روحیه معرفت در عزاداری ها در بین جوامع می توان روحیه زیر بار ذلت نرفتن، حق و حقیقت، شجاعت و شهامت، آزادی و آزادگی، را در زنده نمود و آن ملتها بواسطه عزاداری با معرفت می توانند به آرمانهای والای انسانی و ملی نائل آیند.

گاندی می گوید: اگر هندوستان بخواهد، یک کشور پیروز گردد، بایستی از امام حسین علیهِ السَّلام پیروی کند.»

جرج جرداق مسیحی نویسنده معروف و روزنامه نگار سرشناس نیز می گوید:

«وقتی یزید مردم را تشویق به قتل حسین و مأمور به خونریزی می کرد، آنها می گفتند: چه مبلغ میدهی؟ اما انصار حسین به او گفتند: ما با تو هستیم، اگر هفتاد بار کشته شویم، باز می خواهیم در رکابت جنگ کنیم و کشته شویم.»⁽¹⁾

ص: 174

1- فرهنگ عاشورا، ص 281، برگرفته از رکنی، احمد، امام حسین علیه السلام از دیدگاه دانشمندان شرق و غرب و علمای اهل سنت.

بنابراین با عزاداری انعکاس حماسی قیام در بین ملت‌ها امکان‌پذیر است که مصلحان جوامع با سرلوحه قرار دادن آن ابرمرد مظلوم می‌توانند به این مهم نائل آیند.

آثار و فواید اخروی گریه و عزاداری بر حسین علیه السلام

1. تاسی به پیامبرین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

گریه کننده و گریاننده و استماع کننده مصائب حضرت ابی عبدالله تاسی کرده به وجود مبارک خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ چنانچه به حکم فرموده:

«لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (1) مایه و موجب تاملین سعادت دنیا و آخرت و تشبه به آن حضرت است. زیرا آن بزرگوار در دوران عمر شریف خود، هر وقت نور دیده خود حسین علیه السلام را میدید و متذکر حالات او میشد محزون و مغموم میشد؛ به نحوی که اشک از چشمان مبارکش جاری می‌گردید و به شدت می‌گریست، ناله میزد و حالت گرفتگی، حزن و اندوه به حضرتش دست میداد. پس تاسی کردن به آن حضرت و تبعیت کردن به او در این باب، مانند سایر اعمال و افعال بر کسی که خود را مسلمان و از امت آن حضرت می‌داند، واجب و لازم و نشانه محبوب خدا شدن است. (2)

2. تاسی به انبیاء و ملائکه

گریستن در مصائب حسین علیه السلام تاسی و اقتداء به تمام انبیاء و مرسلین و ملائکه مقربین و اقتداء به ائمه طاهرین علیهم السلام و عبادالله صالحین و اولیاء مخلصین

و مؤمنین انس و جن است. (3)

ص: 175

1- سوره احزاب آیه 21

2- آیت اله، میر جهانی، حسن، البكاء الحسين السلام، نشر: رسالت، چاپ دوم، ص 77 و 78

3- همان، ص 79.

3. موجب تسلی حضرت زهرا علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام هر روزه در مصائب حسین علیه السلام گریه می کند، و حضرت صادق علیه السلام فرمود: آیا دوست نمیداری که از جمله کسانی باشی که یاور و معین حضرت فاطمه علیها السلام باشند. (1)

4. موجب ادخال سرور در قلب پیامبر و ائمه علیهم السلام

عزاداری ها اعم از نوحه خوانی، روضه، گریه و یاتباکی برای سیدالشهداء و یارانش هنگامی که با اخلاص و معرفت و عشق همراه باشد. موجب ادخال سرور در قلب پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام است.

5. یاری سیدالشهداء علیه السلام

«گریه و عزاداری برای سیدالشهداء علیه السلام نصرت و اجابت دعوت و استغاثه آن حضرت است.» (2)

6. اداء اجر رسالت

«از کاملترین آثار مودت و محبت به نزدیکان پیغمبر، محزون بودن و گریه کردن و عزاداری و نوحه سرائی نمودن بر حسین علیه السلام و هم ناله و گریه شدن با رسول خدا و فاطمه زهراء و ائمه هدی علیهم السلام بودن است.» (3)

7. عمل به پیمان الهی

«گریستن بر حسین، عمل نمودن به وصیت و پیمان الهی است که فرمود: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا» (4)

بنابر آنچه در بعضی از تفاسیر وارد شده که مراد از والدین، حسین و فاطمه اند و از بزرگترین اسباب احسان به

ص: 176

1- بحار الانوار، ج 45، ص 208 و 209، کامل الزیارات، ب 26، ص 82: الخصائص الحسينية (اشک روان بر امیر کاروان)، ص 257

2- کامل الزیارات، ص 82، مستدرک الوسائل، ج 10، ص 314

3- همان منبع

4- سوره عنکبوت، آیه 8

میت، احترام به او است با گریه کردن و خود را به گریه واداشتن و تاسیس مجلس عزاء برای او است.» (1)

8 کفاره عقوق والدین

«گریستن بر حضرت حسین عَلَیْهِ السَّلَام کفاره عقوق والدین ظاهری است، چنانچه در اخبار و روایات وارد شده که هر کسی که نسبت به پدر و مادر ظاهری خود تقصیری کرده باشد، والدین حقیقی خود را خشنود کند که رضا و خشنودی ایشان جبران و تدارک عقوق والدین ظاهری را می کند، و بزرگترین چیزی که موجب رضایت والدین حقیقی می شود، گریه و نوحه سرایی بر حضرت سیدالشهداء عَلَیْهِ السَّلَام است.» (2)

9. عمل به خواسته امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام

گریه و ندبه و نوحه بر آن حضرت خواسته خود او است، چنانچه به حضرت سجاد فرمود: «سلام مرا به شیعیانم برسان و به ایشان بگو که: که پدرم غریب از دینا رفت، پس برای او با صدای بلند گریه کنید، و مرد در حالتی که تشنه بود، پس او را یاد کنند.» (3)

و به جناب سکینه خاتون از گلوی بریده پیغام داد:

شیعیان من! هر گاه آب خوشگوار می نوشید از من یاد کنید، یا هر گاه شهید یا غریبی شنیدید که کشته شده یا غریب از دنیا رفته برای من به صدای بلند گریه کنید.» (4)

ص: 177

1- آیت اله میر جهانی، حسن البكاء الحسین، ص 81 و 82

2- همان منبع.

3- همان، دمعه الساکینه، ج 4، ص 351، معالی السبطین، ج 2، ص 22، ذریعه أنجاه، ص کلمات الامام الحسین، ص 486، الشیعه فی احادیث الفریقین، ص 301.

4- آیت اله میر جهانی، البكاء الحسین، ص 82 و 83 و 139

10. دارا بودن فضیلت هر گریه

اگر آن گریه در مصیبت حسین باشد علاوه بر آن، اجر و ثواب مصیبت‌های دیگر هم به او داده

می‌شود. مثلاً اگر شخصی دلش بسوزد در مصیبت یکی از ائمه له و بر او بگرید، به یاد بیاورد مصائب حضرت ابی‌عبدالله علیه‌السلام را و بر آن حضرت گریه کند، اجر و ثواب هر دو گریه به او داده می‌شود. (1)

انواع و مراحل اشک و آه در عزای اهل بیت و امام حسین علیه‌السلام

اشاره

مراحل اشک و آه در عزای اهل بیت و امام حسین علیه‌السلام را با هم می‌خوانیم:

1. اندوه قلبی و نفس کشیدن همراه با سوز در غم اهل بیت و امام حسین علیه‌السلام

در روایت وارد شده است که این حالت ثواب تسبیح دارد.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: نفس عزادار در مورد ظلم به ما اهل بیت، تسبیح است. (2)

2. احساس درد و الم شدید قلبی

و امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

کسی که قلبش برای ما دردناک باشد، در روزی که هنگام مرگش ما را می‌بیند، شادمان خواهد بود. (3)

3. تباکی یا گریه شکلی

گریه شکلی به دو صورت محقق می‌شود. گاهی صرف انسان خود را شبیه به گریه کنندگان می‌کند و همراه و همگام با آنان در جلسات عزاداری شرکت می‌نماید و گاهی می‌تواند وقایع و مصائب ائمه علیه‌السلام را در زندگی شخصی خود همانند سازی کرده و حالتی که از آن در روح او بوجود

ص: 178

1- همان منبع.

2- بحار الانوار، ج 44، ص 278؛ چشمان بارانی، ص 83؛ نیلی پور، مهدی، چشمان بارانی، نشر: سلسبیل، چاپ اول، ص 83

3- همان

می آید را مقدمه ای برای گریستن بر مصائب اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام قرار دهد. به

طور مثال تصور کند در صورتی که به ما در بیرون در خانه اهانت شود و امکان دفاع از او برای فرزندان میسر نباشد، چه پیش خواهد آمد، حالت روحی که از این مطلب برای شخص بوجود می آید، می تواند بهترین مقدمه برای عزاداری و گریستن در مصائب دختر بزرگوار پیامبر اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ باشد. (1)

امام صادق عیلام می فرمایند:

کسی که در مورد امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام شعری بخواند و تباهی کند بهشت برای اوست. (2)

4. حلقه زدن اشک در چشم

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام می فرماید: کسی که مصائب ما نزد او ذکر شود و اشک در چشمانش حلقه زند، خداند صورت او را بر آتش جهنم حرام مینماید. (3)

5. ریزش یک قطره اشک از چشم (بکاء)

حتی یک قطره اشک از چشم در مراسم عزاداری سالار شهیدان فضیلت دارد. (4)

6. بارش اشک و جریان آن بر چهره و محاسن (بکاء)

بارش اشک و جریان آن بر چهره و محاسن در مراسم عزاداری سالار شهیدان پر فضیلت بوده و از اجر و ثواب فراوانی برخوردار است. (5)

7. گریه صدادار

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود: هر ضجه و شیونی مکروه است الا ضجه و شیون بر حسین عَلَیْهِ السَّلَام (6)

ص: 179

1- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 44، ص 278.

2- همان

3- همان

4- همان

5- همان

6- همان

8. گریه بی اشک

ممکن است به دلیل گریه بسیار، اشک چشم تمام شود، در این حالت گریه انسان بدون اشک خواهد بود. (1)

9. گریستن تا حدی که چشمها زخم شود

امام رضا علیه السلام می فرماید: «همانا ماجرای روز عاشورا، چشمان ما را مجروح نموده و اشکهایمان راجاری ساخته است.» (2)

10. گریه خون

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زیارت ناحیه مقدسه می فرماید:

اکنون صبح و شام برای تو شیون می کنم و به جای اشک خون می گریم. (3)

فلسفه سیاه پوشی در ایام عزاداری

رنگ سیاه از جهات گوناگون، آثار و خواص مختلف دارد و به اعتبار هرهر یک از این خواص، در مورد یا مواردی خاص، فرد یا گروهی مخصوص و برای منظور ویژه خویش از آن بهره می گیرند. رنگ سیاه از جهتی رنگ پوشش است، یعنی رنگ تیره سبب استتار و اختفا می گردد و گاه برای چنین امری به کار گرفته می شود.

رنگ سیاه از جهت دیگر، رنگ هیبت و تشخیص است و از این رو، لباس رسمی شخصیتها نوعا سیاه یا سرمه ای سیر است، و در نقل های تاریخی موارد فراوانی را می توان یافت که برای نشان دادن هیبت و تشخیص فرد، گروه، حکومت یا مساله ای از این رنگ استفاده می شده است. یکی دیگر از خواص و آثار رنگ سیاه، آن است که این رنگ به صورت طبیعی، رنگ حزن آلود، دلگیر و مناسب عزا و ماتم است. از این رو،

ص: 180

1- همان

2- همان

3- همان

بسیاری از مردم جهان، از این رنگ به عنوان اظهار غم و اندوه از مرگ دوستان و عزیزان خود سود می جویند.

اما بی گمان انتخاب رنگ سیاه در ایام سوگواری علاوه بر نکته فوق علتی منطقی، عاطفی نیز دارد و آن عبارت است از این حقیقت که کسی که در ماتم عزیزان خویش جامه سایه می پوشد و در دیوار را سیاهپوش می کند، با این عمل می خواهد بگوید و بفهماند که: «تو، مایه روشنی چشم من و در حکم فروغ دیدگان من بودی و دفن پیکر تو در دل خاک بسان افول ماه و خورشید در چاه مغرب، سینه حیات و زندگی را در چشمم تیره و تار ساخته و زمین و زمان را در سیاهی و ظلمت فرو برده است.

چنان که حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَام در روز هشتم رحلت حضرت رسول صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ بِرَسْرِ قَبْرِ آن حضرت رفت و فریاد بر آورد:

«ای پدر! تو رفتی و با رفتن تو، دنیا روشنیهای خویش را از ما برگرفت و نعمت و خوشی اش را از ما دریغ کرد. جهان، به حسن و جمال تو، روشن و درخشان بود (ولی اکنون با رفتن تو روز روشن آن سیاه گشته و تر و خشکش حکایت از شب های تاریک دارد... و حزن و اندوه، همواره با امام جسم ملازم ما است.

بنابراین، به دلیل رمز و رازی که در سیاه پوشی نهفته است، به عنوان یک رسم طبیعی و سنت منطقی نشان حزن و اندوه دارد و پیروان اهل بیت عَلَیْهِم السَّلَام در ایام عزاداری، لباس سیاه بر تن می کنند، زیرا لباس سیاه، نشانه عشق و دوستی به ساحت آنان، اعلام جانبداری از سرور آزادگان در جبهه ستیز حق و باطل و اظهار تیره شده آفاق حیات معنوی است.

لباس مشکین در عزاداری امامان نور علیهم السلام، خصوصاً سالار شهیدان، جسمی تیره، ولی جانی روشن دارد. در ظاهر سیاه است ولی در باطن سپید(1) و چه خوش گفته است شیخ محمود شبستری در گلشن راز:

سیاهی گر بدانی نور ذات است

به تاریکی درون، آب حیات است

چه می گویم، که هست این نکته باریک

شب روشن میان روز تاریک(2)

این رسم از اسلام آغاز شده و به دیگر ملل و غیر مسلمین نیز سرایت کرده و فقط مخصوص مسلمانان نیست. و در میان روسها و آلمانها نیز وقتی مصیبتی وارد می شود اعم از غرق شدن کشتی و به وقوع پیوستن زلزله، پرچم های مشکی علم می کنند که نشانه عزا برای از دست رفتگان نشان است و آنها هنگام از دست دادن دوستان و نزدیکان نیز بر لباسشان ربان مشکی می زنند. امام حسین و شیعیان نیز با ارث بردن از گذشتگان که در مصیبت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان اینم لباس مشکی به تن می کردند، در موقع شهادت ائمه اطهار علیهم السلام و خصوصاً سید الشهداء علیه السلام لباس مشکی به تن می کنند و دیوارها را سیاه پوش می نمایند که این خود موجب فراهم آمدن فضایی محزون در شهر و جامعه می گردد و همچنین موجب آگاهی مردم و در نهایت زنده نگهداشتن قیام و پیام حضرت سیدالشهداء علیه السلام می گردد.(3)

ص: 182

1- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، حیات فرات، نشر: دفتر نشر معارف، چاپ: دوم، ص 86

2- گلشن راز، برگرفته از حیات فرات، ص 88

3- شیرازی، حسن، شعائر حسینی، نشر: جمهوری، چاپ اول، ص 95 و 96

سیاه پوشی در میان اهل بیت علیهم السلام

گزارش های مستند بیانگر این حقیقت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نیز مهر تأیید بر این سنت منطقی و رسم طبیعی گذاشته و خود در مقام عمل، در عزای عزیزان خویش سیاه پوشیده اند.

به روایت ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، امام حسن علیه السلام در سوگ امیر مومنان علی علیه السلام جامه سیاه بر تن کرد و با همان جامه به میان مردم آمد و برای آنان خطبه خواند.

بنابر حدیثی که اکثر محدثان آن را نقل کرده اند، امام باقر علیه السلام فرمود: زنان بنی هاشم در سوگ ابا عبدالله علیه السلام جامه سیاه بر تن کردند:

زمانی که امام حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید، زنان بنی هاشم لباس های سیاه و جامه های خشن موین پوشیدند و از گرما و سرما شکایت نمی کردند. (پدرم) علی بن الحسین به علت اشتغال آنان به مراسم عزاداری، برای شان غذا درست می کرد. (1)

پیشینه عزاداری (سابقه عزاداری)

اشاره

پیشینه عزاداری به پس از حادثه عاشورا برمی گردد و پس از آن امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و... برای حادثه کربلا عزادار بوده اند.

در اینجا تنها به ذکر نمونه هایی اندکی از آنچه که در تاریخ نقل شده، بسنده می کنیم:

1. عزاداری بنی هاشم در ماتم سیدالشهداء علیه السلام

از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

«پس از حادثه عاشورا هیچ بانویی از بانوان بنی هاشم، سرمه نکشید و خضاب ننمود و از خانه هیچ یک از بنی هاشم دودی که نشانه پختن غذا

ص: 183

باشد، بلند نشد تا آنکه ابن زیاد به هلاکت رسید. ما پس از فاجعه خونین عاشورا پیوسته اشک بر چشم داشته ایم.» (1)

2. عزاداری امام سجاد علیه السلام

حزن امام سجاد علیه السلام بر آن حضرت به صورتی بود که دوران زندگی او همراه با اشک بود. عمده اشک آن حضرت بر مصایب سیدالشهداء بود و آنچه بر عموها، برادران، عموزاده ها، عمه ها و خواهرانش گذشته بود تا آنجا که وقتی آب می آوردند تا حضرت میل کند، اشک مبارکشان جاری میشد و می فرمود: چگونه بیاشامم در حالی که پسر پیامبر را تشنه کشتند؟!

و می فرمودند: «هرگاه شهادت اولاد فاطمه زهرا علیها السلام را به یاد می آورم گریه ام

می گیرد.» (2)

3. عزاداری امام محمد باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام در روز عاشورا برای امام حسین علیه السلام مجلس عزا برپا می کرد و بر مصایب آن حضرت گریه می کرد (3)

4. عزاداری امام صادق علیه السلام

و امام موسی کاظم علیه السلام می فرماید: «چون ماه محرم فرا می رسید، دیگر پدرم خندان نبود، بلکه اندوه از چهره اش نمایان می شد و اشک بر گونه اش جاری بود، تا آنکه روز دهم محرم فرا می رسید. در این روز مصیبت و اندوه امام به نهایت می رسید. پیوسته می گریست و می فرمود: امروز، روزی است که جدم حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید.» (4)

1 . 2 . 3

ص: 184

1- امام حسن و امام حسین علیهما السلام ، ص 145

2- شیخ صدوق، خصال، ج 1، ص 131. 4. مصباح المجتهد، ص 713.

3- مصباح المجتهد، ص 713.

4- امام حسن و امام حسین علیهما السلام ص 143.

5. عزاداری امام موسی کاظم علیه السلام

از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود:

چون ماه محرم فرا می رسید، کسی پدرم را خندان نمیدید و این وضع ادامه داشت، تا روز عاشورا، در این روز پدرم را اندوه، حزن و مصیبت فرا می گرفت، می گریست و می گفت: در چنین روزی حسین را که درود خدا بر او باد، کشتند.»⁽¹⁾

6. عزاداری امام رضا علیه السلام

گریه امام رضا عیلام در حدی بود که فرمودند:

«همانا روز مصیبت امام حسین علی، پلک چشمان ما را مجروح نموده و

اشکها را جاری ساخته است.»⁽²⁾

7. عزاداری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

بنابر روایات، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت و ظهور بر شهادت جدشان گریه می کنند. آن حضرت خطاب به جد بزرگوارشان سیدالشهداء علیه السلام فرمود:

اگر روزگار مرا به تاخیر انداخت و از یاری تو دور ماندم و نبودم تابا دشمنان تو جنگ کنم و با بدخواهان تو پیکار نمایم، هم اکنون هر صبح و شام بر شما اشک می ریزم و به جای اشک در مصیبت شما خون از دیده میبارم و آه و حسرت از دل پر درد بر این ماجرا می کشم.»

در سوگ تو باسوز درون میگیریم

از نیل و فرات و شط، فزون می گیریم

گر چشمه چشم من، بخشکد تا حشر

از دیده به جای اشک، خون می گیریم⁽³⁾

ص: 185

1- حسین، نفس مطمئنه، ص 56

2- بحار الانوار، ج 44، ص 284

3- مصطفی آرنگ به نقل از اشک حسینی، سرمایه شیعه، ص 66؛ نهاد نمایندگی مقام معظم، هبری، حیات فرات، ص 79-82

آیا گریه و عزاداری در سوگ اولیا باعث حالت افسردگی در انسان می شود؟

بیشترین و مهمترین تاثیری که مراسم عزاداری بر شرکت کنندگان دارد تاثیرات روانی است و بیشتر شرکت کنندگان نیز در پی همین نوع تاثیرات هستند.

از این روی برخی می گویند: عزاداری و گسترش این مراسم در طول سال و به مناسبت های مختلف باعث می شود که جامعه از شادی های دور باشد و بیشتر احساس غمگینی کند و در نتیجه باعث افزایش افسردگی در جامعه شود.

پاسخ:

گریه دارای یک ظاهر است و یک باطن. ظاهر آن یک امر فیزیولوژیک است یعنی باید تاثیرات روانی از طریق محرکهای بیرونی یا درونی مثل تفکر شکل گیرد، سپس این تاثیرات وارد چرخه فیزیولوژی مغز و اعصاب شود. در این هنگام بخش خاصی از مغز فعال شده و غدد اشکی چشم را فرمان فعالیت می دهد، و در نهایت قطرات اشک جریان پیدا می کند که ما آن را گریه می نامیم. باطن گریه همان تاثیرات درونی است. نگاه روان

شناختی و داوری ما در باب پیامدهای گریه نیز دایر مدار تاثیرات عاطفی است. اگر در روایات آمده است که گریه کردن و گریاندن و حالت گریه به خود گرفتن در مراسم عزای حسینی منشأ اثر دنیوی و اخروی است، به تاثیرات درونی نظر دارد وگرنه به صورت مصنوعی و یا با مواد شیمیایی هم می توان، چشمانی گریان داشت.

باطن گریه

باطن گریه بر چهار نوع تقسیم میشود که یک نوع آن معطوف به خود و نیازهای سرکوب شده خود است و می تواند با افسردگی هم بستگی مثبت

داشته باشد کنش و واکنش و رای اجتماعی فرد را مختل سازد، اما سه نوع دیگر، امید بخش است و حرمت آفرین و رابطه معکوس با افسردگی دارد؛ نوع اول ناشی از مرگ واقعی است، اما سه نوع دیگر سوگ واقعی نیستند اگر چه در مراسم سوگواری انجام می پذیرد. این چهار نوع عبارتند از:

08 گریه ناشی از ارتباط و علاقه

این گریه به هنگام غم و مصیبت و داغ دیدگی حاصل میشود و اختیاری نیست، و معمولاً بی اراده جاری می گردد. این گریه به اصطلاح روان شناسان و روان درمان گران، تخلیه روانی - هیجانی است و به خود فرد و نیازهای سرکوفته شده او باز می گردد.

9. گریه ناشی از عقیده

این نوع گریه مثل اشکی است که هنگام مناجات از انسان جاری می شود. که ناظر به حال و آینده است. این نوع گریه ریشه در اعتقادات دارد و مربوط به ترس های دنیوی و زندگی روزمره نیست.

10. گریه ناشی از کمال خواهی

برخی از گریه ها ناشی از فضیلت طلبی و کمال خواهی است، مثل گریه ای که در فقدان معلم و مربی اخلاق و پیامبر و امام و... رخ میدهد این نوع از آن جهت است که ما در عمق وجودمان کمال و رشد را تحسین می کنیم و از بودن آن کمالات، ذوق زده می شویم و از فقدان آنها ناراحت می گردیم. گاهی در مراسم عزاداری گریه هایی از این نوع وجود دارد.

11. گریه بر مظلوم

در این نوع گریه بر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و امامان مخصوصاً سالار شهیدان و مصایبی که بر آنان وارد شده می گرییم. (1)

ص: 187

برپایی مراسم عزا چه تاثیری در احیای شعائر دینی دارد؟

با مراجعه به عقل سلیم پی می بریم که برپایی مراسم عزای اولیای الهی، خصوصا سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام موافق با عقل می باشد، زیرا احیا و تکریم آنان در حقیقت تکریم شخصیت عظیم و شعارهای آنان است و هر امتی که بزرگان خود را تکریم نکند محکوم به شکست و نابودی است. بزرگانند که تاریخ امتها را ترسیم کرده و آن را می سازند.

شیخ عبدالله عائلی که از علمای اهل سنت لبنان است درباره امام حسین علیه السلام می نویسد: «شیعه هر سال خاطره عاشورا را به جهات تربیتی و دینی تجدید می کند، و این زنده یادی است بسیار مهم و سازنده که با نمایش جانبازی دلاوران کربلا، روح شهامت و فداکاری به انسان ها می دهد و آنها را ضد قدرت های ستمگر بسیج

می کند. از این رو ما معتقدیم که تنها با آموزش و پیگیری نهضت حسین علیه السلام است که می توانیم در راه مبارزه با استعمارگران غرب و شرق و حکومت های دست نشانده آنان موفق گردیم. (1)

علامه محمد تقی مصباح یزدی در این زمینه می گوید: به این صحنه ها عزاداری ها باید به وجود بیاید که غیر از عوامل شناخت، عامل احساسی - عاطفی نیز در ما تقویت شود. اگر این عواطف تحریک شود، آن گاه می تواند اثر کند. نمونه چنین تاثیری را می توانید در زندگی فردی و نیز اجتماعی خود بیابید.

البته بحث درباره شخصیت سیدالشهدا علیه السلام، تشکیل میزگردها، کنفرانسها، سخنرانیها، نوشتن مقالات و امثال این قبیل کارهای فرهنگی، علمی و تحقیقات نیز بسیار مفید و لازم است و البته در جامعه ما نیز انجام می شود. (2)

ص: 188

1- برترین هدف در برترین نهاد، ص 121، علائلی، ص 88

2- قصر نامه، ماهنامه خبری علمی، فرهنگی اجتماعی، آذرماه، 89، شماره 10، ص 22 و 23. باتلخیص و تصرف.

امام سوم شیعیان جهان در ادبیات فارسی اعم از نثر و نظم جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده و کتاب های فراوانی در تاریخ زندگی، قیام حسینی به رشته تحریر در آمده و علل آن را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

ترجمه کتابهای زبان های مختلف به ویژه زبان عربی نیز وسعت کتاب های ارائه شده در مورد این موضوع را دو چندان کرده است.

در نظم نیز وضعیت به همین منوال است و از عصر قیام آن حضرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام تاکنون شعرای فارسی زبان در قرون و اعصار متمادی به مدیحه سرایی و مرثیه سرایی پرداخته اند که به علت کثرت آنان مجال بیان شعرهایشان نیست ولی به علت آنکه امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرموده اند: مَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبُكِيَ وَابْكِيَ بِهِ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَغَفَرَ لَهُ «

هیچ کس نیست که در مورد حسین شعری بگوید و بگرید و بگریاند

مگر آن که خداوند بهشت را بر او واجب نماید و او را ببخشد.»

بدین جهت و به دلیل اهمیت شعر و شاعری در مکتب امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام بر آن شدیم بخشی از این کتاب را به شعرهای سروده شده فارسی در مدح، منقبت و مصیبت سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَام اختصاص دهیم.

امیدواریم مورد قبول خداوند بزرگ واقع گردد.

گر نکته دان عشقی بشنو تو این حکایت

زان یار دلنوازم شکر بیست با شکایت
گر نکته دان عشقی بشنو تو این حکایت
بی مزد بود و منت هر خدمتی که کردم
یارب مباد کس را مخدوم بی عنایت
رندان تشنه لب را آبی نمی دهد کس
گوئی ولی شناسان رفتند ازین ولایت
در زلف چون کمندش ای دل هیچ کانجا
سرها بریده بینی بی جرم و بی جنایت
چشمت بغمزه ما را خون خورد و می پسندی
جانا روا نباشد خونریز را حمایت
در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود
از گوشهای برون آی ای کوکب هدایت
از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود
زنهار ازین بیابان وین راه بی نهایت
ای آفتاب خوبان میجوشد اندرونم
یکساعتم بگنجان در سایه عنایت
این راه را نهایت صورت کجا توان بست
کش صد هزار منزل پیش است در هدایت
هر چند بردی آبم دری از درت نتابم
جور از حبیب خوشتر کز مدعی رعایت

عشقت رسد بفریاد گر خود بسان حافظ

قرآن زبر بخوانی در چارده روایت (1)

ص: 191

1- دیوان حافظ، ص 83 و 84، غزل شماره 94

کاروان کربلا

شیعیان دیگر هوای نینوا دارد حسین
روی دل با کاروان کربلا دارد حسین
از حریم کعبه جدش به اشکی شست دست
مروه پشت سر نهاد، اما صفا دارد حسین
میبرد در کربلا هفتاد و دو ذبح عظیم
بیش از اینها حرمت کوی منا دارد حسین
پیش رو راه دیار نیستی، کافیش نیست
اشک و آه عالمی هم در قفا دارد حسین
بس که محملها رود منزل به منزل با شتاب
کس نمیداند عروسی یا عزا دارد حسین
رخت و دیباج حرم چون گل به تاراجش برند
تا به جایی که کفن از بوریا دارد حسین
بردن اهل حرم دستور بود و سر غیب
ورنه این بی حرمتیها کی روا دارد حسین
سروران، پروانگان شمع رخسارش ولی
چون سحر روشن که سر از تن جدا دارد حسین
سر به قاچ زین نهاده، راه پیمای عراق
می نماید خود که عهدی با خدا دارد حسین
او وفای عهد را با سرکند سودا ولی
خون به دل از کوفیان بی وفا دارد حسین

دشمنانش بی امان و دوستانش بی وفا

با کدامین سر کند، مشکل دوتا دارد حسین

ص: 192

سیرت آل علی عَلَیْهِمُ السَّلَامُ سرنوشت کربلاست

هر زمان از ما، یکی صورت نما دارد حسین

آب خود با دشمنان تشنه قسمت می کند

عزت و آزادگی بین تا کجا دارد حسین

دشمنش هم آب می بندد به روی اهل بیت

داوری بین با چه قومی بی حیا دارد حسین

بعد ازینش صحنه ها و پرده ها اشکست و خون

دل تماشا کن چه رنگین سینما دارد حسین

ساز عشق است و به دل هر زخم پیکان زخمه ای

گوش کن عالم پر از شور و نوا دارد حسین

دست آخر کز همه بیگانه شد دیدم هنوز

با دم خنجر نگاهی آشنا دارد حسین

شمر گوید گوش کردم تا چه خواهد از خدا

جای نفرین هم به لب دیدم دعا دارد حسین

اشک خونین گویا بنشین به چشم شهریار

کاندرین گوشه عزایی بی ریا دارد حسین (1)

ص: 193

با تو هستم جان خواهر، همسفر

پس زجان بر خواهر استقبال کرد

تارخش بوسد الف را دال کرد

همچو جان خود در آغوشش کشید

این سخن آهسته در گوشش کشید

کای عنانگیر من آیا زینبی

یا که آه درد مندان در شبی

پیش پای شوق زنجیری مکن

راه عشق است این عنانگیری مکن

با تو هستم جان خواهر همسفر

تو به پا این راه کویی من به سر

خانه سوزان را تو صاحبخانه باش

با زنان در هم‌رهی مردانه باش

جان خواهر در غمم زاری مکن

باصدا بهرم عزاداری مکن

معجز از سر پرده از رخ و مکن

ای آفتاب و ماه را رسوا مکن

هست بر من ناگوار و ناپسند

از تو زینب گر صدا گردد بلند

هر چه باشد تو علی را دختری

ماده شیرا کی کم از شیر نری

با زبان زینبی شاه آنچه گفت

با حسینی گوش زینب می شنفت

ص: 194

با حسینی لب هر آنچ(1) او گفت راز

شه به گوش زینبی بشنید باز

گوش عشق آری زبان خواهد زعشق

فهم عشق آری بیان خواهد زعشق

با زبان دیگر این آواز نیست

گوش دیگر محرم این راز نیست

ای سخنگو لحظه ای خاموش باش

ای زبان از پای تا سر گوش باش

تا بینم از سر صدق و صواب

شاه را زینب چه می گوید جواب

گفت زینب در جواب آن شاه را

کای فروزان کرده مهر و ماه را

عشق را از یک مشیمه(2) زاده ایم

لب به یک پستان غم بنهاده ایم

تریت بوده است بر یک دشمنان

پرورش در جیب یک آغوشمان

تا کنیم این راه را مستانه طی

هر دو از یک جام خورد ستیم می

هر دو در انجام طاعت کاملیم

هر یکی امر دگر را حاملیم

تو شهادت جستی ای سبط(3) رسول

- 1- هر آنچه، مخفف هر آنچه است
- 2- مشیمه، بفتح اول؛ بچه دان، پرده ای که کودک قبل از به دنیا آمدن در آن قرار دارد.
- 3- سبط، فرزند زاده، نوه دختری
- 4- دیوان عمان سامانی، ص 83-85

در مکتب عشق شاهباز است حسین

مرآت دل اهل نیاز است حسین

سر داد ندادتن بذلت آری

جاوید کننده نماز است حسین

حسین بن علی را ظهر عاشورا

به مقتل ذکر جانپروور نماز است

به زیر تیرباران بست قامت

که از جان نیز بالاتر نماز است

یارب دلم از غم حسین محزون کن

در سینه ما محبتش افزون کن

جز مهر حسین هر آنچه باشد بدلم

خون ساز و زراه دیده ام بیرون کن

من تشنه لبم آب حیاتم بدهید

راهی به سفینه النجاتم بدهید

من تذکره کربلا میخوام

ای آل محمد این براتم بدهید.

بخش سیزدهم: مقایسه کعبه و کربلا (تشابه ها)

اشاره

ص: 197

وجه تشابه های کعبه مکرمه و کربلائی معلی فراوان است، که درباره آن کتاب هایی به رشته تحریر در آمده است. از بیت الله و نورالله گرفته تا بکه و بکاء و از ام القرى و ابوالانمه النجاء گرفته تا سید بیوت و سید جوانان اهل بهشت و تشابه های گوناگون دیگری که گویای اهمیت والا و جایگاه ویژه سرزمین مقدس کربلاست.

بدین جهت ما در یک مقایسه کوتاه وجه تشابه های بین مکه و کربلا را بیان نموده ایم که همگی آنها بیانگر عظمت و ابهت قیام امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام است.

1. مکه خانه خدا و کربلا نور خدا

مکه مکرمه، بیت اله است و در کربلا نور الله و حجه الله چنانچه خودشان فرموده اند:

ماییم نور و روشنی دهنده به کسی که پیروی نماید ما را، و ماییم هادی و راهنما از برای کسی که قبول هدایت نماید به واسطه ما.

ص: 198

2. کعبه در روی زمین جهت عبادت اولین خانه است و نور امام حسین علیه السلام هم اولین نور است.

کعبه اول بیت است که در روی زمین به جهت عبادت مردم وضع شده چنانکه

می فرماید:

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِنَكَّةَ (1) نور آن حضرت هم اول ما خلق الله است، با نور جد و پدر و مادر و برادر خود، قبل از سماوات و ارضین چنانکه مروی است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: بدرستی که خلاق عالم خلق نمود مرا و علی و فاطمه و حسن و حسین را قبل از اینکه خلق نماید آدم عَلَيْهِ السَّلَام، را در زمانی که نه آسمان بود و نه زمین و نه ظلمت و نه نور شمس و نه قمر و نه بهشت و نه جهنم.

3. کعبه اشرف مواضع است از جهت شأن و شرف و همینطور سیدالشهدا علیه السلام اشرف مردم است.

ابن عباس می گوید که روزی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به اصحاب خود فرمود:

ای مردم، آیا خبر بدهم به شما بهترین مردم را از حیثیت جد و جده؟

گفتند: بلی یا رسول الله.

فرمود: حسن و حسین که جد آنها رسول خدا و جده آنها خدیجه بنت خویلد است.

4. مکه ام القری و امام حسین علیه السلام ابوالأئمه النجباء هستند.

اوست امام، فرزند امام، برادر امام، پدر امامان و اوست نوری که فرزند نور است و پدر نورهای نه گانه.

ص: 199

5 وجه تشابه مکه معظمه و کربلا در گریه کردن مکه یا کعبه را بکه گویند.

به جهت آنکه در مکه گریه می کنند. مردان و زنان برای طلب مغفرت، همین طور در قبر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به مصیبت آن حضرت گریه می کنند تمامی زوار در شب و روز، بلکه گروهی از ملائکه تا روز قیامت خواهند گریست. (1)

6 کعبه مأمّن مردم و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام مأمّن مردم

مکه و کعبه را خلاق عالم به جهت مخلوق خود مأمّن قرار داده، چنانکه می فرماید:

وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا (2) و همینطور امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام نیز مأمّن است برای تمام مردم. چنانکه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ می فرماید: مثل اهل بیت من مثل کشتی حضرت نوح است، هر کسی به آن کشتی سوار شد نجات می یابد و هر کس تخلف ورزید غرق و هلاک شد.

7. کعبه سید بیوت و امام حسین سید جوانان اهل بهشت هستند.

نگاه کردن به کعبه باعث مغفرت گناهان است، همینطور نگاه کردن به جمال مبارک امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام هم بزرگترین عبادت بود.

چنانکه نوشته اند که: عادت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ آن بود که مخصوصاً از

منزل خود رفته، امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام را دیده برمی گشت.

ص: 200

1- وسایل 14 / 421 ، بحار الانوار، ج 45، ص 223، ثواب الاعمال ، ص 97، کامل الزیارات، ص 84، و با اندکی تغییر در پیش از سی منبع دیگر نقل شده است.

2- . آل عمران ، آیه 97

9. انفاق در مکه و یا زیارت امام حسین علیه السلام

هر در همی (1) که در راه حج و مکه انفاق شود، نزد خداوند بزرگ هزار برابر محسوب می شود، این ثواب برای کسی که در راه زیارت و تعزیه داری امام حسین ع**لیهم انفاق نماید، نیز نوشته میشود.

10. کعبه و سیدالشهداء برای جهانیان هدایت هستند.

مکه هدایت برای جهانیان است تا آنجا که قرآن کریم می فرماید:

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ (2)

امام حسین علیه السلام برای جهانیان است تا آنجا که در زیارت می خوانیم:

وَبَدَلَ مُهَجَّتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ (3) یعنی خداوند بدل نمود (امام حسین علیه السلام) در راه رضای تو، خون قلب و مایه حیاتش را تا اینکه برهاند و خلاص نمایند بندگان تو را از جهالت و حیرت ضلالت و سرگردانی

11. بنای کعبه از ابراهیم خلیل است؛ اما خون و گوشت امام حسین علیه السلام از محمد صلی الله علیه و آله حبيب اله است.

چنانکه در اخبار وارد شده که سید الشهداء علیه السلام از پستان کسی شیر نخورده، حتی از پستان مادرش فاطمه علیها السلام نیز شیر نخورده، بلکه غذای خود آن حضرت از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله ایجاد شده که زبان مبارک خود را به دهان امام حسین علیه السلام می گذاشت و آن حضرت میمکید تا سیر می شد (4)

ص: 201

1- درهم: معرب درم، سکه نقره، نقره مسکوک (لغت نامه دهخدا)

2- . آل عمران، 96

3- عبارتی است از زیارت اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام

4- همین روایتی طولانی در بخش اول این کتاب با آدرس آن آورده ایم.

12. کعبه قبله رسول خدا و امام حسین علیه السلام میوه دل و ریحانه پیامبر

12. کعبه قبله رسول خدا و امام حسین علیه السلام میوه دل و ریحانه پیامبر(1)

کعبه قبله رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بود اما امام حسین علیه السلام مهجه (2) قلب پیغمبر و میوه دل و ریحانه او بود، بلکه به منزله نفس آن حضرت بود. چنانکه پیامبر می فرمایند:

حسین از من است و من از حسینم، هر که اذیت کند به او پس به تحقیق مرا اذیت کرده است.

13. طواف کعبه رکنی از ارکان اسلام است و زیارت امام حسین علیه السلام رکنی از ارکان ایمان است.

اگر شخصی استطاعت داشته باشد و حج به جا نیاورد رکن اسلامش ناقص است و تارک زیارت امام حسین علیه السلام ناقص الایمان است.(3)

14. همه دلها مشتاق کعبه اند و حسین و مغناطیس قلوب شیعیان است.

15. جایز است که مسافر در مسجد الحرام نماز را تمام بخواند و این کم در حایر حسین علیه السلام نیز جاری است.

15. جایز است که مسافر در مسجد الحرام نماز را تمام بخواند و این کم در حایر حسین علیه السلام نیز جاری است.(4)

16. حجرالاسود زینت مکه است و حسین علیه السلام زینت بهشت است، بلکه زینت عرش است

16. حجرالاسود زینت مکه است و حسین کی زینت بهشت است، بلکه زینت عرش است(5)

ص: 202

1- عبدالجبارین، زین العابدین، حدیث کعبه و کربلا، تصحیح: جواد طباطبائی، نشر: آستان قدس، چاپ اول، ص 34-38 با تلخیص و تصرف.

2-2. مهجه: جان و روح، خون میان دل

3- بحار الانوار، ج 98، ص 4 و 5، کامل الزیارات باب 78، ص 193 و 194.

4- همان، باب 82، ص 294.

5- همان، ج 43، ص 275-276 ارشاد مفید 131 / 2.

17. به خانه مکه از طوفان خسارتی وارد نشد و حائر حسینی نیز از جریان آب و طوفان سالم ماند.

17. به خانه مکه از طوفان خسارتی وارد نشد و حائر حسینی نیز از جریان آب و طوفان سالم ماند. (1)

18. در اطراف کعبه چند مقام معظم محترم است، مانند منی، مشعر، عرفات، صفا، مروه.

و در اطراف قبر حسین عَلَیْهِ السَّلَام نیز چند مقام معظم است، مانند:

قتلگاه، آن حضرت محل قتل شهداء، و علی اکبر، چون سبب شرافت منی به واسطه آن است که محلی است که ابراهیم اسماعیل را خوابانید به جهت کشتن، و در محل شهادت حسین عَلَیْهِ السَّلَام و علی و عبدالله و عباس و قاسم نیز از آن اشرف است. (2)

ص: 203

1- همان، ج 98، ص 106- فرحه الغری، ص 71.

2- آیه اله شوشتری، اشک روان بر امیر کاروان (الخصائص الحسینیة)، صص 374-390 با تلخیص و تصرف

بخش چهاردهم: معماها و سؤال و جواب ها

اشاره

ص: 205

مربوط به ولادت، شهادت و گوشه هایی از زندگانی حضرت امام حسین است که پاسخ آنها در آخر کتاب به طور مشروح بیان شده است.

1. پرچمدار حضرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام چه کسی بود؟
2. نام غلام امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام چه بود و چه ویژگی هایی داشت؟
3. مؤذن امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام چه نام داشت؟
4. هجرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام و یارانش، از مدینه به مکه، در چه زمانی بوده است؟
5. مدت اقامت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در مکه معظمه چند روز بود و آن حضرت در چه تاریخی از مکه رهسپار عراق شدند؟
6. چرا امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در ایام حج، حج تمتع خود را به عمر مفرده تبدیل کردند و از مکه خارج شدند؟
7. خطبه امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام هنگام خروج از مکه چه بود و به چه نامی و معروف است؟
8. سفیر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به کوفه که بود؟

9. مردم کوفه چند نامه دعوت برای امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام ارسال کرده بودند؟

10. در زمان دعوت مردم کوفه از امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام چند نفر با حضرت

مسلم عَلَیْهِ السَّلَام بیعت کردند؟

11. نام طفلان حضرت مسلم عَلَیْهِمَا السَّلَام چیست؟

12. وقتی جبرئیل، اسامی ائمه عَلَیْهِم السَّلَام را بر حضرت نوح عَلَیْهِ السَّلَام بیان می کردند، آن حضرت به سبب نام کدام یک گریه کردند؟

13. سه عامل اساسی که سبب قیام امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام شد چه بود؟

14. چرا به کربلا کربلا می گویند؟

15. چه سنت و خصلتی بین اصحاب امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در موقع اعزام به میدان، معمول بود؟

16. اولین شهید، از خاندان بنی هاشم، در روز عاشورا چه کسی بود؟

17. از بین 72 یار امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام چند نفر آنها بنی هاشم و از بستگان نزدیک امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام بوده اند؟

18. نام شخصی که در ابتداء، جزء لشگر دشمن بود و سپس با توبه واقعی جزء لشگر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام گردید و در رکاب حضرتش به شهادت رسید، چه بود؟

19. چرا امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام یک شب (شب عاشورا) از دشمن مهلت خواست؟

20. در شب عاشورا، چند نفر از افراد دشمن به سپاه امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام پیوستند؟

21. عروس و دامادی که در روز عاشورا به شهادت رسیدند، چه نام داشتند و کیفیت شهادت آنها چگونه بود؟

22. نخستین زن و تنها زنی که در کربلا به شهادت رسیده که بود؟

23. یکی از واجبات الهی که امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در روز عاشورا و در بحبوحه جنگ بصورت عملی و آشکارا انجام دادند، چه بود؟
24. در ظهر عاشورا چه کسی وقت نماز را به امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام متذکر شد و امام در جواب چه فرمودند؟
25. پیرمردی از طایفه بنی اسد که جزء یاران پیامبر بود و در جنگ بدر و حنین شرکت جسته بود و در روز عاشورا در رکاب امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به شهادت رسید، چه نام داشت؟
26. نام غلامی که آزاد شد، و در خانه علی عَلَیْهِ السَّلَام و امام حسن عَلَیْهِ السَّلَام و سپس امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام زندگی کرده بود و سرانجام در کربلا در رکاب امام حسین به شهادت رسید چه بود؟
27. چرا امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در روز عاشورا بعضی از دشمنان خود را نمی کشت؟
28. چرا روز عاشورا، بزرگترین روز مصیبت معرفی شده است؟
29. میان حضرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام و حضرت یحیی ابن زکریا عَلَیْهِ السَّلَام چه وجه شباهتی وجود دارد؟
30. آخرین سرباز حضرت اباعبدالحسین عَلَیْهِ السَّلَام در روز عاشورا چه کسی بود و توسط چه کسی به شهادت رسید؟ 31. سر کدام یک از شهدای کربلا را از بدن جدا نکردند؟ چرا؟
32. یاران امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام که در کربلا به اتفاق آن حضرت شهید شدند
چند تن بودند؟
33. شخصی که امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام پیاده، بر سر نعش او آمد و برایش ندبه و گریه کرده، که بود؟

34. در روایات ما چه چیزی به عنوان بدل حج بیت الله الحرام معرفی شده است؟

35. زیارت ناحیه مقدسه چه زیارتی است و دارای چه اوصافی می باشد؟

36. ثواب کسی که در موقع نماز بر خاک کربلا سجده کند چه قدر است؟

37. آخرین شهید کربلا، بعد از شهادت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام چه کسی بود؟

38. سرهای شهدای کربلا در چه زمانی و به دستور چه کسی، از بدن جدا شد؟

39. حضرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در چه زمانی و در کجا به شهادت رسیدند؟

40. حضرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در چند سالگی به شهادت رسیدند؟

41. بعد از شهادت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام چند نفر اسب سوار بر بدن

آن حضرت تاختند؟(1)

42. شمائل جسمانی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام را بنویسید؟

43. یکی دیگر از راههای شناخت شمائل جسمانی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام را بگوئید؟

44. یکی از راههای آشنایی با شمائل صفاتی امام حسین را بیان نمایند و

توضیح دهید؟

45. یک حدیث از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام را درباره رجعت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام بیان نمایند.

46. لقب معروف حضرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام چیست؟

47. کینه امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام چیست؟

ص: 209

48. حضرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در چه زمانی و در کجا چشم به جهان گشودند؟

49. دوران زندگی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به چند بخش تقسیم می گردد؟

50. مدت امامت حضرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام چند سال بوده است؟

51. حضرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام چند سال در عصر رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ زندگی کرده است؟ 52. دوران ملازمت حضرت

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام با حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام چند سال بوده است؟ 53. حضرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام چند سال ملازم و همراه

برادرش امام حسن مجتبی عَلَیْهِ السَّلَام بوده است؟

54. یکی از یاران و اصحاب حضرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام که هر شب، قرآن را ختم می نمود و چهل سال نماز صبح را به وضوی نماز

عشا گذارد، چه نام داشت؟

55. حضرت علی اکبر، فرزند امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام دارای چه سیما و سیرتی بود؟

1. حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام ملقب به سقا.

2. امام حسین علیه السلام غلامی به نام «اشلم» داشت و از ویژگیهای او این بود که قاری قرآن کریم بود و آیات قرآن را با صدای دلنشین تلاوت می کرد. (1)

3. حجاج بن مسروق

4. امام حسین علیه السلام شب یکشنبه 28 رجب سال 60 هجری، همراه فرزندان، برادران (جز برادرش محمد بن حنفیه) و دسته ای از خویشانش، شبانه از مدینه به سوی مکه حرکت کرد و در شب جمعه سوم شعبان به مکه رسیدند. 5. امام حسین علیه السلام و یارانش، حدود 95 روز در مکه اقامت نمودند و چون نمی توانستند حج خود را تمام کنند، آن را به عمره تبدیل نموده و در روز هشتم ذیحجه سال 60 هجری، با خاندان و فرزندان خود از مکه روانه عراق شدند. (2)

6. به دلیل اینکه امام علیه السلام اطلاع حاصل کرد که جمعی از افراد یزید، به نام حج برای ترور و قتل آن حضرت، به سوی مکه گسیل شده اند و ماموریت دارند با سلاحی که در زیر لباس احرام پوشیده اند در ماه حرام و در کنار کعبه، فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله را به قتل برسانند. و خون پاکش را بر زمین بریزد.

ص: 211

1- همان، محمد محمدی اشتهاردی، داستانهای شنیدنی از چهارده معصوم لیل، ص 84

2- همان، ترجمه ارشاد مفید، ج 2، ص 67

7. امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام یک روز قبل از خروج از مکه خطبه ای برای یاران خود خواندند که به خطبه «خط الموت» معروف است، و در آخر این خطبه می فرمایند: هر که می خواهد خون دل خود را در راه ما نثار کند و آماده حرکت است، همراه ما کوچ نماید که من فردا صبح به خواست خدا کوچ خواهم کرد.

8. مسلم بن عقیل

9. حدود 150 نامه

10. هیجده هزار نفر

11. پسران مسلم، ابراهیم و محمد بودند که محمد بزرگتر از ابراهیم بوده و هر دو کمتر از ده سال سن داشتند.

12. حضرت ابا عبدالله الحسین عَلَیْهِ السَّلَام

13. الف) حکومت ستمکار وقت از امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام بیعت خواست و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام هم شدید در مقابل این درخواست ایستادگی می کردند و می فرمودند: هَيْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ ب) دعوت مردم کوفه به عنوان، یک شهر آماده برای قیام ج) عنصر مهم امر به معروف و نهی از منکر

که از فروعات دین مقدس اسلام به شمار می رود.

14. به دلیل اینکه وقتی حضرت ابا عبدالله الحسین عَلَیْهِ السَّلَام نام کربلا را شنیدند فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُرْبِ وَالْبَلَاءِ؛ خدایا پناه می برم به تو از کرب و بلا و غم و اندوه» این موضع، موضع کرب و بلا و محل محنت و غم و اندوه است

15. هر کدام آهنگ میدان می کرد، خدمت امام حاضر می شد و عرض می کرد: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَلِيَّيَّ» حضرت پاسخ ایشان را می داد و می فرمودند: ما در پی شما، به شما ملحق خواهیم شد و این

ص: 212

آیه را تلاوت می کردند: «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» 16. حضرت علی اکبر عَلِيهِ السَّلَام

17. هفده نفر

18. حربین یزید ریاحی

19. برای نماز و مناجات با خدا و دعا و استغفار

20. 32 نفر

21. وهب و هانیه. وهب ابتدا از حضرت حسین عَلِيهِ السَّلَام اذن میدان گرفت و بعد از مدتی مبارزه و کشتن تعدادی از افراد دشمن دو دست او را قطع کردند و به صورت اسیر، نزد عمر سعد بردند و آن کوردل، دستور داد گردنش را زدند و سر بریده اش را به سوی لشگر امام حسین عَلِيهِ السَّلَام انداختند. مادرش سر او را گرفت و خون صورتش را پاک کرد و سپس سر بریده فرزندش را به سوی دشمن انداخت. هانیه همسر وهب خود را به جنازه به خون غلطیده همسرش رسانید و خونهای پیکر او را پاک می کرد و می گفت: «بهشت بر تو گوارا باد» شمر وقتی که چنین دید به غلامش دستور داد تا او را نیز به قتل برساند و غلام با عمود آهنین بر آن نوعروس زد و او را به شهادت رساند.

22. هانیه، همسر وهب

23. اقامه نماز جماعت بود.

24. ظهر عاشورا، «ابو ثمامه صید اوی» با توجه به موقعیت خورشید دریافت که ظهر شده است. لذت به امام حسین عَلِيهِ السَّلَام عرض کرد: گر چه می دانم دشمن مهلت نمی دهد ولی دوست دارم خدا را در حالی ملاقت کنم که آخرین نماز را با تو خوانده باشم. امام عَلِيهِ السَّلَام به آسمان

ص: 213

نگاه کرد و فرمودند: مرا به یاد نماز انداختی، خدا تو را از یاد آوران و نمازگزاران قرار دهد. اکنون اول وقت نماز است از دشمن بخواهید که مهلت دهد تا ما نماز را بخوانیم.

25. «انس بن حارث کاهلی» که از بستگان حبیب بن مظاهر بود.

26. جون

27. امام سجاد علیه السلام می فرماید: کسانی را که پدرم نمی کشت در نسل آنها، شخصی وجود داشت که ما اهل بیت را دوست بدارد و پدرم، برای حفظ آن دوستدار ما در صلب پدرش، پدر را نمی کشت.

28. امام صادق علیه السلام فرمودند: به سبب اینکه اصحاب کساء، که عزیزترین مردم، نزد خداوند متعال هستند، پنج نفر بودند (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) حضرت علی علیه السلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام حضرت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام) وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت کردند، هر چند مصیبت بزرگ بود، ولی چهار تن دیگر از اصحاب کساء باقی ماندند و به عنوان مرجع و پناهگاه مردم مطرح بودند، وقتی که حضرت زهرا علیه السلام به شهادت رسیدند ضمن اینکه مصیبت بسیار عظیم بود، اما مردم وجود سه تن دیگر از اصحاب کساء را در خود می دیدند و آنان پناهگاه مردم بودند، اما وقتی امام حسین علیه السلام شهید شدند، دیگر از اصحاب کساء کسی نبود که به عنوان مرجع و ملجاء مردم باشد؛ از این جهت همان طور که بقای امام حسین علیه السلام مثل بقای همه اصحاب کساء است، رفتن او هم مثل رفتن همه آنها می باشد و به این دلیل است که روز عاشورا به عنوان بزرگترین روز از نظر مصیبت، غم و گریستن معرفی شده است.

29. بیان شباهت ها:

ص: 214

اول) برای این دو معصوم قبل از نامگذاری آنها، هم نام و هم اسمی وجود نداشته است. دوم) مدت حمل هر دو شش ماه بوده است. سوم) قبل از ولایت هر دو، اخبار و وحی آسمانی، ولادت و شرح احوال هر دو را بیان کرده بود. چهارم) گریستن آسمان بر هر دو که در تفسیر آیه کریمه «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ» وارد شده است. پنجم) قاتل هر دو مولود فساد بوده است. ششم) سر هر دو را در طشت طلا نهادند و برای تبهکاران آلوده دامن هدیه بودند. لکن تفاوتی که هست این است که سر یحیی عَلَیهِ السَّلَام را در طشت بریدند تا خون او به زمین نرسد و سبب غضب الهی نشود. اما ستمکاران کوفه و اتباع بنی امیه - لعنهم الله - این را هم از حضرت سید الشهداء دریغ داشتند.

هفتم) تکلم سر این دو مظلوم (طبق روایات)

30. آخرین سرباز امام حسین عَلَیهِ السَّلَام در روز عاشورا، حضرت علی اصغر عَلَیهِ السَّلَام بود که بر روی دستهای آقا اباعبدالله عَلَیهِ السَّلَام با تیر حرمله بن کامل اسدی به شهادت رسید.

31. اول) حضرت علی اصغر، زیرا امام حسین عَلَیهِ السَّلَام او را دفن کردند.

دوم) حربن یزید ریاحی که خویشانش مانع بریده شدن سر او شدند.

32. طبق قول مشهور 72 نفر می باشند.

33. حربن یزید ریاحی

34. بدل حج بیت الله الحرام، زیارت قبر حضرت اباعبدالله الحسین عَلَیهِ السَّلَام است، تا کسانی که قدرت و استطاعت زیارت خانه خدا را ندارند، به

ص: 215

بدل آن، یعنی زیارت مرقد مطهر حضرت امام حسین علیه السلام متمسک) شوند.

35. زیارت ناحیه مقدسه: زیارتی است که از حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده و در این زیارت شریف، حضرت اسامی همه شهدای کربلا- را با اسم و رسم ذکر فرموده و بر آنان درود فرستاده و نام قاتلین هر کدام را نیز برده و بر آنان لعنت فرستاده است.

36. در رساله «نجات العباد» آمده است، کسی که در موقع نماز بر خاک کربلا سجده کند، موانع قبولی نماز بر طرف می شود و به برکت خاک قبر حسین علیه السلام نمازش پذیرفته میشود.

37. پیرمردی به نام «شوید بن عمرو» که در روز عاشورا تا آخرین توان خود جنگید و بر اثر ضربات بسیار و زخم های فراوان بیهوش شد و به زمین افتاد. دشمن خیال کرد که او کشته شده است و به این دلیل از او دست برداشت.

او پس از ساعتی به هوش آمد و فهمید که امام حسین علیه السلام شهید شده است، پس با همان حال برخاست و با خنجرى که همراهش بود به دشمن حمله کرد و بعد از مدتی جنگیدن به شهادت رسید، به این ترتیب او آخرین نفر از اصحاب امام حسین علیه السلام بود که بعد از شهادت آن حضرت به شهادت رسید.

38. در روز یازدهم محرم به دستور عمر سعد

39. در روز عاشورای سال 61 هجری، در کربلا

40. در سن 57 سالگی

ص: 216

41. ده نفر بودند که با اسبانشان بر بدن امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام تاختند، به گونه ای که استخوان های سینه و پشت آن حضرت را در هم شکستند. (1)

42. قاضی عیاض در بیان شمایل جسمانی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام می گوید:

حسین عَلَیْهِ السَّلَام دارای پیشانی کشیده، محاسن پر پشت، سینهای ستبر و گشاده، شانه هایی بزرگ (چهار شانه)، استخوان بندی درشت، دست، پا و بازویی کشیده، کف دست و کف پای بزرگ، سیمایی خوش قامتی میانه بالا، نه خیلی بلند و نه خیلی کوتاه، موهایی شانه زده و قامتی موزون و یکنواخت بود. (2)

43. یکی دیگر از راههای شناخت شمائل جسمانی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام، از طریق شناخت شمائل جسمانی پیامبر اکرم صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ است، چرا که امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در صورت و سیره شبیه ترین مردم به رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ بود، در شبهای تاریک نور از جبین مبین و پایین گردن او ساطع بود و مردم در کودکی آن حضرت را با نور می شناختند. (3)

44. یکی از راه های آشنایی با شمایل صفاتی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام آشنایی القاب و صفات وجودی ایشان است، ابن شهر آشوب در کتاب مناقب (4)

خویش چهل لقب برای امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام بر می شمارد:

ص: 217

-
- 1- معینان، حسن، معماهای زندگانی چهارده معصوم، نشر: نبوغ، چاپ اول، ص 113-114
 - 2- لازم به ذکر است شمایی که برخی برای امام حسین عَلَیْم به تصویر کشیده اند هیچ گونه، مستند تاریخی ندارد. مدیریت زیارت امام حسین علیه السلام، ص 7
 - 3- قمی، عباس، منتهی الامال، ص 338، مدیریت زیارت امام حسین علیه السلام، ص 7 و 8
 - 4- مناقب، ج 14، ص 78.

امام، شهید، رشید، مظلوم، مقتول، مخذول (ترک یاری شده)، مهتضم (ستم‌دیده) مجاهده، عابد، قتل العبرات، اسیر الکربات، (اسیر اندوهها)، صریح العبره الساکبه (کشته اشکهای روان)، قتل الکفره، طریح الفجره (کنار گذاشته شده توسط تبهکاران)، قتل الله، ثارالله، حجه الله، باب الله، خالصه الله، ولی الله، صفی الله، حبیب الله، سفیر الله (نماینده خدا)، امین الله، عبدالله، وتر الله، الدلیل علی الله، الداعی إلى الله، عیبه علم الله (مخزن علم خدا) موضع سر الله، نور، ثائر انقلابی، طیب، صدیق، طهر، طاهر، مطهر، عمود دین، دلیل عالم، شریک قرآن (1) ..

45. از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام منقول است که فرمود:

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام و اصحابی که با او کشته شدند، زنده میشوند در حالی که با او همراه است، هفتاد نبی، همان گونه که همراه حضرت موسی عَلَیْهِ السَّلَام (70 کس) برانگیخته شدند. (2)

ص: 218

-
- 1- مدیریت زیارت امام حسین علیه السلام
 - 2- بهمنی، اصغر، رجعت از دیدگاه متکلمان برجسته شیعی و رابطه آن با تناسخ، نشر: زائر، چاپ اول، ص 37؛ شیخ حر عاملی، الايقاظ...، ص 368.

1. قرآن کریم
2. مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی، ترجمه الهی قمشه ای، نشر: محدث، چاپ دوم.
3. نهج الشهاده، ترجمه: احمد فرزانه، نشر: اهل بیت، چاپ اول.
4. آداب عزاداری شهیدان کربلا، حسین حسن سخنانی، نشر: راه نیکان، چاپ اول.
5. آشنایی با زندگانی چهارده معصوم، سازمان تبلیغات اسلامی، نشر: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
6. اشک خون، احمد احمدی بیرجندی، نشر: اسوه، چاپ دوم.
7. امام حسین از دیدگاه دانشمندان شرق و غرب، رکنی، احمد، نشر: طوبای محبت، چاپ اول.
8. انتظار، فصلنامه علمی تخصصی ویژه امام مهدی (عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) سال اول.
9. البكاء الحسين، آیت اله محمد حسن میرجهانی، نشر: رسالت، چاپ دوم.
10. الحیاه (جلد اول و دوم) حکیمی، محمدرضا و دیگران، ترجمه: احمد آرام، نشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
11. الحیاه (جلد اول و دوم) محمدرضا حکیمی، ترجمه احمد آرام، نشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
12. الخصائص الحسينیه، آیه اله شوشتری، مترجم: حسین شهرستانی، نشر: دارالکتاب، چاپ شانزدهم.
13. القطره (جلد اول و دوم) علامه مستنبط، احمد، مترجم: احمد ظریف و محمد حسین رحیمیان، نشر: حاذق، چاپ پنجم.
14. باغ باشم از قناری پر شوم، اثر طبع علی رهبر، نشر: پیام صادق، چاپ اول.

15. تحف العقول، ابو محمد حرانی، ترجمه: صادق حسن زاده، نشر: آل علی، چاپ هفتم.
16. تحفه الزائر، علامه محمد باقر مجلسی، نشر: امام هادی، چاپ اول.
17. چشمان بارانی، مهدی نیلی پور، نشر: سلسبیل، چاپ اول.
18. چهل حدیث از امام حسین، ابراهیم احمدیان، نشر: پردیسان، چاپ اول.
19. حافظ شیرازی (بر اساس نسخه علامه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی) نشر: لوح محفوظ، چاپ دوم.
20. حدیث کعبه و کربلا، مولی عبدالجبار بن زین العابدین شکوئی، تصحیح و تحقیق: جواد طباطبائی، نشر: آستانه قدس رضوی، چاپ اول.
21. حکمت سجده بر تربت سیدالشهداء، روح اله عباسی، نشر: آستانه مقدسه، چاپ سوم.
22. حیات فرات، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، نشر: دفتر نشر معارف، چاپ دوم.
23. داستان ازدواج چهارده معصوم، سیدهادی میراشرفی، نشر: پیام حجت، چاپ پنجم.
24. داستان راستان، ج 1، استاد شهید مرتضی مطهری، نشر: صدرا، چاپ سی و چهارم.
25. داستان های بحار الانوار، ج 1، 2، 3، 5، 6 و 7، مجلسی، محمد باقر، مترجم: محمود ناصری، نشر زائر، چاپ اول.
26. داستان های شگفت انگیزی از عالم برزخ، حیدر قنبری، نشر: فاتح خیبر، چاپ سوم.
27. داستان های شگفت انگیزی از قبر و اجساد سالم، حیدر قنبری، نشر: شمیم کوثر، چاپ سوم.
28. داستان های شگفت، شهید آیه اله دستغیب، نشر: دفتر نشر اسلامی، چاپ یازدهم.

29. دیوان شهریار، (جلد اول) اثر طبع استاد محمد حسین شهریار، نشر:

نگاه، چاپ سی و سوم.

30. راه های رسیدن به موفقیت و خوشبختی، محمد رضا رجائی، نشر: اقیانوس معرفت، چاپ اول.

31. رجعت از دیدگاه متکلمان بر جسته شیعی و رابطه آن با تناسخ، اصغر بهمنی، نشر: زائر، چاپ دوم.

32. ره توشه عتبات عالیات، جمعی از نویسندگان، نشر: مشعر، چاپ اول.

33. سربازی مجازی عاشورا، مهدی نیلی پور، نشر: مرغ سلیمان، چاپ اول.

34. سفری به ژرفای دریا، علی رهبر، نشر: جهاد دانشگاهی، چاپ دوم.

35. سوگنامه چهارده معصوم، محمد خیری، نشر: مشهور، چاپ هشتم.

36. سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، نشر: مؤسسه امام صادق، چاپ سیزدهم

37. سیره و سخن پیشوایان، محمد علی کوشا، نشر: پارسایان، چاپ اول.

38. سیمای پیشوایان در آینه تاریخ، مهدی پیشوایی، نشر: دار العلم، چاپ هشتم

39. شعائر حسینی، آیت اله حسن شیرازی، مترجم: حسام سیروس، نشر:

جمهوری، چاپ اول.

40. شعارهای عاشورا، مهدی نیلی پور، نشر: مرغ سلیمان، چاپ اول.

41. عاشورا، داوری، صادق، نشر: سلسله، چاپ اول.

42. عمان سامانی اثر طبع: عمان سامانی، نشر: مروی، چاپ اول.

43. فرهنگ سخنان امام حسین علیهم، ترجمه: محمد دشتی، نشر: امیرالمؤمنین، چاپ ششم.

44. قصرنامه، ماهنامه خبری علمی فرهنگی اجتماعی، شماره 40، آذرماه سال 1389.

45. قصه های قرآن، محمدرضا اکبری، نشر: پیام عترت، چاپ ششم.

46. قطره ای از فرات عاشورا، علی رهبر، نشر: شفق، چاپ دوم.

47. کامل الزیارات، ابن قولویه القمی، مترجم: امیر و کیلیان، نشر: دفترانتشارات اسلامی، چاپ اول.

48. کشکول جاویدان، محسن کتابچی، نشر الف، چاپ اول.

49. گاهنامه شیرین تر از عسل، (ویژه نامه محرم و صفر) شماره 4، بهمن ماه 1389

50. گزیده متون حدیثی تحف العقول/3، محسن موسوی، نشر: مرکز تحقیقات دارالحدیث، چاپ دوم.

51. گلچین احمدی (جلد اول)، ذبیح اله احمدی، نشر: مشهور، چاپ اول.

52. لمعات الحسین، محمد حسین حسینی طهرانی، نشر: علامه طباطبائی، چاپ نهم.

53. لهوف، سید ابن طاووس، مترجم، استاد محمد طاهر دزفولی، نشر: مؤمنین، چاپ هفتم

54. مجرمین و جرم شناسی عاشورا، مهدی نیلی پور، نشر: سلسبیل، چاپ اول.

55. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، حسین عماد زاده، نشر: طلوع، چاپ دهم.

56. مدیریت زیارت امام حسین علی، مهدی نیلی پور، نشر: سلسبیل، چاپ اول.

57. مدیریت عمومی زیارت اهل بیت، مهدی نیلی پور، نشر: سلسبیل، چاپ اول.

58. مردم می پرسند، علی اصغر رضوانی، نشر: عطر عترت، چاپ اول.

59. مصباح هدایت، آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، نشر: مولف، چاپ اول.

60. معماهای زندگانی چهارده معصوم، محمد حسن معینیان، نشر: نبوغ، چاپ اول.

61. مقتل الحسین به روایت شیخ صدوق، مترجم: محمد صحتی، نشر: هستی نما، چاپ اول.

62 مقتل مقرر، عبدالرزاق مقرر، ترجمه: محمد جواد مولوی نیا، نشر: جلوه

کمال، چاپ سوم.

63 منتهی الامال، ج 1، حاج شیخ عباس قمی، نشر: هجرت، چاپ نهم

64 میزان الحکمه (جلد یازدهم) محمد محمدی ری شهری، مترجم: حمیدرضا شیخی، نشر: دار الحدیث، چاپ پنجم.

65 ناسخ التواریخ، میرزا محمد تقی سپهر، نشر: کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول

66 نکته های نورانی، حسین دیلمی، نشر: ستاد اقامه نماز نمایندگی ولی فقیه، چاپ اول.

67 همسایه آفتاب، علی رهبر، نشر: جهاد دانشگاهی، چاپ اول.

ص: 223

کتاب هایی از همین نویسنده که تاکنون به چاپ و منتشر شده اند

- 1- راه های رسیدن به موفقیت و خوشبختی جلد اول و دوم. (کتاب برگزیده سال 1388 و لوح سپاس و جایزه ویژه)
- 2- شناخت امام زمان عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ ، مهدی باوری و مهدی یاوری. (معرفی شده از شبکه آموزش و شبکه علمی)
- 3- ویژگیهای دعا (با دریافت لوح سپاس از همایش اهل قلم)
- 4- راز خوشبختی زن و شوهر (کتاب برگزیده در سال 1392 و برنده لوح سپاس و جایزه ویژه در رشته روانشناسی).
- 5- فرهنگ الفبایی غدیر.
- 6- فرهنگ الفبایی امام هادی عَلَيْهِ السَّلَام
- 7- آزادی
- 8- پرواز به سوی آبرو، اصول و روشها.
- 9- تحلیلی بر زندگی امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام

کتاب هایی از همین نویسنده که به زودی چاپ و منتشر می شوند

1. راههای رسیدن به موفقیت و خوشبختی جلد سوم
2. سخنان بزرگان
3. نماز راز موفقیت
4. کشکول رجایی
5. راز خوشبختی دختران و پسران
6. فرهنگ الفبایی امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

